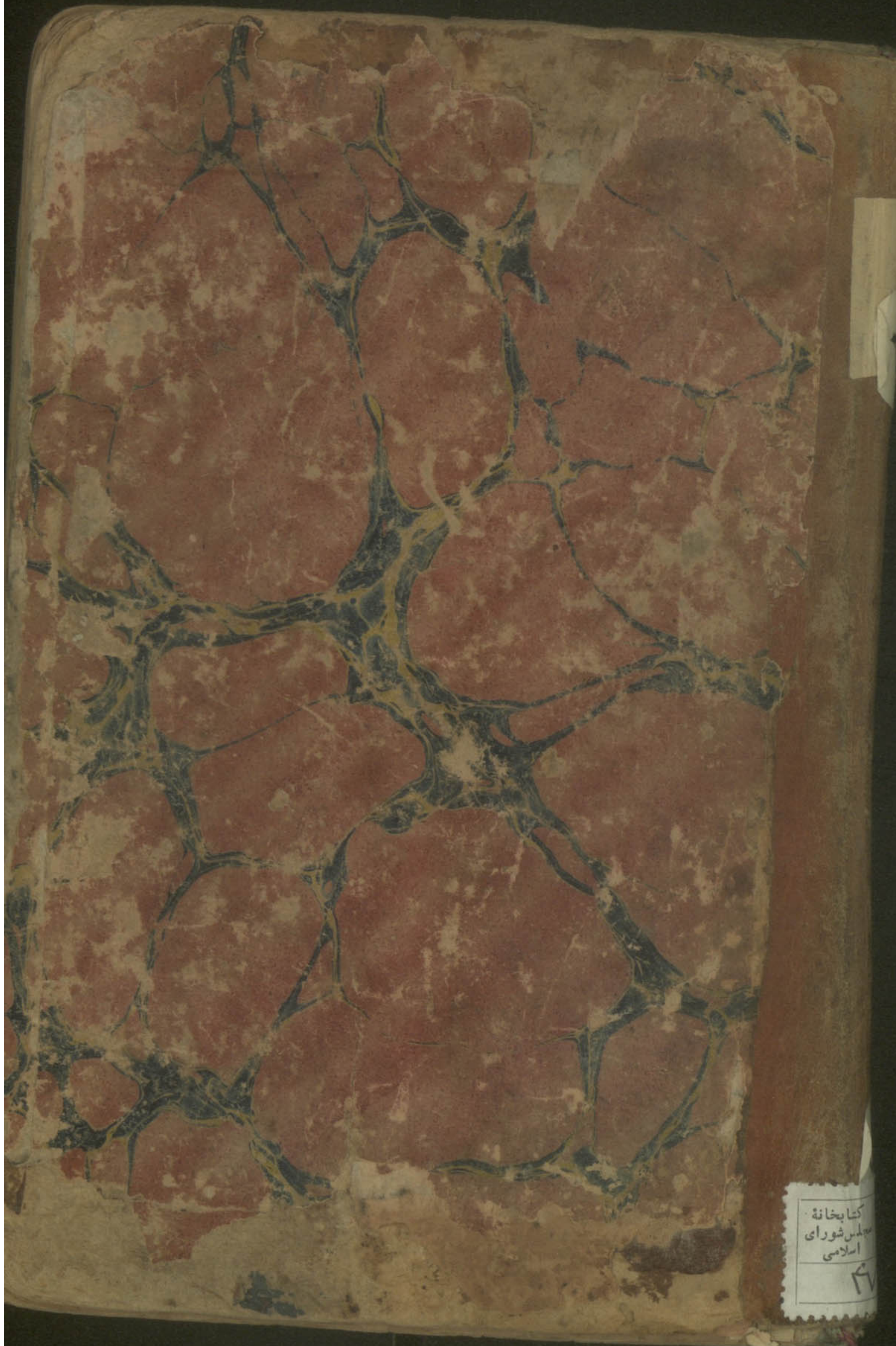

کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی
۴۷

بسم الله الرحمن الرحیم



رساله مجموع سلطانی

بنظر نگارنده اگر نسخه منحصر بفرد نباشد قدیمترین و کهنسالترین کتابیست که در مورد مسائل فقهی (رساله عملیه) در دست است. بطوریکه در دیباچه نگاشته (چون بندگان حضرت سلطان المشایخ سلطان محمود غزنوی را مهمی پیش آمد ...)

سبک انشاء نیز از نثر قرن مورد بحث حکایت میکند. و لغات فارسی مانند شالنگ و شپلیدن و مانند آن بسیارست که باید استخراج گردد

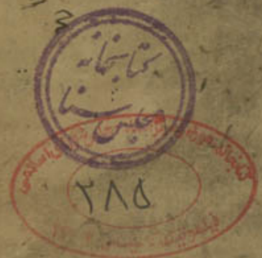
توضیحی بنظر نگارنده ضرورت دارد و آن اینست که سلطان المشایخ در بار که امروز شیخ الاسلام نامیده میشود در دربار سلطان محمود غزنوی بواسطه پیش آمدی حضور داشته و سلطان دستور میدهد که مسائل مورد نیاز و محتاج الیه را با جوابهای آن بفتوای علما گرد آورند — کتاب در تمام ابواب فقه ولکن فقه اهل سنت و جماعت و فرقه حنفی. و سی و پنج باب است ۴۲۱-۳۹۶ هـ

همانطور که در بالا اشاره شد سبک انشاء شیرین و دلپسند قرن [illegible] است و علاوه بر استفاده دینی و فقهی یکی از متون کهن فارسیست که از جهت تتبع و تحقیق نثر و زبان در خور توجه استادان فرهنگ و ادب میباشد. گرچه تمام کتاب ممتع و مفید است ولی امروز در اثناء مرور و شماره گزاری صفحات در صفحه ۲۳۱ و کتاب طلاق بجمله بسیار سودمندی برخوردم که در جواب سؤال راجع باجرای لفظ طلاق بلغت فارسی و صحت و جواز آن کلمات بگذاشتم و یله کردم و پای گشاده کردم و دست باز داشتم و رها کردم را درست و کافی میداند و کتاب مملو از مطالب مهم [?]

کتاب ۲۵۷ صفحه و قریب ۳۸۰۰ سطر است

۴

بسم الله الرحمن الرحیم



رساله مجموع سلطانی

بنظر نگارنده اگر نسخه منحصر بفرد نباشد قدیمترین و کهنترین کتابیست که در مورد مسایل فقهی (رساله عملیه) در دست است. بطوریکه در دیباچه نگاشته (چون بندگی حضرت سلطان المشایخ سلطان محمود غزنوی را الهی بیش ام ...)

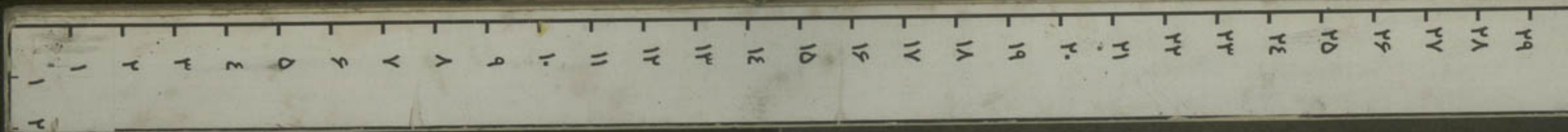
سبک انشاء و نیز از نثر قرن مورد بحث حکایت میکند. و لغات فارسی مانند شالنگ و شپلیدن و مانند آن بسیارست که باید استخراج گردد

توضیحی بنظر نگارنده ضرورت دارد و آن اینست که سلطان المشایخ دربار که امروز شیخ الاسلام نامیده میشود در دربار سلطان محمود غزنوی بواسطه بیش آمدی حضور نداشته و سلطان دستور میدهد که مسایل مورد نیاز و محتاج الیه را با جوابهای آن بفتوای علما گرد آورند - کتاب در تمام ابواب فقه ولکن فقه اهل سنت و جماعت و فرقه حنفی. و سی و پنج باب است ۴۲۱-۳۹۳ هـ

همانطور که در بالا اشاره شد سبک انشاء شیرین و دلپسند قرن ... است و علاوه بر استفاده دینی و فقهی یکی از متون کهن فارسیست که از جهة تتبع و تحقیق نثر و زبان در خور توجه استادان فرهنگ و ادب میباشد. گرچه تمام کتاب ممتع و مفید است ولی امروز در اثناء مرور و شماره گزاری صفحات در صفحه ۲۳۱ و کتاب طلاق بجمله بسیار سودمندی برخوردم که در جواب سؤال راجع باجرای لفظ طلاق بلغت فارسی و صحت و جواز آن کلمات بگذاشتم و یله کردم و پای گشاده کردم و دست باز داشتم و رها کردم را درست و کافی میداند و کتاب مملو از نظایر ... است

کتاب ۲۵۷ صفحه و قریب ۳۸۰۰ سطر است

۴



نام کتاب

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلوة

على رسوله محمد واله اجمعين بدانكه اين كتب معظم

ومكرم دربيان مسايل فقه عبادة ونام اين كتب

مجموع سلطاني نهاده شد است بعون الله الهادي التوفيق

كه چون بندكي حضرت سلطان المشايخ والاولياء سلطان

محمود عزنوي را مهم پيش امد وهر عالم را كه در ولايت

او بود طلب فرمود كه در برابر ما در مهم بيايند

وعالمان ملك او را مشكل پيش امد كه اكر هر سالي

اي بادشاه را مهم پيش خواهد امد همه عالمانرا

باخود خواهد برد پس بايد كه اين قانون را دفع

كنيم وجميع عالمان وفقيهان مسايلها را از كتابها

جستند واين نسخه پسنديدا قوي راست كردند

طلب كردند دليل

وتصنيف

وتصنيف جميع عالمان است ويكي از ايشان علماء ظريف

بود ولطيف نحيف الحسن اين پيش بادشاه مذكور

داد وكفت كه هر مشكل ودشواري كه پيش ايد از اين

اول كتاب

كتب مذكور مسله ديده حل بكنيد جمله چهل وهفت

باب است باب اول دربيان وضو سوال متوضي اكر ترتيب

متوضي منصوص ترك دهد يعني شستن پاي پيش از دست

مقدم دارد هر عضوي كه مقدم است موخر دارد

وضو جايز باشد ياني جواب باشد اما مخالفت

سنت است وموافقت رفض شود كذا في مجمع

البحرين سوال اكر بعد شستن روي بكاري ديكر

مشغول شد بعده دست شست باز بكاري ديكر

مشغول شد بعده پاي شست ومسح سر كشيد وضو

درست باشد ياني جواب باشد كذا في الكافي

سوال اگر اعضاء وضو یکان بار بشوید نماز گذاردن
بدان وضو شاید یانی جواب شاید چون آب تمام
اعضاء وضو که شستن است سائل گردد کذا فی
المضمرات سوال اگر لمعه از عضو ناشسته ماند قطره آب
از عضوی دیگر برگیرد وان آب را بران لمعه
صرف کند درست باشد یانی جواب در غسل
روا باشد و در وضوی کذا فی الخلاصه سوال
اگر برای مسح سر آبی جدید برنگیرد از شستن
دست تری که بر دست او مانده باشد بدان مسح
سر کند درست باشد یانی جواب باشد کذا
فی المضمرات سوال اگر آبی که از ریش چکد
قطره آب ازان برگیرد و بدان مسح سر کند
درست باشد یانی جواب درست نباشد

کذا

کذا فی المضمرات سوال افعالی که در وضو
سنت است چند اند و کدام اند جواب
سیزده چیز است اول شستن دو دست
تا بند دست دوم در آغاز وضو و تسمیه سیوم و مسواک
چهارم و مضمضه کردن پنجم و استنشاق ششم و خلال ریش
هفتم و خلال انگشتان هشتم و اعضاء وضو سه بار شستن
نهم و نیت رفع حدث و یا اقامت الصلوة کردن
دهم و مسح تمام سر کشیدن یازدهم و مسح گوش کردن
دوازدهم ترتیبی که در قرآن مذکور است بجاء
آوردن و تر بتر شستن سوال افعالی
که در وضو مستحب اند کدام اند مفسران بیان
فرمایند جواب مقدم داشتن دست راست در شستن
بر دست چپ و پای راست بر پای چپ دوم

تر بتر شستن سیوم مسح کردن کشیده
سوال آداب وضورا بیان کنند که
چند اند وکدام اند جواب دوازده اند
اول پیش در آمدن وقت نماز وضو ساختن
دوم آب بر موازنه ریختن نه اندک ونه
بسیار وسیوم مستقبل قبله نشستن
درحال وضو چهارم از جای سر انگشتان
آب انداختن از دست بسوی آرنج واز پای
سوی شتالنگ پنجم کلمه شهادة گفتن
درشستن هر عضوی ششم یاری از کسی نا
خواستن یعنی آب خود ریزد هفتم از سخن
دنیا نکند هشتم بعد الفراغ مستقبل
قبله استادن وکلمه شهادة گوید

ونهم بقیه آب وضو استاده خوردن دهم
بعد الفراغ دوگانه گذاردن یازدهم آب
فرود موی لب وموی ابروی رسانیدن
دوازده هم انگشت خنصر در سوراخ گوش
در آوردن کذا فی التجنیس سوال
چون از تن آدمی خون و یا ریم ویا زرد
آب ویا کرم بیرون آید شکننده وضو
باشد یانی جواب باشد کذا فی الهدایة
سوال اگر خون ونحوه بر سر جراحت ظاهر
گردد وسائل نگردد شکننده وضو باشد
یانی جواب نباشد کذا فی التجنیس وهو
الصحیح سوال اگر خون بر سر جراحت بیرون
آید از آن پنبه بر گیرد ویا قدری خاک

ویاخا کستر برات اندازد وخون
ازانها باشد اکر این چنین نکردی
روان کشتی این قدر شکننده وضو باشد
یانی جواب باشد کذا فی المضمرات سوال
چون خون اکر بر سر جراحت برایک
واز جراحت هان نشیب تر هاید فاما
هیچ طرفی روان نکردد شکننده وضو باشد یانی
جواب نباشد کذا فی التجنیس وهو
الصحیح سوال اکر خون وخوه بر سر جراحت
ظاهر کردد و سایل نشود شکننده
وضو باشد یانی جواب نباشد کذا
فی المضمرات سوال اکر خون در بینیها بسر
از بینی برسد وبیرون نیاید شکننده

وضو باشد یانی جواب باشد کذا فی المضمرات
سوال اکر از کوش متوضی ریم بغیر درد
بیرون آید شکننده وضو باشد یانی جواب
نباشد کذا فی السراجیة سوال اکر آبله
خورد بر اندام باشد پوست از سر او
دور شود آب ازان سایل شود شکننده
وضو باشد یانی جواب باشد کذا فی السراجیة
سوال اکر پشه ویا کیک ویا کنه بر تن
آدمی سخت شود وخون او پچوشد وپر
شود وضو بشکند یانی جواب نی مکر
آنک بسیار بزرک باشد کذا فی السراجیة
سوال اکر دیوچه از خون آدمی پرشود
وضو بشکند یانی جواب شکند کذا فی التجنیس

سوال اکر کسی دنبل را بشپلید وخون
بیرون آید وضویش شکند یا نی جواب شکند
کذا فی القنیة وهو الاشبه سوال اکر کسی را
رشته از اندامی بیرون آید بغیر خون
وریم وضویش شکند یا نی جواب نی کذا
فی المضمرات سوال اکر از دهن یا بینی خون
با آب آمیخته بیرون آید چه حکم باشد
جواب حکم مر غلبه را باشد سوال اکر خون با آب
دهن ویا بینی برابر باشد شکند وضو
باشد یا نی جواب باشد کذا فی التجنیس
والقنیة سوال اکر خون بسته کی قی کند
کم تر از پری دهن باشد شکند وضو باشد
یا نی جواب نی کذا فی شرح الکنز سوال

در قی تلخ وطعام وآب نیز پری دهن
شرط است یا نی جواب شرط است کذا فی الکنز
سوال اکر کسی مجرد بلغم پری دهن
قی کند وضوا بشکند یا نی جواب نی
کذا فی الکنز سوال اکر کسی اندک اندک
چند کرة قی کرد و مجموع مقدار پری دهن
میشود بشکند وضو باشد یا نی جواب
باشد اکر بیکشور بود باشد کذا فی الکافی
یعنی بیکبار نبوده
والاصح قول محمد یعنی قول السبب یجمع
متفرقة سوال خواب بیرون نماز شکند
وضو باشد یا نی جواب باشد اکر هر دو
سرین بر زمین قرار نکرفته باشد کذا
فی المضمرات سوال اکر در حالة جلوس
خواب غالب شد وان غلب خواب بیفتد

وبمجرد رسیدن بر زمین بیدار شد وضواو
بشکند یانی جواب نی کذا فی التجنیس
سوال خواب در سجده تلاوت شکننده وضو
باشد یانی جواب باشد کذا فی السراجیة
سوال بدیوانه شدن و بیهوش گشتن وضو بشکند
یانی جواب بشکند کذا فی الکنز سوال
مستی که وضو را بشکند حد آن چیست
جواب انکه در رفتار وی تجاوز نموده شود
که قدم بر جای قرار نگیرد و بلغزد وهو
الصحیح کذا فی الذخیرة سوال اگر در حال خواب
در نماز کسی خنده قهقهه کند وضو او بشکند
یانی جواب بشکند کذا فی السراجیة سوال
اگر در نماز جنازه و یا در سجده تلاوت در حال

بیداری کسی خنده قهقهه کند وضو او بشکند
یانی جواب نی کذا فی الهدایة سوال عاقلی غیر
بالغ در نماز مطلق خنده قهقهه کند وضو
بشکند یانی جواب نی کذا فی شرح الکنز
سوال اگر عاقلی و بالغی در نماز جنازه جنان
خندید که خود شنید و آنکه نزدیک او بود شنید
حکم وضو و حکم نماز او چه باشد
جواب نمازش تباه شود و وضویش نی
کذا فی المنافع سوال اگر مرد و زن برهنه
کنار گیرند و سر آلت بر دهن فرج عورت برسد
وضو هر دو بشکند یانی جواب اگر آلت قایم
باشد وضو بشکند کذا فی الکافی باب دوم
در بیان غسل سوال اگر سر آلت مرد تا محل ختنه

در قبل ویا در دبر آدمی غایب شود وهیچ
انزال نشود غسل بر هر دو ولازم کردد یانی
جواب کردد کذا فی الکنز سوال اکر کسی با چهار
پایه وطی کند بغیر انزال غسل لازم کردد یانی
جواب نی کذا فی السراجیة سوال اکر مردی را احتلام
شد وهیچ انزال ظاهر نکشت غسل برو
لازم کردد یانی جواب نی کذا فی الکنز سوال
اکر منی یا مذی ظاهر کشت وهیچ احتلام
یاد نمی آرد غسل لازم کردد یانی جواب کردد
کذا فی السراجیة سوال اکر مردی را احتلام
شد آب منی از پشت هم بشهوت جنبید بعد
بیدار شد ذکر بدست محکم کرفت تا آنکاه
که نرم شد پس از بول بنرمی نفس منی

بیرون آمد غسل واجب آید یانی جواب آید
کذا فی الکافی سوال اکر زن را احتلام شود
ولذت انزال یابد لیکن آب منی هیچ ظاهر
نکردد غسل برو لازم کردد یانی جواب نی
کذا فی المضمرات وهو الصحیح وقول دیکر
آنست که برو غسل لازم کردد سوال اکر مردی
بول کرد در حالت آلت او منتشر بود با بول
منی بیرون آید بروی غسل واجب آید یانی
جواب آید کذا فی القنیة سوال اکر مردی بازنی
ملاعبة کرد در آن حالت بنرمی از نفس او آب
سپید بیرون آمد غسل برو لازم کردد یانی
جواب نی کذا فی الوافی سوال اکر آبی سپید
که عقب بول بیرون آید بدان غسل واجب

وکذا اذا ادخل رجل اصبعه فی دبره او صائما فی رمضان
علیه قضاء ولا یلزمه الکفارة وان جامع ولم ینزل الماء یجب
الغسل وان جامع بهیمة لا یلزمه الا عند الانزال

کردیانی جواب نی کذا فی الکنز سوال
پسری نزدیک بلاغت شده است یا زنی
مجامعت کرد یا مردی با دختری که نزدیک
بلاغت بود مجامعت کرد بر پسر و دختر مذکورین
غسل لازم اید یانی جواب نی فاما ایشانرا بفرمان
که غسل بکنند تا خوی گیرند کذا فی السراجیة
سوال غسل که بر مسلم فرض کردد بمجرد جنابت
شدن یا انگاه که قصد نماز کند یا قصد
کاری کند که با جنابت درست نباشد جواب
انگاه که قصد عملی کند که با جنابت نشاید کردن
کذا فی الکافی سوال اگر مردی زنی را دست
بشهوت زد زن مذکوره را بدان اب نشاط
انزالش شد واب منی شد غسل برو لازم

نشاط

کردد

کردد یانی جواب کردد کذا فی القنیة سوال
غسلها که سنت است چندان و کدام اند جواب چهار اند
برای جمعه و عیدین و روز عرفه و احرام سوال
غسل جمعه برای نماز است و یا برای روز جمعه
جواب برای نماز جمعه تا اگر بدان وضو نماز
نگذارد فضیلت غسل نیابد کذا فی السراجیة
سوال غسل عرفه که سنت است در حق واقفان
عرفه است یا در حق عامه خلق جواب در حق واقفان
عرفه است کذا فی شرح مجمع البحرین سوال اگر عید
روز جمعه باشد بیک غسل چون هر دو نماز
گذارد بسنده باشد یانی جواب باشد کذا فی
التجنیس سوال غسل واجب کدام است
مشروح بیان فرمایند جواب غسل میت بر مسلمانان

وغسل كسي كه در حال الجنابت مسلمان شود كذا
في الكنز سوال در غسل چند چيز فرض است
جواب سه چيز فرض است شستن دهن وبيني
وشستن اندام ظاهر تمام كذا في الهدايه سوال
اكر زني كافره از حيض پاك كردد وپيش غسل
مسلم شود غسل برو واجب كردد يا ني جواب ني
كذا في التجنيس سوال پوست ناختن كرده
اكر درون پوست كه در ختنه بريده ميشود ناشست
ماند غسل درست باشد يا ني جواب باشد
كذا في الكنز سوال اكر مضمضه با احتياط كند
فاما ميان دندانها كوشتي مانده بود انرا
دور نكرد ويا ريم در ناخنها او بود انرا
دور نكرد غسل تمام باشد يا ني جواب باشد

كذا

كذا في التجنيس للمزيد سوال اكر در غسل ريم خشك
در بيني سخت شد وانرا دور نكرد پس جنابت
باقي باشد يا ني جواب باشد كذا في القنية سوال
عورات كه آرد عدس ونخود در وقت غسل
بر اندام مي مالند اكر درون ناخنها چون ريم
نشيند انرا دور نكرد جنابت باقي باشد يا ني
جواب باشد كذا في الكبري سوال اكر انكشت
در سوراخ كوش ودر ناف در بيني ورد در اين
محلها اب رسانيده او را يقين نباشد حكم پاكي
او شود يا ني جواب ني كذا في القنية سوال اكر زن
كيسوها بافته باز نكند ودر بنها موي اب برساند
بسنده باشد يا ني جواب باشد كذا في الكنز سوال
اكر مردي علوي چنين كند روا باشد يا ني

جواب نی کذا فی الکافی سوال مالیدن اندام در
غسل شرط است یانی جواب نی کذا فی مجمع البحرین
سوال سنت طریق در غسل کدام است جواب اول
دو دست تا بند دست بشوید و شرمگاه خود را
بشوید و نجاستی که بر اندام او رسیده باشد
انرا بشوید انگاه وضو مرتب کند ولیکن
پایها نشوید اگر بدانند که باز الوده خواهد شد
بعد اب برساند و بر اندام سه کرة بریزد
کذا فی الشلفی سوال اگر لمعه از عضوی ناشسته
مانده باشد تری از عضوی دیگر بر گیرد بدان
صرف کند درست باشد یانی جواب در غسل درست
باشد و در وضو نی کذا فی المضمرات سوال اگر
جنبی بعض اعضای بشوید بعد بخسپد و یا

بکاری

بکاری دیگر مشغول شود بعد اعضای دیگر
بشوید جایز باشد یانی جواب باشد کذا فی السراجیة
سوال اگر مردی جنب است جامه برای غسل
ندارد و هیچ پرده نمی یابد اگر غسل کند مردمان
او را برهنه می بینند او را درین صورت تاخیر
غسل واجب است یا در نظر ایشان غسل کند
جواب غسل کند چون خوف فوت شدن نماز
باشد سوال اگر زنی را چنین قضیه افتد او نیز
تاخیر کند یانی جواب تاخیر کند کذا فی المحیط
فی القنیة سوال اگر جنب برای گرفتن اب
دست درآورد اندازد یا برای کشیدن دلو یا
در چاه درآورد اب مثل کوثر پلید کرد یانی
جواب نی و هو الصحیح کذا فی السراجیة سوال

برای تقسیم بند

اگر محدث در سفالی ابی اندک یافت وبترسد
شاید آلودگی نجاست است وهیچ اوندی ندارد
که بدان اب برگیرد او چگونه طهارت کند جواب
اب بدهن برگیرد وبدان دست بشوید بعده
بدست برگیرد طهارت کند سوال اگر اب سفالی
نشیب باشد که دهن بران آب نرسد چگونه
کند جواب جامه یکطرف برگیرد انرا ترکند
ازتقاطر اب دست بشوید بعده دست دران اب درارد
کذا فی المضمرات باب سیوم دربیان پاکی وناپاکی
اب ومقدار ان سوال ابی که بدان رفع حدث
شود یامتوضی استعمال کرده باشد برای تجدید
وضو ومزید ثواب بمجرد جدا شدن از عضو
مستعمل می گردد یا بعد انکه درمکانی قرار گیرد جواب

چون

چون از عضوی جدا شود کذا فی الهدایة وهو
الصحیح انه لما زایل من العضو صار مستعملا
سوال اب مستعمل نجاست غلیظ است چنانچه روایت
از امام اعظم یا مخفف چنانچه قول ابو یوسف یا طاهر
است غیر طهور چنانچه قول محمد است جواب
طاهر است غیر طهور وهو الصحیح کذا فی مجمع البحرین
سوال جنب یا حایض اگر اب در دهن کند بغیر
نیت مضمضه اب مذکور مستعمل گردد یانی جواب
نی لیکن طهور ماند سوال اگر آب در دهن
بنیت مضمضه کند وانرا برجامه ریزد پلید گردد
یانی جواب نی المسلتان فی الخلاصة سوال اب وضو
کودک مراهق مستعمل باشد یانی جواب باشد
چون عاقل بود وهو المختار کذا فی مجمع البحرین سوال

ابي كه در طشت از شستن دست پيش از طعام و بعد
از طعام جمع شود مستعمل باشد چون اب وضو
يا ني جواب باشد چون اب وضو كذا في الطحاوي
سوال زني حايض چون وضو سازد اب وضوء او
مستعمل باشد يا ني جواب باشد كذا في القنية سوال
جنب كه براي كشيدن دلو در چاه غوط خورد
حكم ان جنب وحكم ان اب چه باشد جواب بروايت
از امام اعظم هر دو نجس و بر قول امام ابو يوسف
اب بحال خود پاك وجنب همچنان بر جنابت
و بر قول امام محمد هر دو پاك و بروايتي اب
مستعمل شود وجنب از جنابت پاك گردد بعده
پرسيدن اب مستعمل متنجس گردد از امام اعظم
روايت صحيح چنين است كه قران خواندن مر او را

درست

درست باشد اگر مضمضه واستنشاق كرده باشد
كذا في الخلاصة وشرح الطحاوي سوال
چون بر دست هيچ نجاستي نباشد فاما بگرد يا ريم
الوده باشد اگر انرا بشويد تا دور شود
اب مستعمل باشد يا ني جواب ني كذا في الطحاوي
سوال اگر بعد از وضو اعضا را بجامه خشك
ميكند جامه مذكور مستعمل باشد يا ني جواب
ني هو المختار كذا في المضمرات سوال در غديري
بزرك كه ان حكم اب روان دارد چون از طرفي
كسي غسل جنابت كند بر اندام او هيچ نجاستي
نباشد ديگري را شايد كه هم در ان جا وضو
كند يا ني جواب شايد وعليه الفتوي
كذا في المضمرات سوال ابي استاده كه حكم اب

روان باشد اورا حد معتبر دران چیست
جواب ده گز در ده گز باشد بگز کرباس که عمق
او بمثابه باشد که بخویر کردن زمین نمونه نشود
وعلیه الفتوی کذا فی الهدایه سوال در صورتی
که اب طول او بسیار باشد وعرض او اندک باشد
فامادر حسب متحاسب ده گز ده در گز میشود انرا
نیز حکم حوض بزرگ باشد یانی جواب باشد
هو المختار کذا فی الخلاصه سوال در حوضی نجاستها
افتاده بعده پر اب شد واب از و هیچ طرف بیرون
نیامد وضو وغسل از و درست باشد یانی جواب
از اینجا که اب در می اید اگر مقدار ده گز در ده گز
پاک باشد بعده در محل پلید برسد کل پاک گردد
بلحیه واگر محل در امدن پاک کمتر باشد ده در ده

کل

کل پلید گردد کذا فی التجنیس المزید سوال
حوض حمام اگر پلید گردد بعده از طرف درون در اید
وطرف دوم بیرون اید پاک گردد یانی جواب
پاک گردد وهو المختار فی الخلاصه سوال اگر در اب روان
نجاستی افتد رنگ ویا بوی ویا مزه ان نجاست
بر اوصاف اب غالب چنانک در غدیرها قریبا
است کاوه میش دران کمیز میکنند بوی کمیز
ازان اب می اید وان اب صد گز در صد است ونجاست بول
عمیق ازان غدیرها خوردن وطهارت کردن وجامه
واوند شستن روا باشد یانی جواب نی کذا فی
الشافی والنصاب سوال در جوی مردار افتاد واب بران
میگذرد حکم ان اب مذکور چه باشد جواب اگر
تمام اب یا نیمی بران میرسد ازان وضو ساختن

روان نباشد واکر زیاده از نصف در محل پاك
میرود واندك از نصف بمردار میرسد درست
باشد توضي ازان کذا في الینابیع سوال بالاء
بام در بعضي محلها نجاستي باشد وبران باران
افتد واب از ناوزه فرود افتد اب مذکور
پاك باشد یا ني جواب اکر اثر نجاستي دران
ظاهر کردد مطلق پلید کردد والا بنکرد
اکر نیمي یا زیاده نجاست متصل میشود کل
پلید کردد واکر کمتر از نیمي نجاست متصل
میشود واثر نجاست دران نباشد کل پاك کردد
کذا في المضمرات سوال درمیان ناوزه نجاستي
سخت شده باشد اب باران مذکوره چه باشد
جواب حکمي که حکم بالاي ذکر رفته است یعني حکم جوي

در سقف پاک افتد و از ان ناوزه
فرو رود افتاده هم آب

روان که درو مرداري افتاده باشد همانست المسلتان
في الکبیري سوال در ابي اندك چیزي
پاك افتاد وبدان رنك او یا بوي یا مزه او یا
فتاده چیزي پاك بکردد مانع جواز وضو
باشد یا ني جواب ني کذا في الکنز که آنرا بروایت
منافع صحیح کفته است سوال اکر دو وصف اب
با فتاده چیزي پاك بکردد مانع جواز وضو
باشد یا ني جواب ني بروایت منافع که انرا
صحیح کفته است سوال اکر در اب چیزي پاك
افتاد غالب و مغلوب بر رنك شناخته شود
یا با جزاي جواب با جزاي في الاصح کذا في البحر
البحرین سوال ابي از درختي ویا میوه بشپلیده
که بیرون آید وضو وغسل بدان روا باشد

یاني جواب ني كذا في الواقعات وغيره بحكم روايت مضمرات
از انفع سوال درصورتي كه اب از ميوه بغير
شپليدن خود بچكد وضو بدان جايز باشد
ياني جواب باشد بحكم روايت مضمرات واز انفع
سوال ابي كه دران چيزي پاك بجوشانند چنانچ
نخود ونحو ذلك وضو ساختن ازان روا باشد
ياني جواب باشد واكر بعد سرد شدن سخت
كردد روا نباشد والا اكرچه رنك ومزه
او كشته باشد كذا في الينابيع سوال ابي كه دران
انكور تر كنند واب مذكور شيرين كردد وضو ساختن
بدان روا باشد ياني جواب ني هو الاصح في الجامع
الصغير واوزجندي سوال در ابي كه دران زبا
تر كنند وان اب شيرين شود وضو ساختن

دران

دران اب شايد ياني جواب ني وهو الاصح كذا في
المضمرات سوال در اب اندك اكر استخوان مردار
يا موي مردار افتد پليد كردد ياني جواب ني مكر انكه
بر استخوان چيزي باشد سوال پوست سك
وخوك وساير حيوانات چون مردار شوند
بدباغت پاك شوند ياني جواب پاك شوند
جز پوست خوك وادمي كذا في مجمع البحرين
سوال هرچيزي كه پوست او بدباغت پاك كردد
اكر ان حيوان را به تسميه ذبح كنند بغير
دباغت پوست وكوشت او پاك كردد ياني
جواب كردد كذا في الوقاية سوال پوست سك
وكرك وبوزنه بعد از دباغت درحال نماز
پوشيدن ومصلي ساختن درست باشد ياني

كذا في المضمرات
جواب باشد وعليه الفتوي
سوال موي خوك كه بدوختن چرم حاجت مي
افتد چه حكم دارد جواب مرخص است كذا في
التهذيب سوال موي ادمي را هيچ استعمال كردن
چنانچه دوختن جوال وپلان بدانچه وغير ذلك
درست باشد يا ني جواب ني كذا في مجمع البحرين
سوال اكر در چاه موي ادمي كافر ويا مسلم
پاك ويا محدث افتد پليد كردد يا ني جواب ني
كذا في الكافي سوال ادمي كه با طهارت اكر در چاه
بميرد كشيدن تمام اب از چاه واجب كردد
يا ني جواب كردد سوال انچه در چشته مقدار ادمي
است چنانچه كوسفند وسك چون در چاه
بميرد كشيدن تمام اب از ان چاه واجب كردد

يانى

ياني جواب كردد سوال درصورتي كه حيواني
خورد مقدار كنجشك يا خورد تر از ان كه در ان
خون مسايل كردد و در چاه بميرد واما سيله ورتر
كردد نيز كشيدن تمام اب چاه واجب كردد يا ني
جواب كردد سوال درصورتي كه چاه چشمه
دار باشد كه بكشيدن ان آب چاه كم نشود چكونه
پاك كردد جواب مقداري كه اب در چاه
موجود باشد آنقدر بكشند كذا في الوقاية
سوال مقدار اب چاه چكونه معلوم شود
جواب بقول دو مرد كه ايشانرا در يافتن مواتر
آب بصارت باشد وهو الصحيح في الهداية سوال
اكر موش يا حيواني كه در جثه بموش نزديك
بود در اب بميرد چه قدر كشيدن واجب
كردد جواب بست دلو اكر ان حيوان را

خوب باشد که بگشتن سائل کردد سوال اکر کبوتر
ویا مالیان در چاه بمیرد چه قدر آب کشیدن
واجب کردد جواب چهل دلو کذا فی الوقایة
سوال دلو چه قدر معتبر است جواب
میانه کذا فی الکنز سوال در صورتی که حیوانی
در چاه افتد و زنده بیرون آید حکم چیست
جواب اکر خوک و سک بود و آب پلید کردد
مطلقا و اکر غیر ایشان بود و بنکرد اکر دهن
او به آب رسیده باشد نظر در پس خورده او
کنند اکر پس خورده او نجس باشد آب
تمام نجس باشد و اکر مکروه است آب نیز
مکروه است و اکر مشکوک است آب نیز مشکوک
باشد آب بتمام بکشند و اکر دهن او به آب
نرسیده باشد یا رسیده باشد لیکن پس خورده

سوال دلو میانه چه قدر است
جواب چهار سیر است

او

او پاک است پس آب نیز پاک بود کذا فی شرح الکنز
سوال اکر در وقت افتادن هیچ معلوم نباشد
و حیوانی اماسیده و ریزیده دریافته شود
چند روز را غسل و نماز بازکردانند که بدان
آب کذارده باشند جواب سه شبانروز سوال
اکر مرده غیر اماسیده و ریزیده یافته شود حکم
او چه باشد جواب آنکاه یک شبانروز بازکردانند
المسلمان فی الکنز سوال سرکین سوخته
چون خاکستر شود و خر مرده اکر در نمک
افتد و آن نیز بکذارد نمک شود و قدری
از آن خاکستر یا از آن نمک در چاه افتد یا
در آب اندک افتد پلید کردد یا نی جواب نی
و علیه الفتوی کذا فی الخلاصة سوال پس خورده

خر واستر چون کوشت ایشان حرامست
وخوی ایشان پاك باشد بیان شکی فرمایند
جواب شك است در پاکی پس خورده ایشان
وپلیدی ان پس چون اب دیکر نباشد
جز پس خورده ایشان وپلیدی ان پس
خورده چون اب دیکر نباشد جز پس خورده
خر واستر هم وضو سازد بدان اب هم
تیمم کند کذا فی الوقایة سوال اکر کسی به پس
خورده خر واستر وضو سازد بعده ابی
مطلق یابد شستن محلها که اب مشکوك
رسیده باشد از اندام وجامه واجب کردد
یانی جواب نی وعلیه الفتوی کذا فی الوقایة
والمنظرات والنصاب سوال پس خورده

اسب

اسب چون کوشت او مکروه یا پاك است
جواب پاك است کذا فی الوقایة سوال پس خورده
آدمی جنب وحائض وکافر نیز چون پس خورده
مسلم پاك است یانی جواب پاك است کذا فی الکافی
سوال پس خورده حیوانی که کوشت او خوردنی
است چون دهن او بچیزی الوده نباشد پاك
است یا پلید جواب پاك است سوال پس خورده
ماکیان کوچه کرد وپس خورده کربه وسباع طیر
چنکل دار پرندکان چون باز وشاهین
وسیچه ونحوه وپس خورده سواکن بیوت چون
مار وموش وکژدم وهرچه بمانند ایشان
است چه حکم دارد جواب مکروه هست کذا فی الینابیع
وفی الکنز سوال پس خورده سك وخوك
وسباع بهایم چون شیر وکرك وبوزنه

وشغال و روبه پليد است مطلقا يا مكروه است
جواب پليد است مطلقا سوال چون هيچ ابي نباشد
مكر آب مكروه وضو بدان بغير كراهيت جايز
باشد يا ني جواب بغير كراهيت كذا في شاهان
وشرح الهداية سوال منقار ماكيان چون
بيقين بنجاست آلوده باشد در ابي كه منقار در آرد
مكروه باشد يا پليد جواب پليد كذا في الينابيع
سوال چون در چند آوند اب باشد وبيشتر
ازان پليد كشت وبعضي پاك وهيچ معلوم نيست
كه كدام پاك وكدام پليد وجز ان ابي ديكر نباشد
تيمم كند يا در دل صواب جويد ازان آوند
وضو سازد جواب تيمم كند سوال
اكر بيشتري اوند پاك باشد اكر بغير تحري

از

ازان آوندي وضو سازد روا باشد يا ني
جواب باشد كذا في مجمع البحرين سوال اكر آوند
پليد همان قدر است كه آوندها پاك است وفرق
حاصل نميشود حكم چيست جواب تيمم كند
كذا في شرح مجمع البحرين والله اعلم بالصواب
باب چهارم در بيان تيمم سوال تيمم چيست و نيت
تيمم چيست جواب در شريعت هر دو دست بر
زمين پاك به نيت طهارة بزنند ۲۷ ويكبار
بر روي بمالد ويكبار بر هر دو دست تا آرنج
سوال اكر از روي در محلي كه اب رسانيدن
دران فرض است در تيمم ازان چيزي فرو
كذاشته كند دست انجا نرساند درست باشد
يا ني جواب ني كذا في الجامع الصغير الا وقتيكه

۲۷ ونيت كند كه در تيمم نيت كردن فرض است الصلوة م
ونيت اينست نويت ان تيمم لرفع الحدث واستباحة

سوال چون انکشتري تنك وانرا درحال
تيمم نجنباند يا خلال انکشتان ترك كند تيمم جايز
باشد ياني جواب ني هو المختار في المضمرات
سوال درحق جنب وحايض ونفسانين
تيمم همبرين نمط است يا زياده ازين جواب
همبرين نمط است سوال اکر جنب تيمم كند
نيت وضو از جهت غسل نيز همان پسنده باشد
يا نيت غسل ديكر كند جواب همان پسنده باشد
كذا في السراجية سوال اكر كسي تيمم كند
بنيت تلاوة قران نماز كذاردن بدان تيمم جايز
باشد ياني جواب ني كذا في التجنيس سوال
اكر درحالي كه آب نباشد حقيقتاً يا حكما
براي نماز جنازه يا سجده تلاوة تيمم كند

نماز

نماز مطلقا بدان كذاردن روا باشد ياني
جواب باشد كذا في السراجية سوال اكر كافري
بنيت اسلام تيمم كند بعده مسلمان شد نماز
كذاردن بدان تيمم مراورا جايز باشد ياني
جواب ني كذا في الكنز سوال چند چيز است
كه بدان تيمم رخصت است جواب هشت چيز
است يكي دور بودن از آب مقدار يك ميل
يا زياده ورخصت از جهت آنك آب نباشد — استعمال كردن اورا
ازان زيان دارد وسرماكه بدان خوف تلف نفس
وعضوي است وخوف عدو وخوف تشنكي
ونابودكي دلو ونحوه وخوف فوت نماز عيد
وخوف فوت نماز جنازه كذا في الوقاية سوال
ميل چه مقدار راه است جواب سيوم حصه

از فرسنك وان چهار هزار كام ميشود
كه كامي يك نيم كز هر كزي بيست چهار انكشت
كذا في الينابيع سوال اكر مسافري را آب در ميان
رحت باشد انرا يا د نيارد وتيمم كند وغاز
كذارد بعد ادا همدران وقت يا دارد غاز
بازكرداند ياني جوب ني كذا في الكنز
سوال درصورتي كه آب درميان آوند پس پشت
او ظاهر موجود است اورا بدان نظر
نيفتاد ويا د نيارد غاز بازكرداند بعد بعلم
ياني جواب كرداند كذا في السراجية سوال
مسافري ميداند كه راستا ويا چپا آب هست
كمتر ازميل فاما اكر براي طلب طهارة
برود آزقافلة جدا افتد وازو غايب

شود

شود بيتيمم كذاردن مر اورا جايز باشد
ياني جواب باشد كذا في التجنيس سَتَحسَنُ اكثر
المشايخ هذه الرواية- سوال مسافري غاز
كذارده است بعد ازان اورا اطلاع شد كه نزد
اوچاه ويا جوي رواست غاز كذارده است
بازكرداند ياني جواب ني وهو الصحيح كذا في
التجنيس المزيد سوال مسافري آب ندارد
وبر رفيق او آب هست كمان دارد كه اكر
ازو آب بخواهد اورا ندهد ومع ذلك اكر نخواهد
وتيمم كرد وغاز كذارد جايز باشد ياني جواب
ني سوال مكر بروايتي از امام اعظم كذا في المضمرات
سوال اكر آب بها يافته مي شود فاما
خرج هما قدر دارد كه توشه را لابدتي او را

حاجت است یا آنکه خرج بیشتر بدارد
فاما بغبن فاحش میفروشند غبن فاحش
آنرا گویند که از بهای دوچندان میفروشند
روا باشد که آب نخرد و تیمم کند نماز گذارد یابی
جواب باشد کذا فی شرح الکنز سوال اگر مسافر
در منزلی فرود آید و در گمان او غالب است
که نزدیک این مقام آب هست چه مقدار مسافت
آب طلب کردن برو واجب است جواب یک غلوه
یعنی سیصد گز تا چهارصد گز بگزکرباس کذا
فی المضمرات سوال شخصی هر دو دست زخمی دارد
اگر آب ترکند آنرا زیان دارد اگر روی میشوید
دست او متضرر میشود و کسی ندارد که روی
وی بشوید بتیمم نماز گذاردن مر او را شاید

یابی

یابی جواب شاید کذا فی القنیة سوال شخصی از
سبب زخمی یا ضعف ناتوان گشته است که وضو
ساختن نمیتواند فاما کسان دارد که اعضاء
وضو وی را بشوید و یا مال دارد که بدان برای
توضی اجیر تواند گرفت تیمم کردن و نماز
گذاردن او را جایز باشد یابی جواب نباشد
مگر آنکه آب او را متضرر باشد کذا فی التجنیس
سوال مسافری را جامه متنجس است
مقداری آب دارد که اگر جامه بشوید برای وضو
کند برای جامه نماند کدام اختیار کند جواب
جامه بشوید و تیمم کند نماز بگذارد کذ فی التهذیب
مع خلاف ابی یوسف رح سوال مردی آب مقدار
دارد که تماج بدان پخته شود و پختن میخواهد
آسی

چون ازان اب هيچ زيادة اب ندارد وبانيم
اورا بوجودان اب جايز باشد ياني جواب باشد
اكرجز پختن تتماچ طعامي ديكر اورا موجود نباشد
كه بدل اب باقي ماند كذا في القنيه سوال جنبي كه در
شهر اب كرم نمي يابد وباب سرد مي ترسد كه از ان
عضوي او خواهد ريخت مراورا تيمم جايز
باشد ياني جواب باشد كذا في مجمع البحرين مع
خلاف صاحبيه سوال اكر در وضو خوف تلف
عضو باشد سبب سرما تيمم روا باشد ياني جواب
باشد كذا في المصفي سوال در صورتي كه خوف
سرما دارد وخوف تلف عضو ندارد تيمم جايز باشد
ياني جواب نباشد بقول امام اعظم بخلاف صاحبيه
كذا في المصفي ولا يجوز التيمم للبرد اي لغلبة البرد

حتي

حتي لوكان الغلبت المرض يجوز بجماعها وهو
الصحيح سوال شخص را بيرون خانه پشم است
دووقت نماز اخر رسيده اكر براي وضو بيرون
ايد پشم سخت مكيزد ومتضرر ميشود مراورا
دران خانه تيمم كردن ونماز كذاردن
شايد ياني جواب شايد بحكم روايت قنيه
سوال براي نماز عيد چنانچه در ايند تيمم
روا كفته اند در اثناء نماز عيد اكر كسي را
وضو بشكند تيمم بنا كردن روا باشد ياني
جواب باشد كذا في مجمع البحرين سوال جنازه
حاضر اوردند اكر انكس كه وضو سازد براول
تكبير نرسد واكر تيمم كند هرچهار تكبير
برسد اكنون تيمم اورا جايز باشد ياني

جواب باشد كذا في القنية والانفع سوال جنازه
را حاضر اوردند شخصي جنب است روا باشد
كه تيمم كند ونماز بكذارد يا ني جواب باشد كذا في
القنية سوال شخصي براي نماز جنازه تيمم
كرد ونماز كذارد بعد از ان جنازه ديكر
آوردند وبدان تيمم نماز جنازه دوم شايد
يا ني جواب شايد اكر در ميان هر دو چندان
فرصت نباشد واكر درميان هر دو فرصت
باشد نشايد كذا في الكبيري سوال امام را
نيز نماز جنازه كذاردن شايد يا ني جواب
شايد اكر منتظر او نباشد كذا في المضمرات
سوال تيمم كردن بر سنك لشن وزمين
نمناك كه بدان هيچ غبار نباشد بوجود

قدرة

قدرة بر زمين خشك جايز هست يا ني
جواب هست كذا في الكنز سوال تيمم بر غبار
كه بر جامه رسيده يا بر دست ها بدان تيمم
كند بوجود قدرة بر زمين جايز هست
يا ني جواب هست كذا في التجنيس سوال
بر خشت پخته وزمين سوخته وسفالينه
وآهك وزرنيخ وسرمه جايز هست يا ني
جواب هست كذا في القنية سوال تيمم بر
نمك سنك جايز هست يا ني جواب هست
وهو الصحيح كذا في جامع الصغير اوزجندي
سوال تيمم بر نمك شور روا باشد يا ني
جواب ني سوال جنب را اكر بر بعضي اعضا
استعمال آب ممكن نباشد بعذر جراحت

و بر بعض باشد طهارة چه طور کند
جواب حکم مر غالب راست اگر صحیح بیشتر باشد
آنرا بشوید تیمم نکند و اگر جریح بیشتر باشد
تیمم کند کذا في مجمع البحرین سوال
در صورتي که اعضاء صحیح و جریح برابر باشد
حکم چیست جواب شستن صحیح بسته باشد
کذا في التجنیس و فتوی بر آنست که تیمم کند
سوال اگر بعض اعضاء وضو مجروح باشد
حکم چیست جواب اگر صحیح غالب است یا
مساوي آنرا بشوید و بر جریح جاي بجیره
مسح کشد و الا تیمم کند کذا في الحاوي
سوال متیمم اگر قادر بر آب شود تیممش باطل
گردد یا ني جواب گردد چون براي طهارة

بسته

بسته باشد کذا في الوقایة سوال اگر آب مقداري
یافت که یکان بار شستن هر عضوي
میسر شود فاما سه بار نشود تیمم او باطل
گردد یا ني جواب گردد هو المختار کذا في
المضمرات سوال مردي غسل کرد لمعه از
عضو ناشسته ماند براي آن تیمم کرد بعد
وضو او شکست براي وضو نیز تیمم کرد
اکنون قدري آب یافت که براي وضو و
شستن لمعه بسنده نیست بلکه براي یکي
بسنده است بدین آب هر دو تیمم او بشکند
یا یکي باقي باشد جواب بقول امام ابي
یوسف رح آب را بر لمعه صرف کند براي
وضو تیمم کند کذا في مجمع البحرین سوال مردي را

در اثناء نماز حدث صادر شد وبتیمم شروع
کرده بود چون براي طهارة بازگشت
اب یافت مر اورا وضو ساختن وباقي نماز
کنردن روا باشد یا ني جواب باشد
كذا في التجنيس سوال مردي براسب سوار
شده درراه میرود درغنوين بود كه كرانه خواب سبك
اب كذشت اورا ازان خبر نشد تیمم او بدین
حال باطل کردد یا ني جواب کردد بقول امام
اعظم رحمة الله كذا في مجمع البحرين سوال اكر
کسي تیمم کند ونیة طهارة ورفع حدث
اورا نباشد پس تیمم او جایز باشد یا ني
جواب ني كذا في المضمرات باب تیمم در بیان
مسح موزه سوال اكر بر موزه [illegible] بغیر
قصد

قصد پوشنده رسید یا خود اب رسانید
فامانیت مسح نه سازنده یا اینچنین آب رسیده
بممسوح قایم مقام مسح باشد یا ني جواب
باشد كذا في الكافي سوال افشك كه در اخر
شب در مرغزارها مي افتد اكر محل مسح موزه
ازان تر شود از مسح كفايت باشد يا ني جواب
باشد بر قول کسي كه این اب را از تاثیر هوا
فرموده اما بقول کسی که کوید که این اب از دهن
حیواني است كه اخر شب از دریا سر بر
میکند ودم میکشد همان زمین پیدا کنده شده
می افتد بر قول وي وقول اول اصح است
كذا في الينابيع سوال محل [illegible] مسح موزه كدام
است جواب پشت پاي موزه مقدار سه

انکشت ترهند فاما دراز نکشد سوی ساق
درست باشد یانی جواب باشد کذا فی شرح المجمع
البحرین سوال اکر وزود موزه جانب نعل
مسح موزه کشید یاکردپای جانب پای
یا عقب کشد درست باشد یانی جواب نی
کذا فی المضمرات سوال در کشیدن مسح موزه
اکر خطها تری اب بر موزها پیدا نشود
روا باشد یانی جواب نی بحکم روایت طحاوی
سوال شخص هردو پای شت موزه پوشید
بعده وضو تمام کرد پس ازان اکر مسح بر موزه
کشد درست باشد یانی جواب باشد کذا فی
الکافی سوال اکر پای بشوید موزه پوشد
وپیش از اکمال وضو حدث کند موزه بکشد

پایما

پایما بشوید یا مسح کشد جواب موزه بکشد
پای بشوید مسح روا نباشد کذا فی شرح الکنز
سوال مردی بر وضو کامل موزه پوشیده
بعده جنب کشت واب بنداشت تیمم کرد بعد از تیمم
از وحدث صادر شد واب مقداری یافت
که وضو را بسنده است فقط مر او را مسح
بر موزه روا باشد یانی جواب نی کذا فی الینابیع
سوال اکر تیمم کرد موزه پوشیده بعده اب
یافت روا باشد که مسح بر موزه کشد یانی
جواب نی کذا فی المضمرات سوال اکر وضو
باپس خورده خر واستر کرده باشد یا نبیذ
تمر ساخته موزه پوشید چون اب مطلق یابد
ویرا مسح بر موزه جایز باشد یانی جواب

لی کذا فی الانفع سوال موزه اکر بالا تر از
شتالنك پاره شده باشد یا از شتالنك بالاتر
اصلا نباشد مسح بدان جایز باشد یا نی
جواب باشد کذا فی الطحاوی سوال اکر
پایزاری که درمیان سند معمولست اکر شتالنك
بدان پوشیده شود و از پیش محل که سه
انکشتا شکاف باشد مسح بدان جایز باشد
یا نی جواب باشد اکر شکاف مسدود باشد
کشاده نباشد هذا مستفاد من المضمرات
سوال پایزاری که انواع این جوربك بند
نعلش از پوست و بالایش از ریسمان پشم
یا محلوج چون زنبیه می بافتد مسح بدان
جایز باشد یا نی جواب باشد چون شفت

باشد و علیه الفتوی کذا فی المضمرات والهدایة
سوال موزه و آنچ مانند موزه است اکر فرود
تر از شتالنك پاره شود چه مقدار پارید
کمی که مانع است از مسح جواب مقدار سه انکشت پای
از انکشتان خود کذا فی الکنز سوال در صورتی
که چند محل از یکموزه یا از دو موزه پاره شده
باشد چنانك پای نموده شود و هر یکی سه
انکشت نباشد فاما اکر جمع کنند مقدار سه
انکشت یا زیاده از آن می شود این چنین
پاره کی مانع باشد یا نی جواب باشد
اکر در یك موزه است و در دوم موزه نباشد
کذا فی الشافی سوال اکر نجاستی غلیظه اند
از درم شرعی در چند موضع در دو موزه

رسیده باشد وبتصویر جمع زیادة از درم شرعیت
مانع جواز صلوة باشد یانی جواب باشد
کذا فی الکنز سوال اکر از یکموزه پای بیرون
امده یا از محل خود ساق رسید مسح هر دو موزه
باطل کردد و شستن هر دو پای واجب کردد
یانی جواب کردد کذا فی الوقایة سوال اکر موزه
از محل خود بیرون امد فاما در محل مسح مقدار
سه انکشت از پیش پای مانده باشد مسح
اول باقی ودوم بار جایز باشد یانی جواب
باشد کذا فی المضمرات سوال اکر بسی اب
درون موزه در اید پای ماسح بدان تر
شود مسح هر دو موزه باطل کردد یانی جواب کردد
کذا فی الکنز سوال اکر ماسح بر موزه در اثناء

نماز

نماز محدث کشت برای وضو رفت ومدة مسح
اتمام شد شستن پای واتمام نماز برو باشد
یانی جواب باشد اکر پیش از وضو مدة تمام شود
واکر بعد از وضو کشیدن مسح موزه مدة تمام شود
نمازش باطل شود ومسح موزه تباه شود
کذا فی التجنیس سوال مدة مسح موزه چه
مقدار است جواب مقیم را یکشبانروز است
ومسافر را سه شبانروز است سوال اغاز مدة
مسح موزه از کجا کند جواب بعد پوشیدن
موزه چون محدث کردد کذا فی الوقایة
سوال اکر در اغاز مدة مقیم بود بعده مسافر
شد بعده مقیم شد در حق مدة اعتبار اول
حال را باشد یا اخر را جواب اخر را کذا فی

الکنز سوال پوشیدن کاعضاء دیگر باشد چنانچ
دست موزه وبرقع وکلاه ودستار بران
نیز مسح جایز باشد یانی جواب نی کذا فی مجمع
البحرین سوال مسافر برا مدة مسح تمام شد
سرما سخت است ومیترسد از رفتن پایها
بکشیدن موزه مادام که خوف باقی است
مرا او را مسح بر موزه بعد از مدة نیز جایز
باشد یانی جواب باشد کذا فی الکنز
سوال بعد از تمام مدة چون موزه بکشد
مجرد پای بشوید یا تمام وضو باز کرداند
جواب مجرد پای بشوید کذا فی المنافع سوال
بستنی که بغیر وضو بر جراحت یا بر دنبل
بسته بران مسح کشید واکران بیفتد مسح

باطل

باطل شود وشستن ان محل واجب کردد
یانی جواب کردد اکر فرودان به شده باشد
والا لا کذا فی الکنز سوال اکر بستنی از جراحة
پهناء تر باشد سبب انکه بعضی از اندام که ان
اصح است ناشسته میماند روا باشد یانی جواب
باشد اکر باز کردن بستنی مذکور زیان دارد
سوال کسی که بستنی بر دنبل بست ومسح بران
دنبل ویرا ضرر نیست واکر او مسح بدو نکشد
وبر بستنی بکشد روا باشد روا باشد یانی
جواب نی کذا فی المصفی سوال مسح بر بستنی جراحت
ونحوه فرض است یانی جواب فرض است
یانی سوال فرض است فاما اکر زیادة تر از
نصف کشد انرا حکم کل است فاما بر نصف

وکمتر ازان روا نیست وبه یفتی کذا فی المضمرات
سوال بستن بر جراحت اگر در حالت جنابت
یا در حیض بست بوقت غسل کردن مسح بران
و نا شستن فرود الجبائر باشد یا نی جواب باشد
اگر زیرا و ایذاء رسد از شستن او زیرا و نشود
مسح کند واگر ایذاء نباشد بشوید باب ششم
در بیان حیض و نفاس سوال اقل مدة حیض
چه مقدار است واکثر را حد چیست جواب
اقل مدة سه شبانروز است واکثر
مدة ده شبانروزه است سوال اگر عورتی
خون دید کمتر از سه شبانروز یا زیاده
از ده شبانروز حکم ان نقصان وزیاده چه باشد
جواب استحاضه باشد نه حیض کذا فی
الکنز

الکنز سوال میان حیض واستحاضه فرق
چیست وچگونه شناخته شود جواب خون که پیش از نه
سالگی و در حالت حمل و کم از اقل مدة و زیادة
از اکثر مدة حیض نباشد واستحاضه اش
زحمت می باشد سوال اقل مدة طهر واکثر مدة
چه مقدار است جواب اقل مدة طهر پانزده
شبانروز است واکثر را حدی نیست کذا
فی الشافی سوال احکام که تعلق بحیض دارد
جمله چند است وکدام است جواب جمله ده
عدد است اول نماز نگذارد دوم روزه
ندارد وسیوم وجوب قضاء روزه اید
چهارم سقوط نماز قضاء پنجم حرمت جماع
ششم منع از در آمدن مسجد هفتم منع

از طواف کعبه هشتم حرمت تلاوت قرآن نهم حرمت
مسّ مصحف بغیر غلاف دهم انقضاء عدة یعنی
بعد از طلاق دادن یا بعد از فوت شدن
شوهر حرامست زنرا شوهر دیکر کردن
تا آنکه عدة نکذرد بران کذا فی المضمرات
سوال خونی که بعد آوردن فرزند عورات
می بیند آنرا ~~عدة دیکر جدا~~ بد ونیز متعلق
است یا بعضی جواب جز انقضاء عدة دیکر حکم نیز بدو
متعلق است هکذا فی المضمرات سوال غلاف
که متصل مصحف است آنکه باشیرازه وصلست
حایض ونفسا وجنب را بان کرفتن
شاید یا نی جواب نی وهو الصحیح کذا فی الهدایة
سوال زنی را که عادة معروف هفت روزه است

نفاس کویند [illegible]

اکرسه

اکر سه یا پنج روز خون او باشد فی الحال مرورا
شاید که غسل کند ونماز وقتیه بکذارد و
شوهر او وطی کند یا نی جواب نماز بکذارد
ووطی نشاید تا عادة او نکذرد کذا فی الطحاوی
سوال اکر خون از ایام عادة که آن هفت روز است
مثل دو روز خون دید بعد سه روز پاکی
دید باز دو روز خون دید هر هفت روز
حیض باشد یا نی جواب باشد کذا فی المضمرات
سوال زنی را عادة معروف در هر ماهی شش روز
بود آخرها خون او را دایم روان کشته می
استد حال نماز او و وطی شوهر او چه باشد
جواب هر ماهی شش روز دران روزها
که حایض میبیند حیض باشد و باقی استحاضه

دران حکم طهر باشد سوال اکر در اغاز
بلاغت خون دید وخون او مستمر کشت از
هر ماهي حیض او چند روز استحاضه او
چند روز باشد جواب حیض او ده روز باقي
استحاضه کذا في الکافي سوال زني را عادة
معروف پنج روز بود درین ماه هفت روز
یا هشت روز یا ده روز دید جمله حیض
باشد یا ني جواب باشد سوال در صورتي
که پنج روز عادة بود از ده روز زیادة شد
حکم او چیست جواب پنج روز که عادة او است حیض
باشد وزیاده استحاضه باشد کذا في الکافي
سوال زني است که او را عادة معروف نیست
کاهي پنج روز کاهي شش روز خون

مي

مي بیند درین وقت خون او مستمر شد
حیض او چند روز استحاضه او چند روز
واز کجا کیرد جواب شش روز که اکثر ملة او بود
حیض باشد وباقي استحاضه کذا في
الزاد الفقهاء سوال بعد انقطاع حیض شوهر را
في الحال جماع شاید یا درنك کند جواب
اکر بده روز منقطع شده است بمجرد انقطاع
جماع شاید واکر کمتر از ده روز منقطع شد
است درنك کند چنانچه غسل کردن
وتکبیر تحریمه کفتن میسر اید سوال حیض اکثر
اخر وقت منقطع شود چنانچه غسل کردن
وتکبیر تحریمه کفتن میسر اید قضاء ان نماز
برو لازم کردد یا ني جواب کردد کذا في التجنیس

سوال زن مستحاضه را وکسانی که عذر
ایشان دایم است وضو بدر آمدن وقت بشکند
یا بیرون آمدن وقت جواب بیرون آمدن
فرض سوال معذور اگر برای نماز عید طهارة
کند چون حدثی دیگر ازو حاصل نشود
بدان طهارة نماز ظهر بگذارد یا نی جواب بگذارد
کذا فی الهدایة سوال خون استحاضه جمله
چند وجه است مفسران بیان فرمایند
جواب پنج وجه است یکی آنکه کمتر از سه
روز و زیاده از ده روز بیند و عادة او ده روز
باشد دوم آنکه عادة کمتر از ده روز باشد
چون درین کرت زیادة از ده روز شود
پس آنچه زیاده بر عادة باشد استحاضه

باشد

باشد
سیوم آنکه عادة کمتر عورت حامله خون
بیند آن نیز استحاضه باشد چهارم آنکه
دختر هشت سال یا خوردتر از آن بیند پنجم
آنکه عورت آیسه خون بیند کذا فی الفتاوی
حجة سوال زنی آیسه بعد چند سال توان
گفت جواب بعد پنجاه سال آیسه آنرا گویند
که نا امید شود از حمل کذا فی المضمرات والیوم
یعنی من یوم ولدت بخمسین سنة سوال
صاحب عذر اگر پنبه و یا غیر ذلک در مخرج
بدارد بدان سبب از سیلان آن بماند درین حال
او نیز معذور توان گفت یا نی جواب نی کذا
فی الکبری سوال کسی را سبب زخمی یا با
باسور خون مستمر میشود و بر کالا جامه

برمقعد بند دیا بستنی پر دنبل بسته وانجام
وبستنی بخون آلوده میشود چون زیادة از
درم شرعی میشود مانع جواز صلوة
باشد یانی جواب اکر خون از انها باشد که
اکر بشوید همه نماز زیادة از درم
میشود مانع نباشد والا باشد هو المختار کذا فی جواز صلوة م
المضمرات سوال زنانرا وقت فرزند آوردن
پیش از ولادت ودر اثنا ولادت اکر خون
روان شود آن نیز حکم استحاضه دارد یا
حکم نفاس جواب حکم استحاضه دارد کذا فی
الوقایة وشرحها سوال زنی دو فرزند
بیک شکم آرد نفاس از اول کیرد یا
از دوم جواب از اول کذا فی الکنز وشرح

وهو

وهو الصحیح سوال علوق زنی اکر پیش از آنکه
صورت آدمی تمام می نشود بیفتد در حق نفاس
وانقضاء عدة وام ولد شدن کنیزک
وغیر ذلک اورا حکم فرزند باشد یانی
جواب باشد اکر بعض اعضاء او ظاهر شده
باشد یعنی موی وناخن ونحو ذلک کذا فی
الکافی سوال اقل مدة نفاس چه مقدار است
واکثر را حد چیست جواب اقل را حد نیست
واکثر را چهل شبانروز است کذا فی الکنز
سوال در صورتی که بعد از ولادة پانزده
روز خون دید و پانزده روز پاکی دید
وده روز دیکر باز خون دید هر چهل
روز نفاس باشد یا آخر ده روز حیض

باشد یانی جواب هر چهل روز نفاس باشد
نزدیک امام اعظم و بر قول صاحبیه بعد
پانزده روز پاکی که خون می بیند اگر سه
روز و یا زیادة از سه روز باشد حیض باشد
ولا استحاضه کذا فی مجمع البحرین فی الخلاصة
وعلیه الفتوی ای علی قول ابی حنیفة
سوال زنی که اول بار فرزند آورد پانزده
روز خون دید کرة دیگر که فرزند آورد
زیادة بر پانزده روز خون دید نفاس
او همان پانزده روز که عادة اوست پانزدة همان باشد
نیز جواب اگر تا چهل روز منقطع شود
تمام نفاس باشد و اگر از چهل روز زیادة
باشد همان پانزده روز که معتاد اوست نفاس

باشد

باشد و باقی استحاضه باشد کذا فی المضمرات
سوال اگر زنی بعد ولادة اصلاً خون هیچ نه بیند
غسل برو لازم گردد یا نی جواب این مسئله
از امام اعظم ابی حنیفة رضی الله عنه پر
سیدند فرمود که این چنین هرگز نباشد
فاما امام محمد رحمة الله علیه گفته است که برو غسل
نباشد و ابو علی دقاق رحمة الله گفته است
که بمجرد ولادة برو غسل لازم گردد و به نأخذ
کذا فی الفتاوی حجة سوال اگر کودک
بر پستان مادر قی کند و زیاده از درهم
شرعی از آن آلوده میشود متنجس گردد یا نی
جواب گردد چون پر ید هن باشد متنجس
گردد بروایتی از امام ابو[illegible] روایة صحیح

از ابو حنيفه رضي الله عنه نباشد مادام كه بسيار
نشود كذا في التجنيس والمزيد باب هفتم در
بيان طهارة جامه ونحو ذلك بدانك جامه
پاك داشتن يكي از فرايض وشرايط نماز است
سوال نجاسة بر چند وجه است وحكم هر يكي را
چيست جواب بر دو وجه است يكي غليظ است
كه زيادة از درم شرعي باشد مانع جواز صلوة
است چون بنفس يا بجامه كسوة يا بمصلي
برسد وخفيفه انكه چون زيادة از ربع جامه
باشد مانع جواز نماز است وتا ربع عفو است
سوال خمر وبول ادمي وحيواني انكه غير ماكول
لحم است وپس افكنده ماكيان وسركين اسب وگاو
وكاو وغايط وخون وريم وزرداب

نجاسة غليظ است يا خفيف جواب غليظ است
كذا في الشافي واليانبيع وبعضها في الكنز
سوال نجاستي كه تندلر است انكه نموده شود بعد
خشك شدن چنانچه عذره وسركين وزه
درم شرعي در وي معتبر است يا مساحت جواب
وزن معتبر است كذا في مجمع البحرين سوال بول
چيزي كه ماكول لحم است وبول اسب وپس افكنده
مرغاني كه گوشت ايشان حرام است چون چرغ
وباز وشاهين وپستجغنه ونحوه وبول حيواني
كه گوشت او حلال است چون گاو وگوسفند ونحو
فاما پس افكنده مرغاني كه گوشت ايشان حلال است
چون كبوتر وكنجشك پاك است كذا في الكنز
سوال اگر عذره بر جامه دوت رسيد آب

عذره بر دوم جامه رسیدپرسیدن اب عذره
دوم جامه متنجس کردد یانی جواب کردد بر قول
امام اعظم و امام ابو یوسف رحمة الله و بر قول
امام محمد رحمة الله و بروایت از امام اعظم ابو حنیفه
کوفی رحمة الله علیه کذا فی السراجیه سوال
نجاستی غلیظ بجامه یا بتن رسید چه حکم دارد
جواب نجاست غلیظ چون زیادة از درم شرعی
باشد فریضه است شستن ان مشهور روایت چون
نجاست مقدار درم شرعی باشد ان واجب
بود و نماز بان جامه جایز باکراهیت بوجود
اب واکر کمتر از درم شرعی باشد شستن
ان سنت است کذا فی الینابیع سوال درم شرعی
چه مقدار است جواب کف دست چون پهنا کند

دران

دران قدر که اب بایستد هما قدر درم شرعی باشد
فاما بروایت ابو حفص کبیر آنکه امام محمد شیبانی
مقدار بیان کرده است این است سوال جامه
تراست باب پلید در جامه پاك پیچیدند از اثر ان
پلیدی جامه پاك نیز ترکشت اما ان چنانك
نشیلدن چین از نچکد ان جامه را نیز پلید
توان کفت یا نی جواب نی کذا فی الذخیرة
سوال اکر جامه خشك بر سرکین تر اندختند
واثر سرکین دران جامه ظاهر کشت فاما اکر
بشیلدن هیچ قطره از ان نچکد جامه مذکور
پلید کردد یانی جواب نی کذا فی الینابیع فی
فتاوی الصغیرة الاصح انه لایصیر نجسًا
سوال نجاستی که جامه یا بتن یا بساط برسد

بكدام چيز پاك كردد جواب باب يا ابكينه يا انك
نجاست بدان زايل شود چنانچه سركه واب معقر
كه بدان رنك ميكنند ونحو ذلك باب مستعمل برايه
مفتى عليه كذا في المضمرات سوال نجاستي چون
بشويند حكم بپاكي او كي شود جواب نجاستي
كه نموده ميشود چون قطع شود پاك كردد
وانكه نموده نميشود چنانچه بول وخمر بسه
كرة شستن وهر سه كرة شپليدن باحتياط
كردن كذا في الكنز وغيره سوال نجاستي كه نموده
ميشود اكر بشستن بمجرد اب اثر ان زايل نشود
چنانچه چناباب نجس تركند وخون
حيض ونحوه اكر اثر ان بعد شستن باقي ماند
حكم بپاكي او توان كفت يا ني جواب توان كفت

چون

چون بمبالغة شسته شود كذا في مجمع البحرين
سوال اكر جامه پليد را در سه اوند اب در آرند
وهر بار بمبالغة شپليدن چنانكه در يك اوند
سه اب بشويند وهر بار شپليده پاك كردد
يا ني جواب كردد كذا في مجمع البحرين سوال
چيزي كه شپليده نميشود چنانچه بوريا
وجام خانه وسفالينه وشمشير وكليم وغله
ونحو ذلك اكر نجاستي بدان برسد كه ديده
نميشود چنانچه بول وخمر مثل ان چكونه
پاك كردد جواب بسه كرة شستن وهر كرتي
جفاف كردن كذا في الكافي سوال اب مني
ادمي چون زياده از درم بجامه برسد و
وخشك شود اكر انرا بمالد وبيفشانند

پاك كردد يانى جواب كردد اكر بعد از بول
آلت را باب شسته باشد ومذي در وغالب
نباشد كذا في المنافع سوال مردي در ازار
خود مني ديد وخشك شده يافت كدام نماز باز
كرداند جواب آنكه بعد اخرين خواب كزارده
باشد جواب اكر نجاسته غير مني در جامه يافت
وتيقن نداند كه بآب جامه نماز كذارده است
هيچ باز كرداند يانى جواب نى المسلتات
في السراجية سوال اكر نجاستي تندار بموزه
رسد درحاله كه تر باشد وبعد ازانك خشك
شود بماليدن بر زمين بمبالغة پاك كردد
يانى جواب كردد كذا في الذخيرة وعليه الفتوى
من مشايخنا لعموم البلوى وهو الصحيح سوال
اكر

اكر نجاستي غير تندار چنانچه بول وخمر بموزه
رسد وآنرا پيش از آنكه خشك شود بخاك
بمبالغة بمالد پاك كردد يانى جواب كردد بر قول
امام ابو يوسف رح عليه كذا في المضمرات
ومن السراجية واعتمد مشايخنا على هذه الرواية
من الوقاية سوال چنانچه موزه ونحوه
بماليدن پاك كردد پوستين نيز بدين
طريق پاك كردد يانى جواب كردد كذا
في الفتاوي حجة سوال پوستين را كه پيه
يا بروغن پليد چرب كردند بعد اكر بشويند
بر نمطي كه ذكر رفت با وجود آنكه اثر
آن باقي باشد پاك كردد يانى جواب كردد
كذا في الفتاوي حجة وقنيه سوال دست

ادمي از روغن پليد الوده شد اثر اسـ‍ ـ‍تره
باب شستن بوجود انكه اثر روغن مذكور
بدست او پاك كردد ياني جواب كردد كذا في النظم
سوال بنطع اگر نجاستي برسد وشستن باب انرا
متعذر باشد بجامه تر سه كرة پاك كرده پليد
شود ياني جواب شود كذا في القنية - سوال استر
موزه كه از كرباس باشد اب پليد يا بول از درزها اصل
ان اندرون موزه برسد وكرباس مذكور
بدان تر كردد اگر سه كرة انرا باب پر كنند وهر
كرتي بريزند موزه بدين طريق
پاك كردد ياني جواب كردد كذا في التجنيس المزيد
سوال دانه گندم يا كوشت در اب نجس پخته شود
بهيچ وجه پاك كردد ياني جواب ني وعليه الفتوي

كذا في

كذا في المضمرات سوال بگوشت يا بجامه اگر از خون
داكه به بريدن روان ميشود والوده ميشود
يا از رگها كردن خون سائل بگوشت يا بجامه
برسد متنجس كردد ياني جواب كردد سوال
خونيكه در گوشت مينمايد ودر حال بريدن
ميچكد انهم نجس هست ياني جواب ني
المسلتان كذا في القنية - سوال كياه چون پليد كردد
چگونه پاك شود جواب انكه ايستاده است وآنرا نبريده اند
پاكي او بخشك شدن است چون زمين بعد
ببريدن بغير شستن پاك نشود كذا في المضمرات
مادام قائما علي الارض المختار انه يطهر بالجفاف
وبعد ما قطع لا يطهر الا بالغسل سوال بر زمين خشك
چون نجاستي برسد وافتاب وهتاب بدان

نرسد هم دران ساية چنان خشك شود كه اثرآن
نموده نشود نماز بران كذاردن روا باشد يا ني
جواب باشد كذا في المنافع سوال چون بول ادمي
بخشت پخته نو برسد اكر سه كرتي بشويد وهر
كرتي خشك كند پاك كردد يا ني جواب كردد
كذا في المضمرات سوال زمين كه بران نجاست
رسيده اكر سه كرة اب دران بريزند وهر كرتي عالند
وبر پركاله جامه انرا خشك كنند يا انكه اب
چندان بريزند كه رنك وبوي نجاست ازان
زايل كردد بعد خشك كردن پاك كردد يا ني جواب
كردد كذا في النصاب سوال كلاوه صحن خانه چون
بكل وسركين باشد چنانچه رنك وبوي سركين
غالب نباشد نماز كذاردن بران شايد يا ني

جواب شايد كذا في المضمرات سوال خرمن غله كه بكاوان
پايمال ميكنند وبول كاوان دران غله افتد غله
مذكور پليد كردد يا ني جواب ني بول ماكول
لحم بر قول امام محمد رحمة الله عليه پاك است
ودرين مسله فتوي بر قول ويست كذا في
الفتاوي حجه سوال در بعضي ديار خرمن
غله بخران پايمال ميكنند چون بول ايشان دران
غله افتد حتي من غله مذكور چكونه پاك
كردد جواب چون قسمة كنند وه بر نديا بعضي
ازان بكسي دهند انكاه هر قسمت محتمل شود
خوردن ازان شايد كذا في الوقاية وشرحه
سوال دانها غله اكر ان پشك كوسفند وشتر
وازسركين كاو بيرون ارند بشستن پاك

سلكنند هر كرت حركت كنند

گردد یانی جواب انکه انک از پشک بیرون اید پاک
گردد وانکه از سرگین بیرون اید نی کذا فی الکبیر
سوال پنیر مایه بره مرده وشیر مردار پاک است
یا پلید جواب نزدیک امام اعظم رحمة الله
علیه پاک است بخلاف صاحبیه کذا فی مجمع البحرین
سوال بر پستان گوسفند وغیره که سرگین مالند
یا بره ای بچه بجوشد اگر بدست ترشده از ابدو شد
وان دست بشیر نیز رسد حرام گردد یانی
جواب عفو است مگر بروایتی کذا فی القنیة سوال
اوندی بزرگ چنانچه خم بزرگ که انرا بسبب
گرانی نگون کردن واب از وچکانیدن دشوار
اید اگر متنجس گردد انرا سه کرة بشویند
اب از وا تمام کشند پاک گردد یانی جواب گردد

کذا

کذا فی القنیة سوال کارد وتیغ وآینه چون متنجس
گردد وانرا بر زمین چنان بمالند که اثران نجاست
هیچ نماند پاک گردد یانی جواب گردد کذا فی مجمع
البحرین سوال اگر اندکی پنبه پلید باشد
وبیشتری پاک باشد چون بیکجا خلط
کرده ندف کنند پاک گردد یانی جواب گردد
اگر سهل باشد کذا فی الخلاصة سوال اگر روغن
متنجس گردد چگونه پاک شود جواب در آوند
پاک وبزرگ باندازند ودران آوند اب بر
یزند بجوشانند چون روغن بالا اید بر
گیرند در آوندی دیگر کنند اب تمام
بریزند باز روغن دران آوند کنند بر
طریق اول اب بریزند سه کرة چنین کردن

روغن پاك كردد كذا في التجنيس سوال اكر شهد
متنجس شود بچه حيله پاك كردد جواب در ديك
اندازند چوبي يا ني دران استاده كنند مقدار در
يابند بعده مقداري اب دران باندازند بعد
اتش نهند بجوشانند سه كرة همچنين كنند
تا انك سوخته شود اب وشهد بماند باز
اب باندازند وسه كرة همچنين كردن پاك
شود اكرچه مزه او متغير شود كذا في القنية
المزيد سوال نجاستي چون باتش سوخته كردد
ان پاك شود يا ني جواب پاك شود وهو
المختار كذا في مجمع البحرين سوال بر دست شوي
اكر نجاستي رسيده باشد چون دست بشويد
هر بار دست تر بر دست ابريق نهد بسيار

شستن

شستن دست بو دسته هر دو پاك كردد يا ني جواب
پاك كردد كذا في المضمرات سوال استنجا بسنك كردن
سنت است يا واجب جواب سنت است كذا في
الكنز سوال بعد ان استنجاء بسنك استنجا باب چه حكم
دارد جواب واجب است چون جز مخرج زيادة
از درهم شرعي الوده باشد والا مستحب اكر پناه
بايد از نظر كذا في الكافي سوال استنجاء از كدام
چيزها منهي است جواب باستخوان وسركين وطعام
كذا في الشافي سوال استنجا بچوب وپنبه ونمد شايد
يا ني جواب شايد كذا في الكنز سوال استنجا
بكاغذ سفيد شايد يا ني جواب ني سوال اكر
درحالت استنجا انكشت تر در درون دبر كند وضو
وروزه بشكند يا ني جواب بشكند كذا في

المضمرات باب هشتم در بیان طهارة جمله اعضاء
ومکان مصلی سوال مکان جمله اعضاء ومکان جمله
مصلی پاك داشتن فرض است یا بعض جواب مکان
مصلی هر دو قدم ومکان پیشانی وهو الصحیح
کذا فی المضمرات سوال اگر بر بساطی نماز بگذارد اگر در غیر
محل سجده وغیر قدمین دران نجاست باشد
نماز بران جایز باشد یانی جواب باشد کذا فی الخلاصة
ولو صلی علی بساط فی ناحیة منها نجاسة ان لم
یکن فی موضع قدمیه ولا فی موضع سجوده
لا یمنع اداء الصلوة سواء کان البساط کبیرا
او صغیرا بحیث لو حرکه احد طرفیه یتحرك
طرف الاخر هو المختار سوال اگر جامه بیک طرف ازاره
پوشد ودوم طرف ان نجاسة بود اثر بر زمین

افتاده

افتاده گذشت بان لباس نماز او جایز باشد
یانی جواب باشد اگر بجنبانیدن ان طرف کرته
بسته است طرف نجس نه جنبد کذا فی التجنیس المزید
سوال یك طرف مصلی اگر نجاست باشد انرا دوته
کند بر طرف پاك نماز گزارد درست باشد یانی
جواب باشد وعلیه الفتوی کذا فی المضمرات سوال اگر
نماز بر نمد میگذارد که یکروی ان نجاست رسیده
باشد دوم روی که اشان نجاست هیچ ظاهر نگشته
باشد انرا بالا کند نماز بگذارد روا باشد یانی جواب
باشد کذا فی القنیة سوال اگر مردی سجده در محل
نجس کرد چون سر برداشت دریافت که محل سجده
متنجس است در محل پاك اعادة کرد نماز او جایز
باشد یانی جواب نی بر قول امام اعظم و محمد

رضی الله عنهما و بر قول امام ابو یوسف روا باشد کذا
في الينابيع سوال اکر بر مصلی دو ترکه اثرا دوخته
باشد نماز کذارد واسترآن محل دو قدم یا محل
سجد متنجس باشد نمازش جایز باشد یا نی
جواب بر قول امام ابو یوسف روا نباشد و بر قول
امام محمد روا باشد کذا في مجمع البحرين وشرح
سوال محل قدم اکر نجاسة باشد و دو پای یا پیزار
پاک باشد پای از آن بیرون آرد و بر آن پایزار
پای نهد در آن محل نجاست نماز کذارد درست
باشد یا نی جواب باشد سوال اکر پای از پایزار
نکشد حکم او چیست جواب درست نباشد چه
در محل نجس است کذا في التجنیس سوال اکر درا
در نماز هر دو قدم کمتر از درم اشرعی میشود

[illegible]

مانع

مانع جواز صلوة باشد یا نی جواب باشد کذا في القنیه
والله اعلم کذا في التجنیس المزید سوال نجاستی که مقدار
زیر هر دو قدم و مقداری محل سجود و مجمع
زیادة از درم میشود جواز صلوة باشد یا نی
جواب باشد کذا في القنیة سوال اکر مرد دیرا وقت
اداء نماز رسید و دو محل است یکی زمین مملوک
غیر است که او غایب است دوم راه مرعاست
کدام اختیار کند جواب راه اختیار کند اکر زمین
مزروع باشد یا ملکی کافری باشد والا زمین
که مملوک غیر باشد بموجب اذن استدلال
المسائل من کورد في التجنیس المزید سوال در
مکانی نجس مصلا بار یک انداخت که نجاست
از آن نموده میشود نماز بر آن جایز باشد

یانی جواب باشد اما بر وی نباشد کذا فی القنیة
باب هشتم دربیان قضاء الفوائت سوال مردیرا
نمازهای بسیار فوت شده تحقیق ندانند که چند است
از اهر روز قضای کذارد بعد چندروز کمان
آن شد که شاید جمله فوائت قضا کزارده ام بعده
اکر باز نیت قضا بکزارد در اخرین دو رکعة با فاتحه
سوره نیز خواندن بهتر است یا مجرد فاتحه جواب
سوره نیز خواند کذا فی الفتاوی الحجة سوال مردی
نمازهایی عمر قضا میکذارد برای احتیاط
اکرچه هیچ نماز وی را فوت نشده باشد چنین
کزاردن وی را جایز باشد یانی جواب باشد مکر
بعد نماز فجر و عصر کذا فی العتابیة باب دهم
دربیان فی سجود السهو سوال اکر کسی درنماز

فعلی

فعلی که از واجبات نماز است ترک ارد و یا زیاده
بر واجب بجای اورد چنانچه دو رکوع و سه
سجود در یک رکعة یا در دو رکعت اول فاتحه
دو بار متصل خوانند یا نقصان حاصل اید
چنانچه ایه قصیر خواندن بعد از فاتحه یا رکعتی
را ترک ارد و همه را نماز یاد اورد از ابجا
اورد چون بغیر قصد مصلی را چنین افتاد
سجده سهو لازم کردد یانی جواب کردد کذا فی
المضمرات و بعضها فی المحیط سوال اکر در رکعت
اول بعد از فاتحه سوره خواند باز فاتحه خواند
سجده سهو لازم کردد یانی جواب نی کذا فی المضمرات
سوال اکر کسی چیزی از فاتحه خواند پیش از تمام
فاتحه سوره بسهو اغاز کرد بر وی سجده

سهو باشد یاني جواب نباشد اگر بیشتري از فاتحه
خوانده است واگر اندکي تر خوانده است وبیشتري
ترک آورده است سجده سهو لازم باشد کذا في
المضمرات سوال اگر امام یا منفرد در قعده اولي بعد
اتمام تشهد صلوة همین قدر خواند که اللهم
صل علی محمد سجده سهو برو لازم آید یاني
جواب آید چون بغیر عمد خوانده باشد کذا في الخلاصة
سوال مردي در رکعت دوم بعد فاتحه همان سوره
خواند که در اولي خوانده بود بوجود آنکه سوره
فزوتر از آنست یاد داد سجده سهو برو لازم
گردد یاني جواب گردد چون عمداً نبود کذا في
المحیط سوال مردي در یکي رکعت از دو رکعت اولي فاتحه
خواند در رکوع رفت بروي سجده سهو لازم

باشد

باشد یاني جواب باشد هو الصحیح کذا في الخلاصة
سوال در دو رکعات اخرین اگر کسي بعد از فاتحه
سوره نیز خواند سجده سهو لازم آید یاني جواب
ني هو المختار کذا في الکبیري وعلیه الفتوي
في النصاب سوال اگر امام در نماز ظهر ویا عصر
کمتر از یک رکعت آیت باواز بلند خواند
یا در مغرب وعشاء اندک آهسته خواند سجده
سهو برو لازم گردد یاني جواب ني کذا في المضمرات
والکبیري سوال اگر فاتحه فراموش کند
وسوره بخواند سجده سهو برو لازم گردد یاني
جواب گردد المستان صح سوال منفرد اگر در
ظهر وعصر بلند خواند ودر فجر ومغرب وعشا
آهسته بخواند سجده سهو برو لازم آید یاني

جواب لي كذا في المظمرات والكبيري سوال
امام اكر در قضاء فجر ومغرب وعشاء بروز آهسته
خواند ويا قضا ظهر وعصر شب بلند خواند
بروي سجده سهو لازم كردد ياني جواب كردد اكر
بسهو چنين خواند كذا في المحيط سوال اكر امام
در نوافل شب بسهو آهسته خواند بروي
سجده سهو لازم كردد ياني جواب كردد واكر بعمد
خواند اثم لازم كردد كذا في المضمرات سوال اكر كسي
در نماز واجبي بسهو ترك كيرد كه اصلا نبلغ
چنانچه سجده سلام كه بعا... لازم كردد سجده
سهو لازم كردد ياني جواب لي كذا في التحقيق سوال
امام بكمان فاسد سجده سهو بجا آورد ومسبوق
نيز موافقت كرد نماز مسبوق مذكور تباه شود

ياني

ياني جواب لي مكر آنكه وير معلوم باشد كه بر امام سجده
سهو لازم نيست مع ذلك موافقت كند كذا في الكتب
سوال مسبوق بعد از سلام امام چون براي قضاء
آنچه با امام نكزارده است برخيزد بعده امام سجده
سهو ياد دارد وسجده سهو بجا آورد مسبوق
مذكور موافقت كند ياني جواب كند اكر ركعت را
مقيد بسجده نكرده بود سوال اكر درين صورت ولا لام
در اثناء قرأة يا در ركوع بود از انجا در سجده
رفت بعد از فراغ از سجده سهو آن قرأة
وان ركوع از سر كيرد يا قدري كه بجا آورده
ان محسوب باشد ياني جواب آنكه بجا آورده
محسوب نباشد سوال اكر بعد آنكه بسجده ركعت
مقيد كرد وامام سهو ياد آورد سجده كرد



نماز مسبوق مذکور اگر موافقت وی کند
نماز تباه شود یا نی جواب شود کذا فی الطحاوی
سوال مسبوق بعد آنکه مقدار تشهد نشست
برای قضاء انچه وی را کذارده نی بود برخاست
تا ناگاه امام را سجده تلاوت یاد آمد آنرا بجا
آورد مسبوق مذکور اگر برود در فی الحال ویرا
متابعت نکند نماز وی تباه شود یا نی جواب
شود کذا فی الهدایة سوال امام یا منفرد بر زانو
ایستاده شد و میخواست که ایستاده شود
یاد آورد که ویرا باید نشست اکنون بنشست
یا آنکه بعد رکعت اول نشسته بگمان آنکه دوم است
سجده سهو لازم آید یا نی جواب آید کذا فی
الخلاصة سوال در قعده اولی امام یا منفرد بگمان

آنکه

آنکه این قعده اخرین است صلوة بعد تشهد خواند
گرفت اللهم صل علی محمد گفت بعده یاد آورد که این
قعده اولی است برخاست و باقی نماز بگذارد سجده
سهو بر وی لازم گردد یا نی جواب گردد بقول امام
ابی شجاع رحمة الله علیه و بر قول امام حسن
ماتریدی نباید مادام که و علی آل محمد نگوید
کذا فی السراجیة سوال مردی در قیام و یا در رکوع
و یا در سجود بسهو تشهد خواند سجده سهو بر وی
لازم گردد یا نی جواب نی کذا فی السراجیة سوال اگر یکی
تشهد در قعده و دعاء قنوت در وتر ترک آورد
بسهو بر وی سجده سهو لازم گردد یا نی جواب گردد
کذا فی السراجیة سوال اگر فاتحه مکرر در یک رکعت
خواند سجده سهو لازم گردد یا نی جواب گردد

اکر متصلاً خواند اما اکر بعد فاتحه سوره بخواند
وبعد سوره فاتحه نیز بخواند سجده سهو
بر ولازم نیاید کذا فی الکبیر سوال اکر در رکعة اولی یا ثانیه
نسی فاتحه فراموش کند وسوره دیکر خواندن
کیرد ودر اثناء خواندن یاد آورد فاتحه اغاز
کند وبعد فاتحه سوره خواند سجده سهو بسبب
ترك فاتحه از محل خود بر ولازم کردد یانی
جواب کردد کذا فی التحقیق سوال شخص در ظهر
مثلا در دو رکعت اخیره با فاتحه سوره نیز خوانده
سجده سهو بر ولازم کردد یانی جواب نی کذا
فی الکبری سوال چون سجده تلاوت کسی بسهو
ترك اورد سجده سهو بر ولازم کردد یانی
جواب نی کذا فی التحفة سوال شخص مسبوق بسهو

باامام

باامام سلام کفت بعده یاد اورد برخاست نماز تمام
کرد سجده سهو بر ولازم کردد یانی جواب کردد اکر
بعد از امام سلام کفت باشد واکر با امام سلام کفته
باشد نی کذا فی السراجی سوال شخص در نماز عصر چهار
رکعت کذارد ودر قعده مقدار تشهد نشست وپنداشت
که مکر این قعده اولی است ومن دو رکعت کذارده ام بر
خاست یک رکعة دیکر کذارد یاد اورد که این رکعت پنجم
است بنشیند سلام بکوید یا ششم نیز بکذارد انکاه
سلام بکوید چنانچه در نماز ظهر جواب بروایة
هشام ششم نیز ضم کند وفتوی همین است
سوال اکر درین صورت مذکوره چون سر پنجم رکعت
سلام کوید سجده سهو بر ولازم کردد یانی
جواب نی مکر انکه ششمی نیز بکذارد سوال در حق

وجوب سجده سهو فریضه ونفل برابر است
یا فرق است جواب برابر است کذا في المحیط سوال اگر
در نماز عصر سهو افتد وچون سلام کوید
افتاب فرود شده باشد در ینحال سجده
سهو بجا ارد یا ني جواب ني کذا في القنیه سوال
امام ومنفرد بعد اتمام فاتحه اگر مقدار یك رکن
درنك کند درین اندیشه انکه کدام ایه یا کدام
سورة بخواند سجده سهو بر و لازم کردد یا نی
جواب کردد کذا في الکنز سوال شخصی دو رکعة
نماز نفل میکذارد وسجده سهو یا عتبار
سهو بجا اورده روا باشد که دو رکعة دیکر
بان ضم کند یا ني جواب ني کذا في الکنز سوال مسبوق
چون برای قضاء انچه امام پیش ازو کذارده است

ومسبوق مقیم است ولاحق امام مسافر است

برخاست ومقیم چون بعد از سلام امام که امام
مسافر بود برای باقي نماز برخیزد درینحالة
ایشانرا اگر ترك واجبي بسهو شود سجده
سهو برایشان واجب اید یا ني جواب اید کذا في
الطحاوي سوال لاحق برایشان انکه اورا با امام
فوت شده است بکزارد سجده سهو ویرا متابعت
امام شاید یا ني جواب ني لیکن در قعده اخیره
صلوة بجا ارد کذا في المضمرات باب یازدهم
دربیان سجده تلاوت سوال سجده تلاوة بر
خوانندە وشونده بچنده شرط لازم کردد مفسران
بیان فرمایند جواب بچهار شرط یکي انکه عاقل
باشد دوم انکه بالغ باشد سیوم انکه مسلم باشد
چهارم انکه پاك باشد از حیض ونفاس کذا في

المضمرات سوال اکر خوانند یا شنوند جنب باشد
سجده تلاوت بر و لازم کردد یانی جواب کردد کذا فی
الخلاصة سوال مردی مشغول است بکاری نزدیک
او کسی ایة سجده خواند و او نشنید سجده تلاوة
بر و لازم کردد یانی جواب نی وهو الصحیح کذا فی
المضمرات سوال شخصی در خواب ایت سجده خواند
کسی که از وی بشنود سجده تلاوت بر و لازم
کردد یانی جواب کردد کذا فی المضمرات سوال در صورتی
که کسی در خواب چون بیدار کشت او را خبر کردند
بر خوانند مذکور سجده تلاوت لازم کردد یانی
جواب نی کذا فی النصاب سوال کسی که بعد خواندن
امام ایت سجده اقتدا کند بر و متابعت امام در
سجده تلاوة لازم کردد یانی جواب کردد کذا فی التهذیب

است و ابن سجده خواندن

سوال

سوال امام را در ظهر و عصر ایة سجده خواندن
شاید یانی جواب مکروه است کذا فی الشامل سوال در نماز
جمعه و نماز عیدین امام اکر ایة سجده خواند شاید
که باعتبار انکه بعضی جماعت نشنیده باشند و در
نیابند و تکبیر سجده تکبیر رکوع پندارند رکوع کنند
و در نماز ایشان خللی افتد امام را سجده
مذکور ترک کیرد یانی جواب شاید ترک کرفتن
کذا فی المحیط سوال مقتدی اکر ایة سجده تلاوة
بر امام خواند امام و جماعت از وی بشنوند سجده
تلاوة بر امام و جماعت و خواننده مذکور لازم
کردد یانی جواب نی کذا فی الینابیع سوال بیرون
نماز شخصی ایات سجده شنید از کسی که در نماز است
سجده بر و لازم کردد یانی جواب کردد کذا فی الهدایة

سوال شخصی در نماز آیة سجده شنید از کسی که نماز
علی حده میگزارد یا بیرون نماز است بشنید
این سجده بجا آوردن چنین کردن شاید
و نماز او تباه شود یا نی جواب چنین کردن روا باشد
فاما نماز وی تباه نشود بروایت صحیح خلاصه
سوال چون کسی در نماز آیت سجده از کسی
بشنود که او در نماز وی نباشد یا مطلق در
نماز نباشد وان سجده در نماز بجا آورد یا
نیاورد چون از نماز فارغ شود سجده تلاوت
بجا آرد یا نی جواب آرد کذا فی الکنز سوال شخصی
در نماز یا در سجده تلاوت بخواب رفت وضو
یش بشکند یا نی جواب بشکند بروایتی اما بروایت
اصح نی کذا فی الخلاصه سوال شخصی آیات

سجده

سجده در وقت مکروه خواند بعد از آن در آن
وقت سجده بجا نیاورد و بعد از آن در وقت
مستحب نیز بجا نیاورد اگر در وقت مکروه
دیگر بجا آورد درست باشد یا نی جواب نی کذا
في النصا سوال چون کسی در نماز آیة سجده خواند
بهتر آنست که فی الحال سجده کند یا بعد اتمام
سورة سجده کند جواب در صورتی که آیة سجده
در میان سورة باشد چنانچه سورة نحل و رعد
در آن افضل آنست که سجده فی الحال کند بعد
سورة تمام کند و در سورتی که آیت سجده آخر
اوست چنانچه سورة والنجم و اقرأ در آن افضل
آنست که رکوع بجا آورده بعد سجده کند
دو صلی و یک سجده تلاوت و اگر سجده تلاوة

بر رکوع مقدم کند اولی انست که از سورة دیکر
چیزی بخواند بعد در رکوع رود واکر استاده
شود وهیچ نخواند بعد رکوع بجا ارد دو رکعت
تمام کند نیز روا باشد واکر از بعد از ایات سجده
دو ایة سجده دو ایه یا سه ایات باشد چنانچه
در سورة بنی اسرائیل واذا السماء انشقت
او مخیر است اکر خواهد سجده تلاوت بجا ارد
بعد باقی بخواند ونماز تمام کند واکر خواهد
سورة تمام کند انکاه سجده کند کذا فی
الینابیع سوال اکر کسی بجاء سجده تلاوت رکوع
کند غیر رکوع صلبیه جایز باشد یا نی جواب
باشد اکر در حالة رکوع نیت ان باشد که این
بسبب تلاوت است واکر در حال رکوع نیت
نکند

نکند بروایتی جایز باشد وبروایتی نی کذا
فی المضمرات سوال شخصی ایة سجده خارج صلوة
خواند وسجده تلاوت بجا اورد ومتصل
شروع در نماز کرد ودر نماز نیز همان ایة
خواند سجده اولی بسنده کند یا نی جواب
نی کذا فی المحیط سوال اکر کسی در نماز سجده
تلاوة ترك اورد بعد قضاء ان ممکن باشد
یا نی جواب نی کذا فی الکافی سوال در صورتی
که بیرون نماز ایة سجده خواند همان ساعت
همدران مجلس شروع در نماز کرد باز همانع
ایت سجده خواند اول نیز همین بسنده باشد
یا نی جواب باشد کذا فی الکنز سوال کسی در یك
مجلس ایة سجده تکرار کند از جمله یك سجده

که اول بجاء اورد تا اخر بسده باشد یانی جواب
باشد کذا في المضمرات سوال اگر کسي در مسجد
جامع میگردد وآیت سجده تکرار میکند
یکبار در یك سر وکرة دوم در دوم سرة
بخواند یا انکه در خانه بزرك ویا در کشتي
ویا در حوض ویا در جوي کرة در یك سرة
وکرتي در دوم سرة بخواند بر وي یك سجده
لازم آید یا هر بار سجده دیکر جواب یك سجده
لازم آید کذا في المضمرات سوال اگر در صحراء
کسي پیاده میرود وکسي بر مرکبي غیر
کشتي سوار شده میرود وکسي که در اب روان
اشناء میکند که دنبال ستوران در خرمن میکردد
وکسي که شاخي بشاخي سواري مي شود

درين احوال اگر ایت سجده تکرار میکند بهر
کرتي سجده لازم اید یا از جملگي یك کند جواب
بهر کرتي سجده لازم اید مگر انکه بر مرکب در
نماز تکرار کند کذا في الینابیع سوال در یك
مجلس ایت سجده تکرار کند ودر میان
چند لقمه طعام خورد یا اب بسیار خورد
یا سخن بسیار کند یا خواب بر پهلوي کند
یا زني فرزند را شیر دهد یا شانه در سر
کند یا در اثناء ان خرید وفروخت یا در عقد
نکاح مشغول شود یا بعد از خواندن در
نماز شروع کند ودر ان نیز بخواند بر ین
تکرار بر و تکرار سجده باشد یانی جواب باشد
کذا في المضمرات سوال اگر خواننده ایت سجده

خواند وبرخواست رفت شخصی ازو شنید
واو همان جا بود که باز ملك همان آیت خواند
برشونند مذکور نیز تکرار سجده آید یا
جواب نی وعلیه الفتوی کذا في الینابیع سوال در
صورتی که خواننده همه در آن مجلس باشد و شنونده
برود باز آید کرتی دیکر نیز همان آیت ازو
بشنود سجده دیکر برو لازم کردد یانی جواب کردد
وعلیه الفتوي في المضمرات سوال در سجده تلاوت
تکبیر در اول واخر واجبست یانی جواب نی کذا في
المبسوط سوال طریق مستحب در سجده تلاوت کدام است
جواب انکه استاده شود تکبیر کوید سجده کند
بعد سجده نیز تکبیر بکوید استاده شود بعده
بنشیند کذا في الظهیریة والعتابیة والله اعلم

باب

باب دوازدهم در بیان صلوة المسافر سوال مرد
مسافر بقصد سفر مسافر کردد یا بفعل یعنی بشروع
بنشین جواب بهر دو بیکی ازین دوی کذا في المنافع
سوال شخصی قصد مقامی کرد که آنجا اکر بخشکی
برود سه روز برسد واکر در کشتی برود
در دو روز برسد چون بکشتی برود شاید
که قصر وافطار کند یانی جواب نی واکر خشکی برود
باید نماز قصر کند یعنی دوکانه بکذارد وروزه
افطار کند کذا في المضمرات بانه قصد موضعا
له طریقان احدهما في البر واخر في البحر
وطریق البر یوصله في ثلثة ایام وطریق البحر اقل من ذلك
فانه اذا سافر في البر یقصر واذا سافر في البحر
لا یقصر ولا یعتبر احدهما بالآخر سوال شخصی

البحر

کذا في المضمرات

بقصد مقامي بيرون آمد در راهي كه كمتر از سه
شبانروز نتوان رسيد وسوي آن مقام راه
ديكر در زمين هموار است كه بدان راه دو روز
توان رسيد مر اورا شايد كه قصر وافطار
كند كذا في الينابيع ياي جواب شايد اكر سه روز
برسد نماز قصر كند وروزه افطار كند كذا
في الينابيع سوال مردي از خانه بقصد مقامي
بيرون آمد كه دو روز ميرفت از انجا باز قصد
مقامي كرد كه آن نيز دو روزه راهست بدين
نمط اكر چند ماه در سير باشد وان هيچ مقامي
قصد سه روزه راه نكند احكام سفر بر وي مرتب
شود ياني جوابي كذا في الينابيع سوال اكر
بادشاه از شهر سكونت بقصد سه روزه راه

بيرون

بيرون آيد ودر مملكت خويش كشت كند رخصت
قصر وافطار مر اورا باشد ياني جواب باشد كذا
في الوصول الشاشي حتى ان السلطان لو طاف في
اطواف مملكته بقصد مقدار السفر كان له
الترخص في الافطار والقصر في التجنيس المزيد
اذا سافر يصلي صلوة المسافر لانه مسافر الخ
سوال مسافري در غير وطن خود نيت چنين كرد
كه فردا يا پس فردا روان شوم همبرين مدة مزيد
كشت رخصت قصر وافطار از وي ساقط كردد
ياني جوابي كذا في العتابية سوال شخصي در
شهري در آمد بغرضي وعزيمت وي آنست كه هر وقت
كه غرض من حاصل كردد بيرون آيم همبرين
نمط تا يكسال يا زيادة كذشت مقيم كردد

في التجنيس المزيد سوال خليفت اذا سافر يصلي صلوة الما فلانه مسافر

یابی جواب نی کذا فی العتابیة سوال چون لشکری
درزمین مواس درایند واهل حرب را کرد کیرد
دران مقام اگر امیر نیت اقامت بکند موازنه
پانزده روز ویا زیادة کند مقیم گردد یا نی
جواب نی وهو الصحیح کذا فی المضمرات سوال بعض خلق
صحرا نشین که خانهاء ایشان خیمه وخرکاه
است بنیت اقامت ایشان مقیم گردد یا نی
جواب لی کذا فی الکبری وعلیه الفتوی
سوال کودکی وترسایی ازخانه بنیت سه
شبانروز راه یا زیادة بیرون امدند
بعده کودک مذکور بالغ گشت وآن
ترسا مسلمان گشت قصر نماز وافطار روزه
درحق هردو باشد یا نی جواب درحق

ترسا

ترسا باشد ودرحق کودکی کذا فی
الخلاصة سوال شخص درمسافرة بسبب دین
محبوس است ویا بمهل ازجهت باداین مامور
است نیت سفر واقامت ازان داین معتبر است
یا ازان مدیون جواب اگر مدیون فقیر باشد
بنیت داین معتبر است واگر موسر است بنیت
مدیون مگر آنکه عزم چنین کند که این دین
نخواهم داد کذا فی النصاب سوال چون اجیر
یا مستاجر درسفر باشد یا زن باشوهر باشد
یا لشکر با میر باشد یا غلام با مولی باشد
بنیت سفر واقامت ازان تابع معتبر باشد
یا ازان متبوع جواب بنیت متبوع معتبر باشد
کذا فی الذخیرة والسراجیة سوال دیگر لشکری اگر

وجه خویش خورد ووظیفه ملك بخورد نیت
او معتبر باشد یانی جواب باشد کذا في الظهیریة
سوال اکر کسي بقصد معصیة از خانه بیرون
آمد مسافر کردد رخصت قصر نماز وافطار
روزه او روا باشد یانی جواب باشد کذا في
الهدایة وغیره سوال در نماز شام ووتر وچهار کانه
سنت ونوافل نیز قصر شاید یانی جواب نی
کذا في المحیط سوال اکر مسافری در مقامی نیت کرد
که چهارده روز در این جای خواهم
بود مر اورا شاید که نماز چهار کانه قصر کند
یانی جواب شاید کذا في الکنز سوال در حق مسافر
قصر اولي است یا اکمال جواب قصر اولي است بلك با کمال
اثم کردد کذا في الاختیار سوال اکر مسافری چهار کانه

در

در ظهر بکذارد وقعده اولی ترك آرد نماز وی تباه شود
یانی جواب شود کذا في الکافي سوال مسافر چون در
وقت ظهر ویا عصر وعشاء با مقیم اقتدا کند در حق
او هر چهار رکعت فرض کردد یانی جواب کردد کذا في
الکنز سوال اکر بعد بیرون آمدن وقت مسافر
اقتدا رباعی بمقیم کند روا باشد یانی جواب نی
کذا في المحیط سوال اقتداء مقیم بمسافر در وقت
وبیرون وقت جایز باشد یانی جواب باشد کذا
في الشافي سوال چون مقیم بمسافر اقتدا کند مسافر
مذکور اکر چهار کانه بکذارد اقتداء مقیم در دو کانه
اخیره جایز باشد یانی جواب نی کذا في المفتاح
سوال در نمازی که در حضر فوت شده باشد چون
در سفر قضاء بکذارد در آن نیز قصر روا باشد

یانی جواب نی چون قضا کند چهار کانه بگذارد
یا دوکانه جواب دوکانه کذا فی الکنز سوال مردی
از وطن اصلی انتقال کردد در شهری دیگر متوطن
گشت بعده از مقام سکونت مسافر شد و در وطن
اصلی در آمد بمجرد در آمدن مقیم گردد بغیر
نیت اقامت یانی جواب نی کذا فی الهدایة
سوال مردی بقصد سه روز راه یا زیاده از خانه
بیرون آمد در اثناء راه ویرا نیت باز گشت
شد بعده چهار گانه بگذارد یا دوگانه
جواب اگر از محل باز گشت مقدار سفر
است دوگانه گذارد واگر کمتر است
چهار گانه بگذارد کذا فی الکافی سوال
شخصی بنیت سفر از خانه بیرون آمد از عمرانات

گذشت

کذا فی الکنز

گذشت ظهر دوگانه ادا کرده بعده ویرا نیت سفر فسخ
شد اگر وقت ظهر باقی باشد ظهر باز گرداند و چهار
گانه بگذارد یانی جواب نی کذا فی الروایات فی السراجیة سوال
اگر مسافر ظهر ویا عصر چهار گانه نیت کند بروی اتمام
چهار گانه لازم آید یانی جواب آید کذا فی المحیط سوال تابع چون
بنده وزن ونحوهما دوگانه گذارند و بعده روشن شد
که متبوع نیت اقامت کرده است تابع مذکور چهار گانه
قضا کند یانی جواب کند کذا فی الکافی باب سیزدهم
در بیان نماز جمعه سوال شرایط اداء نماز جمعه چند است
وکدام است جواب شش است یکی مصر دوم بادشاه یا نایب
بادشاه سیوم وقت ظهر چهارم خطبه پنجم جماعت
اگرچه سه نفر باشند ششم اذن عام یعنی درها مسجد
باز باشند هیچ کس را منع نباشد سوال شرایط وجوب
جمعه چند است وکدام است جواب پنج است اقامت ومرد
وصحت وحریت وسلامتی چشم وپای واسلام نیز

الروایات

سوال بر مسافر و زن و بر صبی و بنده و لنگ و نابینا لازم
آید یا نی جواب نی کذا فی الکافی سوال اگر ازین کسان که حاضر
شدند بر ایشان واجب نیست جمع شوند جمعه بگذارند
و هیچ مقیمی میان ایشان نباشد روا باشد یا نی جواب باشد
کذا فی الهدایة سوال بیرون شهر در سواد نیز جمعه گذارد
بر ساکنان سواد ادا جمعه لازم آید یا نی جواب آید سوال
چه مقدار مسافت داخل سواد توان گفت شرعا جواب هر محلی
که خراج آن شهر جمع کنند آن حکم داخل دارد بر قول امام
اعظم و آنچه گرده آن حصار باشد بر قول ثانی و تا
آنجا که بانگ نماز بشنوند بر قول ثالث کذا فی مجمع البحرین
سوال اگر پادشاه با لشکر بیرون شهر مقدار دو میل یا کمتر
سواری کند اگر نماز جمعه همانجا بگذارد روا باشد
یا نی جواب باشد کذا فی التجنیس سوال اقامت جمعه بجای بگذارند
در دو محل یا زیاده روا باشد یا نی جواب باشد بحکم روایت
کنز و متودی فی مواضع سوال چند نفر اند که از دعوت

بجمع

معذور را نشاید که در روز جمعه
نماز ظهر بجماعت پیش از جمعه

جمعه بگذارند مکروه باشد یا نی جواب باشد در شهر ظهر بجماعت
پس از جمعه بگذارند مکروه باشد یا نی جواب باشد کذا فی مجمع البحرین
سوال غیر معذور اگر ظهر پیش از جمعه بگزارد مکروه باشد یا نی
باشد جواب اگر معذور مذکور بعد ادا ظهر سوی مسجد
جامع برای نماز جمعه بیرون آید ظهر او باطل گردد یا نی جواب
گردد بر قول امام اعظم و بر قول ابی یوسف رحمة الله
علیه نگردد تا با امام نرسد کذا فی المضمرات جواب در صورتی که
بعد ادا ظهر بقصد جمعه بیرون آید و حال آنست که امام از ادا
جمعه فارغ شده است ظهر این باطل گردد یا نی جواب نی کذا فی
الکافی سوال مردی در نماز جمعه با امام در حال تشهد رسید او
دوگانه بگذارد یا چهار رکعت تمام کند جواب دوگانه بگذارد کذا فی الوقایه
سوال شخصی از ده خود در روز جمعه برای مصلحتی در آمد
نماز جمعه برو لازم گردد یا نی جواب گردد اگر نیت درنگ باشد
او را تا گذاردن جمعه کذا فی التجنیس سوال در شهر کسانیکه بنماز
جمعه نرسند اگر ظهر بجماعت بگذارند روا باشد یا نی جواب

مکروه باشد کذا فی السراجیة سوال اگر تمام اهل شهر را جمعه کذارد
بسببی میسر نیاید شاید که ظهر بجماعت کذارند درست باشد
یا نی جواب باشد فاما انها کلهم کذارده مستحب است کذا فی الکبری
سوال چون پادشاه دور باشد و اولی ولایه که خطبه باذن او شده
بمرده مادام که فرمان او نیارند اگر خلیفه والی یا قاضی جمعه
کذاردن اذن کند یا خلق جمع شوند کسی را برای امامت
وخطبه اختیار کنند جمعه ایشان جایز باشد یا نی جواب
باشد کذا فی السراجیة سوال نماز جمعه بغیر اذن خطیب چون کسی
بکزارد ومن له الولایة بدو اقتدا نکرده باشد درست باشد
یا نی جواب نی کذا فی السراجیة سوال اگر خطیب برای خطبه در
مسجد حاضر نشد و وقت تنک کشت شاید که قاضی غیر را
بفرستد تا خطبه خواند و امامت کند یا نی جواب شاید
کذا فی التهذیب سوال وقت ظهر چون در اثناء نماز
جمعه بیرون اید نماز جمعه تمام کند یا ظهر از سر کیرد اولا جواب
ظهر چون در اثناء نماز جمعه بیرون اید نماز جمعه تمام

کنند

کند یا ظهر از سر کیرد الی جواب ظهر از سر کیرد کذا فی مجمع البحرین
سوال شخصی را در اثناء نماز جمعه فجر امروز یاد آورد که فوت
شده است نماز جمعه تمام کند یا فجر را مقدم دارد جواب اگر
خوف بیرون آمدن وقت باشد جمعه تمام کند و اگر بداند
که بعد کزاردن قضاء فجر با امام نیز تواند پیوست فجر مقدم
دارد و اگر خوف فوت جمعه باشد فاما ظهر بعده تواند
کزاردن بر قول امام اعظم و ابیوسف رحمة الله علیهما
فجر مقدم دارد و بر قول امام محمد رحمه الله جمعه تمام
کند کذا فی شرح مجمع البحرین سوال بمجرد بیرون آمدن خطیب
بر جماعت نماز و کلام حرام میشود یا بعد بر آمدن بر
منبر جواب بعد بر آمدن بر منبر کذا فی المضمرات سوال اگر کسی
از امام دور باشد چنانچه خطبه نشنود در حق او نیز کلام
و نماز ممنوع است یا نی جواب ممنوع است هو المختار کذا فی
الکبری سوال چون موذن بعد بیرون آمدن خطیب بانک نماز
بکوید اجابت آن شاید یا نی جواب نی کذا فی المصفی سوال در حال

خطبه چون کسی در مسجد در اید و سلام کوید رد سلام و جواب عطسه
زننده بکوید یا نی جواب نی و بدین فتوی کذا فی الفتاوی الحجة سوال چون کسی
نجر را انکشتری یا دارد در حالی که خطیب در خطبه باشد فی الحال بکند
یا نی جواب بکذارد کذا فی المضمرات سوال بعد فراغ از نماز جمعه رد
سلام کسی که در حال خطبه سلام کفته بود لازم اید یا نی جواب اینکه
هو المختار کذا فی النصاب سوال چون خطیب ایة یا ایها الذین
امنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما بخواند شنونده را درود صلوة کفتن
اهسته اولی است یا سکوت جواب الاصح السکوت کذا فی الاورجندی
سوال با نکی از جمعه که سعی بدان واجب کردد و خرید و فروخت
مکروه شود همانست که بعد بیرون امدن خطیب میکویند
یا انکه اول میکویند بعد از زوال جواب اول کذا فی الهدایة والاصح
ان المعتبر هو الاول اذا کان بعد زوال سوال در مسجد در
جامع در محلها بلند چنانچه ملوک خانه و نحوه بغیر ضرورة
نماز جمعه کذاردن مکروه باشد یا نی جواب باشد کذا فی الطحاوی
سوال در بعضی مقامات در دیار ما ازا اشتباه میشود که انرا مصر توان
کفت

کفت یا نی و مصر یکی از شرایط انعقاد جمعه است سبب
اشتباه چهار رکات ظهر نیز بعد کذارد یا نی شافی که بدان
رفع اشتباه کند از مقامی که بیقین مصر باشد نبشتن فرمایند
جواب مقامی که اصل بنا دان مصر باشد و بحکم فرمان در ان جمعه شده باشد
در ان شکی فی و بحث جای است که دهی بزرگ که در ان ده هزار مرد باشد
و بروایتی هزار مرد و بروایتی انکه در ان هر کونه فرزندی
بزاید و یکی ادمی بمیرد و بروایتی هر صاحب حرفتی را از حرفت
خویش کفایت باشد و والی و قاضی باشد که او را تنفیذ
احکام مقدور باشد در این چنین دیه نیز چون بفرمان
سلطان و حکم قاضی جمعه منعقد شود بالاتفاق درست باشد
اما در دیه بزرگ بمثابه شهر باشد از جهت جمعیة چون
حکم سلطان و قضاء قاضی در ان تحقیق نباشد یا تنفیذ
احکام شرع در ان میسر نیاید در ان بقول بعضی چهار رکات
ظهر نیز بکزارد برای احتیاط کذا فی المضمرات من الفتاوی
الحجة سوال چهار رکات که بنیت ظهر بکذارد اول بکزارد یا اخر

بگزارد ترتیب بیان فرمایند جواب بعد دوکانه جمعه چهار
کانه سنت جمعه بگذارد بعده چهار کانه بنیت ظهر بگذارد بعده
دوکانه سنت الوقت بگذارد هذا هو الاصح المختار فی فتاوی الحجة
سوال چهار کانه که بنیت برای احتیاط بگذارد در دوکانه اخیره
بعد فاتحه سوره نیز بخواند یا نی جواب بخواند وعلیه الفتوی
کذا فی الفتاوی اهو سوال اگر خطیب یک خطبه بسنده میکند
دوم نخواند یا دوم نیز بخواند فاما جلسه که میان ایشان است
ترك کیرد درست باشد یا نی جواب باشد کذا فی الزاد سوال غیر بالغ
اگر خطبه خواند روا باشد یا نی جواب باشد چون اورا
منشوری باشد از بادشاه کذا فی الذخیرة سوال خطیب در جمله
شهرها تیغ دست کرده بر منبر سوار شود یا در بعضی مخصوص
جواب هر شهری که فتح بتیغ شد باشد دران بتیغ سوار شود
ولکن بغیر تیغ دراه طاعت درامده باشد بغیر تیغ سوار
شود کذا فی الروضة سوال در خطبه جمعه اگر همین قدر بگوید
فزود ایک الحمد لله یا سبحان الله یا لا اله الا الله یا الله اکبر و نحوه

ذلك بسنده باشد یا نی جواب باشد بر قول امام اعظم خلافا
لصاحبیه کذا فی الحجة سوال خطیب چون خطبه بذکر و تسبیح بسنده
کند و تلاوت آیتی از قرآن و وصیت کردن بتقوی و صلوة
بر پیغامبر صلی الله علیه وسلم ترك کیرد مکروه باشد یا نی
جواب باشد کذا فی المجمع البحرین سوال بعد از جمعه سنت چند رکعت است
جواب بقول امام اعظم ابو حنیفه و امام محمد رحمة الله علیهما
چهار رکعت و بقول ابی یوسف شش رکعت است و مختار مشایخ
همین قول است کذا فی الفتاوی سوال بنده که اسب مولی کرفته
بر در استاده باشد یا سبب کاری دیگر اورا مولی حاضر شدن ند
جماعت مانع باشد آثم باشد یا نی جواب نی کذا فی الشامل
البیهقی سوال کسی که بعد از تمام خطبه در مسجد درآید شاید
که وی امامت میکند نماز جمعه یا نی جواب نی کذا فی السراجیة باب
چهاردهم فی صلوة العیدین سوال نماز عید فطر و اضحی
سنت است یا واجب جواب واجب است هو المختار فی الخلاصة
والاوجه فی الزاد هو الاصح فی الذخیرة سوال در صباح

عید چند چیز مستحب است مفسران بیان فرمایند جواب ششچیز است
اول غسل و مسواک و صدقه و پوشیدن نو و یا کهنه شسته و خوشبوی
مالیدن و صدقه فطر کشیدن اگر غنی باشد و چیزی
خوردن پیش از نماز فطر و ناخوردن در عید اضحی پیش
از اضحی کذا فی الینابیع سوال در گذاردن نماز عیدین بتعجیل
افضل است یا تاخیر جواب در نماز عید قربانی بتعجیل افضل است
و در نماز عید فطر تاخیر تا بلند شدن آفتاب کذا فی
المضمرات
سوال در عید فطر صدقه فطر بتعجیل افضل است یا درنگ
کردن تا بلند شدن آفتاب جواب در عید فطر صدقه فطر بتعجیل
افضل است و در عید اضحی قربانی تاخیر تا بلند شدن
آفتاب تا زوال کذا فی الفتاوی الحجة سوال در مقامی که شرایط
جمعه موجود نباشد نماز عید در اینجا درست باشد
یا نی جواب نی کذا فی المضمرات سوال چون کسی که از خانه بجهة
نماز عید فطر بیرون آید در راه تکبیرات در هر دو عیدین بکوید یا در عید
اضحی بکوید فقط و آواز بلند در اضحی و هو المختار

بکوید یا نه جواب در هر دو عید بکوید اما آهسته در عید فطر و بلند

دبد

سوال و ثنا در صلوة عید ... جواب ... تمام تکبیرات ...

و به ناخن کذا فی النصاب سوال در نماز عید بعد تکبیر افتتاح در اول
رکعت و در دوم رکعت چند تکبیر گفتن واجب است جواب سه گانه تکبیر
مذهب ما همین است فاما عمل خلق متابعت خلیفه است بر قول
ابن عباس پنجگانه تکبیر در هر رکعت جز تکبیر افتتاح کذا فی الوقایه
سوال ثنا بعد جمله تکبیرات بکوید یا بعد تکبیر افتتاح جواب بعد
تکبیر افتتاح کذا فی الوقایه سوال دست برای هر تکبیر بردارد
یا برای اولی فقط جواب برای هر تکبیر کذا فی الهدایه سوال تکبیرات
عید متصل بکوید یا فصل کند جواب فصل کند مقدار سه
تسبیح ولیکن بزبان نکوید کذا فی التهذیب سوال نماز عید در
یک شهر دو محل روا باشد یا نی جواب باشد کذا فی التهذیب
سوال تکبیرات عید اگر از محل خود فوت شود و در اثنای
قراءت یا در رکوع یاد آید بعد از قراءة و یا در رکوع بجا
آوردن و سجده سهو لازم گردد یا نی جواب گردد کذا فی
الفتاوی الحجة سوال شخصی را نماز عید فوت شد قضا
آن شاید که بگذارد یا نی جواب نی کذا فی القنیة سوال اگر امام

مقدریم

را وجماعت را نماز عید فوت شود قضاء ان تا چند روز
باید کذاردن جواب عید فطر تا دو روز وعید اضحی تا سه روز
کذا فی الزاد سوال دردیر رستاق حکم نماز عید کزارده شاید
یا نی جواب مکروه است کراهیت تحریمه کذا فی القنیه سوال پیش از نماز
عید نفل مخصوص در مصلی عید مکروه است یا در جمله
اماکن از شهر جواب در جمله اماکن سوال اکر کسی نماز عید
بعد الشروع افساد کند قضاء ان برو لازم کردد یا نی جواب
نی کذا فی الروایتان فی السراجیة سوال وجوب نماز عید نیز شروط
بشرایط جمع است یا نی جواب هست جز خطبه که ان در جمعه شرط
است ودر عید مستحب کذا فی الوقایه وغیره سوال تشبه
کردن بواقفان عرفه در روز عرفه در غیر عرفات مشروعست
یا نی جواب هیچ نیست کذا فی الهدایه سوال تکبیر در ایام تشریق
اغاز از کجا کند وختم بکدام نماز وکدام روز کند جواب بعد
فجر روز عرفه اغاز کند وختم اخر ایام تشریق بعد العصر سوال
وجوب تکبیر ایام تشریق بکدام کسی وکدام شرط مشروطاست

جواب

جواب بر مقیم در شهر عقب فریضه در جماعت مردان وبر زنانی
که اقتدا بمرد کنند وبر مسافر که اقتدا بمقیم کنند الروایتان
فی الوقایه سوال جمله چند تکبیر میشود وچند روز بکوید جواب
جمله بست وسه میشود ویک روز پیش از عید وسه روز بعد از عید
یکان یکان تکبیر بکوید وسیوم روز بعد از نماز عصر تمام کند در
محسوب پنج روز میشود سوال اکر کسی را تکبیر تشریق فراموش
شود بعد آنکه بنشیند یا بعد آنکه از مسجد بیرون اید او را یاد
اید بکوید یا نی جواب مادام که در مسجد است بکوید وبعد بیرون
امدن نی کذا فی التحفه سوال شخصی را بعد از فراغ فریضه
حدث شد بعد از طهارت تکبیر بکوید یا فی الحال یعنی بغیر طهارت
جواب اکر فی الحال بکوید روا باشد اما مستحب انست که طهارت
کند بعد بکوید کذا فی الکبری سوال خطبه عید مقدم داشتن
بر نماز عید روا باشد یا نی جواب باشد کذا فی الکبری سوال
چون جماعت در مسجد جامع نکنجند بیرون امدن سوی
جبانه سنت باشد یا نی جواب باشد والخروج الی الجبانة

سنة للصلوة العيد وان كان سقيهم المسجد الجامع اولا عليه
عامة المشايخ وهو الصحيح كذا في التجنيس باب پانزدهم در بيان
ستر عورت مرد و زن سوال عورت مرد كدام است جواب تمام اندام
جز روي و دو كف دست و دو قدم سوال عورت كنيزك كدام است
جواب كنيزك حكم مرد دارد مگر شكم و پشت اونين عورة است
كذا في الكنز سوال مصلي كه پوشيدن آن در نماز فرضست
چه مقدار برهنگي ازان مانع جواز صلوة است جواب هر
عضوي كه پوشيدن آن فرض است چون ربع ازان برهنه
شود مانع جواز صلوة باشد و در اين حكم عورت غليظ
وخفيف برابر است كذا في الخلاصة الأصح ان التقدير في
الغليظة والخفيفة الربع حتى لو كان ربع عضو منها مكشوفا
لا يجوز الصلوة سوال خايها عضو براسه است يا با ذكر
بهم يك عضو است جواب براسه عضو است كذا في الوقاية
سوال ساق حرة عضو براسه هست يا با زانو بهم جواب هر يكي
عضو براسه است كذا في المضمرات سوال زانو با ران بهم

جواب ازانا وانا زير زانو سوال عورت حرة كدام است

ان على حدة يا واحدة جواب على حدة

عضوي

عضوي است يا عضو براسه است يا نى جواب براسه است كذا في المضمرات
سوال مردي را اينكه زانو برهنه است و بلا ازار تا زير ناف
پوشيده نمازش جايز باشد يا ني جواب ني كذا في المضمرات
سوال موي سر عورت حره آنكه فرود آويزان است آن نيز
عورت هست يا ني جواب هست كذا في مجمع البحرين سوال مردي
پيراهني يا جيب پوشيده غير ازار نماز ميگذارد در حالت ركوع
او نظر بر شرمگاه اوي افتد نمازش جايز باشد هو يا ني
جواب باشد هو المختار كذا في الكبرى سوال مردي متزر بسته
نماز ميگذارد اعضاء پوشيدني پوشيده است وليكن در حالت
سجده اگر كسي از پس سر كون بكند ببيند پشتي ازار ايشان
ديده ميشود ويا از عورت غليظ قدر مانع ديده شود مانع
جواز صلوة باشد يا ني جواب ني كذا في القنية سوال اگر ربع ساق
زن برهنه باشد نماز وي جايز باشد يا ني جواب ني كذا في
السراجية سوال پستان زن با سينه بهم يك عضو است يا هر يك
عضوي براسه جواب اگر بزرگ و آويزان است هر يكي

او نظر

عضواست علی‌حده واکر خور راست غیر او ویزان باسینه بهم یك عضو است
کذا فی السراجیة سوال فرود ناف تا زهار عضو علی‌حده است
یا در بخرشکم است جواب عضوی علی‌حده است فاما هر چهار جانب
کذا فی الکبری سوال پهلو با شکم یکی عضوی است یا علی‌حده جواب
مجموع یك عضو است کذا فی القنیة سوال اکر زنی حره را
اکر چهارم حصه از کوش یا از پستان برهنه باشد نماز روی
درست باشد یانی جواب نی مکر عند العجز مذکور فی القنیة سوال
اکر اندکی از دو عضوی که پوشیدن آن فرض است برهنه باشد
مجموع مقدار ربع میشود مانع جواز صلوة باشد یانی جواب
باشد کذا فی التجنیس المزید سوال شخصی برهنه است و برضا صاحب
او جامه است و کمان وی آنست که شاید چون بخواهد
او را بدهد واکر از و نخواهد برهنه بکذارد نماز او روا باشد
یانی جواب نی کذا فی الکنز سوال در جامهٔ باریك پوشیده نماز
میکذارد که اندام او نموده میشود نماز او درست باشد یانی
جواب نی کذا فی التجنیس سوال اکر مردی برهنه است کاه تر شده

یا برك درخت موجود دارد و بدان عورت خود را بتواند
پوشیده او را برهنه نماز کزاردن جایز باشد یانی جواب
نی کذا فی القنیة سوال شخصی نماز برهنه بکذارد و بعد یاد آورد
که جامه در وثاق او بود ازا یاد نیاورد نماز باز کرداند یا
جواب باز کرداند مکر بر روایتی که امام کرخی ذکر کرده است کذا فی الکبری
سوال اکر هیچ جامه ندارد مکر جامه که ربع از آن پاکست بوجود
آن جامه برهنه کذاردن او را جایز باشد یانی جواب نی کذا فی الکنز
سوال اکر جامه دارد کمتر از ربع از آن پاك است دیکر همه نجاست
آلوده شده است یا این چنین جامه بکذارد یا برهنه بکذارد جواب
مخیر است برهنه کذاردن یا با آن جامه خلافا لمحمد و زفر رحمهما الله
کذا فی الکافی سوال کسی که جامه ندارد و یا دارد فاما زیادة از
سه ربع یا کلا از آن نجس است چون نماز برهنه بکذارد بچه
طریق بکذارد جواب نشسته برهنه بکذارد رکوع و سجود باشارة
ادا کند تا شرمکاه او نموده نشود و چنین نماز کذاردن
بهتر است از استاده کذاردن با رکوع و سجود کذا فی المصفی سوال

در بعضی فتاوی ذکر کرده است که نماز در جامها بذله مکروه است مکروه است
یا نی جواب مکروه است سوال جامها بذله کدام است جواب انکه در خانه
خود بوقت مشغول شدن بکاری بپوشید یعنی کهتر هذا شماع من سیدنا استاذ
سوال در وقت نماز پوشیدن جامه مستحب کدام است جواب سه
جامه پوشد پیراهن و ازار و عمامه کذا فی المحیط سوال کسی را
که در اثناء نماز دستار و یا کلاه از سر او بیفتد او سر برهنه نماز
بگذارد آن بهتر یا بازانرا بر سر بدارد جواب بهتر انست اگر ممکن
باشد بعمل قلیله بیکدست کلاه را و دستار را اگر باز شده
باشد بر سر بنهد و الا سر برهنه بگذارد بهتر است کذا فی الفتاوی
الحجة سوال سر برهنه گذاردن مکروه است یا نی جواب مکروه است
اگر بغیر عذر برهنه بکند و هو المختار کذا فی العتابیة سوال
در ازار بغیر پیراهن نماز گذاردن مکروه است یا نی جواب مکروه است
مگر عند الضرورة باب شانزدهم در بیان نیت سوال نیت که
فرض است عزم دل بسته است یا بر زبان نیز جواب عزم دل
بسته است سوال عزم در دل چه مقدار گردانیدن شرطست

جواب

جواب انکه بداند که نماز فلان میگذارد و اگر مقتدی است نیت
متابعت نیز شرطست و در نماز جنازه نیت نماز مر خدایرا
و دعا برای میت کذا فی الکنز سوال شخصی در نماز شروع
کرد و هیچ نیت امامت نکرده یا نیت کرد کسیرا امامت نکند
بعد چند نفر بر وا اقتدا کردند جایز باشد یا نی جواب باشد
کذا فی التجنیس سوال اگر زنی اقتدا کرد بامامی که ان نیت امامت
زنان نکرده است روا باشد یا نی جواب نی کذا فی الکافی سوال اگر در حال
شروع نیت اقتداء زنان نکرده بعد چون دانست که ایشان
نیز اقتدا میکنند درین وقت اگر نیت اقتداء ایشان نیز
کند درست باشد یا نی جواب نی والله اعلم سوال اگر نیت
اقتداء زنی معین کرد اگر غیر ان زن زنان بدو اقتدا کنند
روا باشد یا نی جواب نی کذا فی المسایل کلها فی القنیة سوال
چون مسبوق برای نماز قضاء انچه او را با امام فوت شده است ایستاده
شد در اثنای دنبال او کسی اقتدا کند روا باشد یا نی جواب نی
کذا فی التجنیس سوال اگر در نماز ظهر در دل الله و بزبان

عصر بگوید نماز ظهر مؤدی شود یانی جواب شود سوال اگر در وقت
ظهر در دلش بگذرد که عصر بگذارم و بر زبان نام ظهر گوید نماز
بدین نیت مؤدی باشد یانی جواب نی کذا فی الکافی سوال اگر نماز ظهر بگذارد
عصر میکند و در دلش هم عصر بگذارد و از زبان ظهر بیرون آید
اینک بدین نیت عصر مؤدی شود یانی جواب شود کذا فی الکافی سوال
اگر نیت فرض در خاطرش بگذرد و نگذارد که ظهر یا عصر مثل آن باشد
باشد یانی جواب نی مگر آنکه نیت فرض الوقت در خاطر گذشته باشد
کذا فی المضمرات سوال اگر در دلش نیت بود فاما وقت شروع
کردن در دلش چنان حاضر نبود که اگر کسی در حال پرسد که کدام نماز
میگذاری اگر بغیر اندیشه جواب باصواب بگوید روا باشد
یانی جواب باشد چون پیشتر از تکبیر نیت حاضر باشد و وقت
تکبیر فاصله در میان نیفتد کذا فی النصاب سوال اگر در وقت تکبیر
نیت ظهر میکند در صورتی که وقت ظهر باقی است و در گمان
وی بیرون آمده و نیت قضا ظهر میکند روا باشد و از ذمه وی
ساقط شود یانی جواب شود کذا فی الذخیرة هو المختار سوال اگر

وقت

وقت ظهر بیرون آمده و نیت فرض الوقت کرد ظهر او بدین
نیت جایز باشد یانی جواب باشد کذا فی المضمرات والله اعلم سوال
اگر ظهر الیوم نیت کرد و حال این است که وقت ظهر بیرون
آمده ظهر او بدین نیت بزبان جایز باشد یانی جواب باشد المسئلة
فی التجنیس سوال نیت بزبان سنت است یا واجب یا نفل جواب
بزبان سنت است و در دل فرض است کذا فی المضمرات سوال نیت
استقبال قبله نیز شرطست یانی جواب نی کذا فی الکبری والخلاصة
وهو الصحیح باب هفتم دربیان استقبال قبله سوال در
استقبال قبله توجه کردن سوی عین کعبه شرطست یا سوی
جهت کعبه جواب ساکنان مکه را توجه عین کعبه شرطست و مر
غیر ایشان را توجه جهت کعبه کذا فی الکنز سوال فرق چیست میان
توجه بعین و توجه بجهت جواب در توجه بعین شرط است چون
مکی در خانه نماز گذارد چنان مستقبل باشد که عمارت خانه
که در میان است اگر دور کنند کعبه بمقابله روی باشد و در جهت
این صورت شرط نیست و تحری نیز واجب نیست بلکه محاذیها

مساجد که پیش ازین نصب کرده اند اعتماد هم بر تحری
ایشان کند کذا فی الکافی وبعضها فی التحقیق سوال مردی در مسجد
در اندک نماز شام یا نماز خفتن کذارد وبعد ان که فارغ شد چراغ
آوردند چون روشن شد دریافت که نماز جهت قبله نکذارد
است سمتی دیکر توجه کرده است پس اکنون نماز باز کرداند
یا نی جواب باز کرداند اکر در دل خود صواب جسته بدان سمت
توجه کرده است کذا فی التجنیس سوال چون کسی را اشتباه
قبله شود ودران جا کسی نباشد که ازوی پرسد چکونه
کذارد جواب در دل خود صواب جوید سمتی اختیار کند
اکر اشتباه او در مقامی باشد که بعلامات جهة قبله معلوم
نکردد یعنی بمحراب وغیره کذا فی التجنیس سوال اکر بعد از ادای
نماز روشن باشد که غیر جهة کعبه کذارده نماز باز کرداند
یا نی جواب نی کذا فی الکنز سوال اکر هم دران نماز جهة قبله
معلوم کردد یا در دل خود بغالب ظن بداند که درین طرف نیست
دیکر طرف هست هم دران میان نماز بکردد بران سمتی توجه
کند

کند یا از سر کیرد جواب هم دران نماز بکردد سمت قبله کذا فی الوقایة
سوال اکر شخصی را در بیابان هیچ شك در خاطر نکذشته ودر دل
خود هیچ صواب بخست بغیر اندیشه بکذارد بعد ادا روشن
شد که بجهت قبله کزارده است نماز او صحیح باشد یا نی جواب
باشد بروایت اصح کذا فی السراجیة سوال اکر در حال شك بغیر تحری
بکذارده بعده معلوم کردد که مستقبل قبله کذارده است نماز
جایز باشد یا نی جواب نی کذا فی الوقایة سوال کسی که در دل خود هر چند
که اندیشه کند هیچ طرفی ظن او غالب نباشد او چکونه کزارد
جواب بروایتی هر چهار سمت تمام بکزارد وبروایتی هم در دل
اندیشه بیشتر کند هر طرف که میل دل بیشتر شود همان اختیار کند
کذا فی المضمرات سوال اکر دران محل که اشتباه قبله شود نزد او دیکر
کسی باشد او سمت قبله بکوید که بتحری این کس بدان سمت قبله
نباشد بقول او عمل کند واکر نه بر تحری خود عمل کند کذا فی الکفایة
شرح الهدایة سوال اکر جماعتی را در صحرا اشتباه قبله شود
وسمت قبله هیچ کس را معلوم نباشد چکونه نماز میکزارند

جواب هر یکی تحری کند و بر آن مقام که تحری او غالب آید نماز کزارد

جواب امام وجماعت هر یکی تحری کنند هر جهتی که هر یکی را صواب
نماید توجه کنند نماز بجماعت بگذارند کذا فی الکبری سوال چون
درین حال از سبب تاریکی و اشتباه قبله حال جماعت کل یا بعضی را
توجه طرفی دیگر و امام را طرفی دیگر شد نماز مقتدی که مخالف
امام استاده درست باشد یا نی جواب باشد اگر آن مقتدی نداند
که مخالف امام است و یا از امام پیش استاده است کذا فی الوقایه
سوال چون در بیابان وقت نماز برسد در ابر و روز روشن
یا در شب صافی معرفت قبله بچه حاصل شود جواب اینجا که آفتاب
در تابستان در آخر جوزا فرو می آید و آنجا که در زمستان در
آخر روز قوس فرو می آید میان آن دو مغرب قبله جهت است
و چون خواهد که قبله مستحب بداند ثلثان از جانب یمین
قبله کند و ثلث از جانب شمال و قبله در میان این هر دو حد
مستقبل قبله استاده شود کذا فی المضمرات سوال مصلی را چون در
مقامی خوف دزد یا دده و نحوه چنان باشد که بداند اگر متوجه
قبله خواهد شد مال یا نفس تلف خواهد شد یا زخم خواهد

کرد

کرد یا زحیق نتوانست و کسی بداند که او را مستقبل قبله بکند مر او
را روا باشد که بدل جهت که مقصد وراست نماز بگذارد یا نی جواب بگذارد کذا
فی الکافی سوال اگر کسی بیرون هر دو مغرب که حد جهت قبله است
دانست باختیار نماز بگزارد کافر گردد یا نی جواب بر روایتی که اشارت
فتوی بر آنست نی کذا فی الکبری والخلاصة والله اعلم باب هژدهم
در بیان اوقات فرایض سوال اول اوقات خمس و آخر آن مفرده
بیان فرمایند جواب اول وقت فجر چون صبح صادق بدمد و آخرش
پیش از بر آمدن آفتاب و اول وقت ظهر چون آفتاب از سر بگردد
و آخرش تا گشتن سایه هر چیزی دو چندان جز سایه اصلی و اول
وقت عصر از گشتن سایه دو چندان جز سایه اصلی و آخرش تا زرد شدن
آفتاب بیقین اول وقت مغرب بعد فرو آمدن قرص بیقین و آخرش
تا شفق که سرخی کرانه آسمان است غایب شود و اول وقت
عشا از غروب شفق و آخرش تا طلوع وقت تا صبح صادق است
کذا فی الوقایه سوال اوقات مستحب برای ادای نماز فریضه کدام
جواب مر فجر را شروع کردن بوقت روشنایی فاما بحیثیتی

و سایه را اصلی سایه است که کم شدن سایه بدو منتهی شود و از وی سایه زیادة شدن گیرد کذا فی تیسیر الاحکام

کہ چهل آیت یا زیادة با ترتیب خوانده شود و اگر خللی در وضو ظاهر
شود یا زوضو ساختن و نماز گذاردن در وقت ممکن باشد و تاخیر
وتاخیر کردن ظهر در تابستان وتاخیر کردن عصر تا آنکه آفتاب
متغیر نشود یعنی تا آنکه چشم بنظر خیره نشود بگذارد بعده مکروه است
وتاخیر عشاء تا از گذشتن ثلث شب وتاخیر وتر تا آخر شب مر
آنکسی که بیدار شدن استواری دارد ومستحب است تعجیل
ظهر در زمستان وتعجیل مغرب در زمستان وتابستان وتعجیل
عشاء وعصر در حالت ابر وتاخیر فجر وظهر ومغرب در حالت ابر
کذا فی شرح الکنز سوال اوقات ممنوع از نماز قضاء فریضه ای غیره
وواجبات واز نوافل وسجده تلاوة ونماز جنازه کدام است
جواب وقت طلوع آفتاب ووقت استواء ووقت غروب مگر عصر امروز
کذا فی الوقایه سوال در اوقات ممنوع مذکوره اگر جنازه حاضر آید
تاخیر باید کرد یا فی الحال باید کردن جواب فی الحال باید کردن — کذا فی الشرح الکنز
کذا فی شرح الکنز سوال در اوقات که نوافل گزاردن ممنوع است
قضاء فوائت وسجده تلاوت ونماز جنازه که غیر ممنوع است
ان

ان کدام است جواب بعد از نماز بامداد پیش از طلوع آفتاب وبعد از عصر
پیش از حال غروب وبعد از طلوع صبح صادق پیش از اداء فریضه
جز دوگانه سنت وبعد غروب پیش از مغرب ودر حال خطبه کذا فی الکافی
سوال نماز دیگر در حال زرد شدن آفتاب ومتغیر شدن قرص گزاردن
مکروه است یا نی جواب مکروه است چون تاخیر بغیر عذر باشد کذا
فی الطحاوی سوال اداء نماز عشاء در آخر نیمه پاس شب بغیر
عذر مکروه است یا نی جواب باشد کذا فی المضمرات سوال در دیار
که وقت نماز عشاء در نمی یابند بمجرد غیبوبت شفق طلوع صبح صادق میشود
نماز عشاء از ایشان کلی ساقطست یا قضاء لازم گردد یا نی جواب
قضاء لازم گردد کذا فی الظهیریه وافتی الشیخ الامام الاجل برهان
الدین کبیر رحمه الله فی اهل قوم کما تغرب الشمس یطلع الفجر لیس علیهم
صلوة العشاء والصحیح انه علیهم القضاء لفقد وقت العشاء الاداء سوال
ظهر در وقت ظهر وعصر گذاردن ومغرب در وقت عشاء وبرعکس آن
صورت بعذر سفر ویا بعذر بیماری روا باشد یا نی جواب نی مگر بقول
شافعی رح کذا فی المضمرات سوال ظهر وعصر در یک وقت گذاردن

در مجمع میگوید در خبری که آفتاب فرو رود وهمان زمان برآید وقت خفتن نباشد بنزدیک بعضی علما فتوی برآنست که بر اهل آن شهر قضای فریضه ... مجموع خانی ...

در روز عرفه و مغرب و عشا در مزدلفه روا باشد یا نی جواب باشد
فرود شود
کذا فی شرح الکنز سوال اگر پیش از تمام نماز عصر آفتاب برآید کدام نماز
باطل گردد جواب فجر باطل گردد و عصر نی کذا فی المحیط سوال اگر پیش از تمام
نماز جمعه اگر وقت ظهر بیرون آید حکم چیست جواب جمعه تباه شود
کذا فی المضمرات سوال چون کافری مسلمان شود یا کودکی بالغ شود
یا دیوانه هوشیار شود یا حائض پاک گردد در حالی که از وقت
مقداری باقی است که طهارت کردن و تکبیر تحریمه گفتن ممکن
باشد قضای آن نماز بر ایشان لازم گردد یا نی جواب گردد سوال
اگر عورت طاهره در اینچنین وقت حائض گردد و نماز آن وقت
تا غایت نگزارده باشد بر وی قضا لازم گردد یا نی جواب نی سوال اگر مسافر
در این وقت مقیم گردد لزوم چهارگانه و یا مقیم در این وقت
مسافر شود لزوم دوگانه شود یا نی جواب شود کذا فی التهذیب
باب نوزدهم در بیان تکبیر تحریمه سوال تکبیر اولی شرط نماز است
یا رکن جواب شرط است و نزدیک امام شافعی رحمة الله علیه
رکن است سوال ثمرهٔ اختلاف کجا ظاهر گردد جواب در مسئله که بعد

واگر پیش از تمام فجر بود

اتمام

اتمام کردن فریضه پیش از سلام در نفل شروع کند بغیر تکبیر
تحریمه دیگر نزدیک علماء ما جایز است بنا بر آن که تکبیر تحریمه او همان
بسته است که در اول وقت فریضه گفته الا آنکه تکبیر تحریمه شرط است آخر
در روا است بشرائط فرض نفل موادی شود و نزدیک شافعی
روا نیست زیرا که رکنی از وی وفات است یعنی تکبیر تحریمه زیرا که
تکبیر تحریمه فرض بوده است و رکن فرض رکن نفل نباشد کذا فی
المصفی شروع در نماز بمجرد تکبیر تحریمه فرض است یا برداشتن
نیز فرض است جواب بمجرد تکبیر و دست برداشتن سنت است کذا فی
المجمع البحرین سوال ترتیب مسنون در برداشتن دست مردان
و زنان را بیان فرمایند جواب مردان از انگشت هر دو دست
متصل نرمه گوش بدارد و انگشتان تا غایت گشاده نکند و ضم
نیز نکند و زن هر دو دست تا کتف بردارند کذا فی الوقایه
سوال دست برداشتن در نماز چند جا آمده است جواب هشت جا
چنانچه بزرگی در نظم آورده است رباعی رفع الیدین بیا بدان هشت جا:
بشنو تو ای برادر خوش طبع بازکار: عیدین و استلام و قنوت است افتتاح:

یا دست هم

رمي الجمار ومروه وعرفات باصفا. سوال بر داشتن دست مقدم
دارد یا بتکبیر کفتن مقارنت کند جواب مقدم دارد ونزدیک ابی یوسف
با تکبیر کفتن مقارنت کند کذا في مجمع البحرین سوال تکبیرات بجزم اولی
یا برفع جواب بجزم اولی است کذا في المحیط سوال اکر بجاء الله اکبر الله اجل
یا الله اعظم یا الرحمن اکبر یا لا اله الا الله یا بفارسی کوید روا باشد
یا نی جواب روا باشد کذا في الوقایة وهو الصحیح في الجامع الصغیر سوال
اکر بجاء الله اکبر اللهم اغفر لي خواند روا باشد یا نی جواب نی کذا
في الکنز سوال اکر بجاء تکبیر اعوذ بالله ویا بسم الله کوید حکم چیست
جواب روا نباشد کذا في الکنز سوال اکر شروع بتسبیح یا بتحمید یا
بتهلیل کند بغیر کراهیت جایز باشد یا با کراهیت جواب باکراهیت
وهو الاصح في الذخیرة سوال اکر کسی تکبیر تحریمه با امام نکفته فاما در حال ثناء یا در حال قراءة در رکعت اولی پیوسته شود
تکبیر اولی بیابد یا نی جواب یابد کذا في الخلاصة سوال اکر شخصی
بعد از شروع با امام اشتباه شد که تکبیر او پیش از امام واقع
شد یا بعد و بغلبه ظن هیچ جانب راجح نیامد او نماز باز

کردانند

این کتاب حق وحلال ملا محمد اداد است هر که دعوی کند دعوه او باطل است وبشرع محمدی

کرداند یا نی جواب نی کذا في التجنیس المزید سوال اکر با امام در حالت
رکوع رسید یکبار تکبیر کفت با امام پیوست روا باشد یا نی جواب آنکه
باشد اکر در حالت قیام تکبیر کفته باشد واکر در حالت نکون شده
تکبیر کفت جایز نباشد کذا في التجنیس المزید باب بیستم در بیان فرایض
داخلیه وان جمله هفت است در بیان هر یکی فصلی نهاده آمد
فصل اول در بیان قیام سوال در قیام بر هر دو قدم در قوة برابر
اولی است یا بر یکان قدم بنوبت جواب در فرض بر هر دو قدم یکسان
قوة کند ودر نفل بر یکان قدم بنوبت تا طول قیام میسر آید
کذا في فتاوی ودر تجنیس المزید مطلق ذکر کرده است که بر یکان
قدم قوة کردن بنوبت افضل است سوال در میان دو قدم چه
مقدار فرجه باید کذاشت در حالت قیام جواب مقدار چهار انکشت
کذا في الکبری سوال کسی که بتکیه دیوار ویا بتکیه آدمی استاده
نماز میتواند کزارد اورا بعارضه زحمت نشسته کزاردن
شاید یا نی جواب نی کذا في الذخیرة سوال اکر ضعیف است که نماز
تنها میتواند که استاده سبک بکزارد فاما بجماعت با امام بسیار

نتواند استاده اوغاز تنها کزارد استاده یا بجماعت بکزارد نشسته
جواب تنها استاده کزاردم کذا فی التجنیس سوال دست بستن در نماز
سنت قیام است یا سنت قراءة جواب سنت قیام است که دران ذکری
مسنون باشد کذا فی المضمرات سوال دست بسته زیر ناف بدارد دیکر بر
سینه جواب مردان زیر ناف بدارد و زنان زیر سینه بندند کذا فی
مجمع البحرین سوال دست در نماز چکونه بندد جواب دست راست
بر دست چپ بندد بنر انکشت و خنصر دست راست بر دست چپ
بکیرد وسه انکشت میانه بر پشت دست چپ نهد کذا فی التجنیس
المزید سوال اول بار چون تکبیر کوید دست فرود باز کزارده
بعد بندد یا بمجرد تکبیر کفتن دست بندد جواب بمجرد کفتن
تکبیر فرود او رده بندد باز نکذارد کذا فی الکبری سوال بعد
تکبیر تحریمه سبحانک اللهم تا اخر خواندن سنت است یا واجب است
جواب سنت کذا فی الکیدانیة سوال اکر کسی ان قدر قوة دارد که
تکبیر تحریمه استاده تواند کفت و ایتی یاد وایت از فاتحه
استاده تواند خواند زیاده نه اکر ابتدا بنشیند و نشسته نماز

میکذارد

میکذارد یا بقدر استطاعت استاده باقی نشسته میکزارد جواب
استاده بقدر استطاعت بکذارد کذا فی القنیة سوال در حالی که امام
در قرات باشد مقتدی و مسبوق را ثنا خواندن شاید یا نی
جواب در سریه شاید و در جهریه نی کذا فی المنتخب سوال بعد از
ثنا اعوذ بالله خواندن واجب است یا سنت جواب سنت سوال اعوذ بالله كذا في الكيدانية
بتبع قرات است یا بتبع ثنا جواب بقول امام اعظم و محمد رحمهما الله
بتبع قرات است و بقول امام ابی یوسف رحمة الله علیه بتبع ثنا کذا فی
المصفی سوال اعوذ بالله کفتن در حق مقتدی هست یا نی جواب
نی نیست کذا فی المجمع البحرین سوال مسبوق چون برای قضا انچه
او را با امام فوت شده باشد بخیزد اعوذ بالله و بسم الله کفتن
شاید یا نی جواب شاید کذا فی الینابیع روی الحسن عن ابی حنیفة
رح انه قال یتعوذ ویاتی بالتسمیة قال الحسن الکرخی وبه ناخذ
سوال بسم الله کفتن در اول هر رکعت سنت است یا در اغاز هر سورة
جواب در اول هر رکعت سنت است و بر قول امام محمد رحمة الله و
علیه در سریه بر سر هر سورتی نیز کذا فی مجمع البحرین والعتابیة

هو المختار فصل دوم در بیان قرائت سوال قرائت در نماز مقداری
که فرضست که بدان نماز جایز است بیان فرمایند جواب یك آیت
اگرچه خورد باشد بر قول امام اعظم رحمة الله علیه یك آیت
دراز یا سه آیت خورد باشد بر قول صاحبیه و بر روایتی از امام
اعظم نیز کذا في مجمع البحرین سوال آنکه واجبست در نماز ترك
آن بعمد موجب نقصان و بسهو سجده سهو لازم گردد چه مقدار
است جواب سورة فاتحه و سورة یا سه آیات با آن ضم کردن
کذا في مجمع البحرین سوال اگر کسی با فاتحه یك آیت یا دو آیت
بخواند زیادة نخواند مکروه باشد یا نی جواب باشد کذا في
الذخیرة سوال در نماز جهریه چون امام ولا الضالین بگوید آمین
سرا گوید مقتدی نیز سرا گوید یا جهریه بگوید جواب سرا گوید
کذا في الوقایة سوال اگر کسی در نماز فریضه بعد اتمام فاتحه مقدار
ادای یك رکن اندیشه کند که کدام سورة یا کدام آیت بخوانم
بعده خواند چنین درنگ مکروه باشد و سجده سهو لازم گردد
یا نی جواب گردد کذا في الوقایة سوال اگر در نماز فریضه بعد از

فاتحه

فاتحه متصل باز فاتحه بخواند سجده سهو بر و لازم گردد یا نی
جواب گردد چون بسهو باشد در اول شفع کذا في التجنیس المزید
سوال اگر بعد فاتحه سورة دیگر بخواند بعده باز فاتحه بخواند سهو سجده م
بسهو لازم گردد یا نی جواب نی کذا في السراجیة سوال قرائة در نماز
در جمله رکعات فرض است یا در بعض جواب در فرض در دو رکعة و در وتر
و سنت و نوافل در جمله رکعات کذا في المضمرات سوال در دو رکعت
اخرین در رباعیة و در رکعت اخرین مغرب مسنون قرائت کدام است
و مباح کدام است جواب قرائة فاتحه سنت است و اگر ساکت
باشد از خواندن یا تسبیح خواندن روا باشد کذا في مجمع البحرین
سوال اگر سورة در شفع اول عشاء فرو گذاشته باشد در اخرین
اورا اینند با فاتحه خواند یا نی جواب نی کذا في الکنز سوال سنت قرائة
در فریضه هر وقتی حال امن سفر و اقامت بیان فرمایند جواب طوال
مفصل در ظهر و فجر یعنی از سورة محمد علیه السلام تا سورة بروج
و اوساط مفصل در عصر و عشا یعنی از سورة بروج تا لم یکن الذین
و قصار مفصل در مغرب یعنی از لم یکن الذین تا آخر قرآن کذا في

الكافي سوال در سفر اگر در حالت نزول و امن بکذارد حکم از قرائة
چه باشد جواب در فجر و ظهر مقدار سورة بروج و در عشاء و عصر
فرود تر از ان و در مغرب قصار مفصل خوانند سوال مسافر در حالت
سفر و کسي که خايف باشد چه قدر بخواند جواب فاتحه و هر سورة
که خواهد هذه المسايل في الكافي سوال مقتدين فاتحه خوانند
شايد يا ني جواب ني كذا في المضمرات سوال قرائت بلند خواندن
در حق امام در فجر و مغرب و عشاء و مخفي خواندن در ظهر
و عصر واجبست يا سنت جواب واجب است كذا في الكنز سوال
حد جهر چيست و حد اخفاء چه است جواب حد جهر انکه ديگري
بشنود و اخفاء انکه خود بشنود فقط سوال کسي که تنها نماز
ميکذارد او سرا بخوند يا جهرا جواب در ظهر و عصر سرا بخواند
و در فجر و مغرب و عشاء مخير است در اداء و سرا در قضاء كذا
كذا في الكنز سوال جواب در نفل جماعت سرا بايد خواند يا جهرا
جواب در نوافل روز سرا و در نوافل شب جهرا چنانچه در فريضه
كذا في الكافي سوال بعضي ايمه که الم سورة سجده در فجر روز

جمعه مدام ميخوانند مکروه است يا ني جواب مکروه است چون غير
ان مشروع نداند والا لا كذا في السراجية سوال در رکعتين دو
سورة خواند و يك سورة ميان گذاشتن مکروه است يا ني جواب
مکروه است بر قول بعضي كذا في الذخيرة سوال در يك رکعت دو
سورة خواند و يکي در ميان گذاشتن بالاتفاق مکروه باشد
يا ني جواب باشد كذا في التجنيس سوال در رکعتي تکرار يك سورة
يا يك ايت شايد يا ني جواب شايد در نوافل و در فرايض
مکروه است كذا في التجنيس سوال در رکعت دوم سورتي يا ايتي
خواند بالاتر از ان که اول خوانده مکروه است مکروه باشد يا ني
جواب باشد كذا في المضمرات سوال در يك رکعت سورة خواند
بالاتر از ان سورة که همدر ان رکعت خوانده است مکروه باشد
يا ني جواب باشد كذا في الذخيرة سوال در دو رکعت اخر دو
سورة خواندن مکروه است يا ني جواب هست بر قول اكثر مشايخ
كذا في الفتاوي الحسامية والجامع الصغير الخاني صح
انه لا يكره سوال در رکعت دوم قراءة پيشتر از قرائت اول خواندن

مکروه هست یا نی. جواب در فرایض مکروه هست چون زیادة از دو
آیتی فرق باشد ثانیه را بر اول و نوافل مطلقا مکروه نیست
کذا فی العتابیة سوال یک سورة بتمام در دو رکعة خواند
مکروه است یا نی جواب نی ولیکن نباید چنین خواندن و اگر خواند
باکی نبود کذا فی الخلاصة سوال شخص را بعد الشروع خواب
غلبه کرد بعض قراءة همه خواب خواند قراءة در حال خواب
محسوب باشد یا نی جواب نی کذا فی التجنیس المزید سوال
اگر کسی در خواندن فاتحه کاف ایاک یا نون نعبد متصل خواند
یا با مغضوب یا عین علیهم خواند نماز وی تباه شود یا نی
جواب نی کذا فی التجنیس الملتقط سوال اگر در اغاز فاتحه ال
کفت و نکفت لام حمد کفت و در صورتی که در اعراب رفع
نصب یا جار جزم یا بر عکس آن خواند نماز وی تباه شود
یا نی جواب نی و علیه الفتوی فی التهذیب سوال اگر کسی در محل
وصل وقف خواند چنانکه بعد شرط بشر ان اجزا نو چنانک
موصوف وصفت نماز وی تباه شود یا نی جواب نی با جماع

علماء کذا فی الذخیرة سوال در صورتی که در وی معنی تغیر فاحش
شود سبب وقف کردن چنانچه میان مستثنی و مستثنی منه
یعنی متصل نخواهد خواند در کلمه توحید و نحوه الله لا اله الا بخوانند
وقف کند بعده لا هو الحی القیوم خواند و بعده شهد الله انه
لا اله گوید وقف کند بعده الا هو بخواند مفسد صلوة باشد یا نی
جواب نی و علیه الفتوی کذا فی النصاب سوال بترک تشدید
و ترک مد چون لفظ و معنی متغیر گردد چنانچه در ایاک نعبد
بتخفیف یا خواند و در رب العالمین بتخفیف یا خواند و سواء
علیهم و دعاء و نداء بغیر مد خواند نماز وی تباه شود یا نی
جواب نی هو المختار کذا فی الخلاصة سوال در بعض الفاظ که بتشدید
خواندن تغیر معنی میشود چنانچه در تتمه فاتحه امین
بتشدید میم خواندن نماز وی تباه شود یا نی جواب شود و نزد ابی
یوسف نشود و فتوی بر وی است کذا فی النصاب سوال کسی اعراب
چنان لحن خواند که معنی لفظ قرآن متغیر میشود تغیری
فاحش چنانچه در قرآن فرموده است قوله تعالی و اذ ابتلی

ابراهیم ربّه بر رفع میم ابراهیم و بنصب با ربّه خواند و در محل
دیگر در قران قوله تعالی وعصی ادم ربّه بنصب میم و رفع با خواند
نمازش تباه شود یانی جواب نی سوال در صورتی که حرکات ایطی
لحن خواند چنانچه معنی متغیر شود تغیر فاحش چنانچه
للمصور بفتح واو خواند و من الجنة بفتح جیم خواند نمازش تباه
شود یانی جواب نی المسلتات فی الذخیرة وبه یفتی فی الخلاصة
سوال حرفی بجاء حرفی خواند و اکر خواند مثال لفظ در قران
نباشد ولیکن معنی هر دو لفظ مناسب باشد حکم چیست جواب
نمازش تباه نشود سوال در صورتی که مثال ان در قران نباشد
در این چنین تبدیل حروف مفسد صلوة باشد یانی جواب
چون میان حرف مبدل و مبدل عنه قرب مخرج باشد چنانکه
ابدال یکی از ان دو حرف بدوم جایز باشد اینچنین ابدال در
حق عوام مفسد صلوة نباشد کذا فی المضمرات سوال اکر عامی
قل هو الله احد بکا خواند یعنی کا هو الله بکوید یا بجاء فلا تقهر
فلا تکهر بخواند و بجاء اذا جاء نصر الله نسر الله بخواند و بجاء الصمد

السمد خواند و بجاء صراط الذین سراط الذین خواند و اکر و لا الضالین
بظا یا بذال یا بزاء و در غیر المغضوب بجاء ضاد ظا خواند نمازش
تباه شود یانی جواب نی چون بکوشش زبانش راست نشود کذا فی
السراجیة و التجنیس سوال اکر بجاء او حی لها احولها بخواند مفسد
صلوة باشد یانی جواب باشد کذا فی الذخیرة سوال اکر کلیمه بجاء
کلیمه دیکر خواند بدان کفر لازم میشود اکر اعتقاد بدان معنی باشد
چون بغیر قصد کند خواند چنانچه قوله تعالی و عدا علینا
انا کنا فاعلین غافلین خواند و بجاء کلبهم رابعهم کلبهم رهم
خواند و بجاء الرحمن علی العرش استوی الشیطان خواند نمازش
تباه شود یانی جواب شود و اشارت فتوی هم بهمین است
و در خلاصه نین اورده است سوال اکر کسی بجاء الکریم الحکیم
خواند قوله تعالی ذق انک انت العزیز الکریم نمازش فاسد شود
یانی جواب نی بر روایتی یفتی علیه فصل سیوم در بیان
رکوع الرکوع هی المیلان عن الاستواء قال الله تعالی وارکعوا مع الراکعین
یعنی رکوع چیست رکوع کردن سوی میل زمین از قیام من

اصول الشافي ودر فتاوی مسعودی آورده است که اگر در رکوع
فرود تکبیر چنانچه میش گیاه خورد وبلند بر ندارد چنانکه شتر
درخت شاخی خورد بلکه برابر دارد در رسول صلی الله علیه وسلم
پشت بامر چنان برابر داشتی اگر قدح بر پشت مبارک بنهادندی
نغلطیدی سوال مصلی چون از قیام در رکوع رود ایستاده
تکبیر گویان در رکوع رود ویا تکبیر گوید بعده در رکوع رود جوا
تکبیر گوید بعده در رکوع رود وبروایتی تکبیر گویان در رکوع
رود کذا فی الخلاصة سوال اگر انگشتان دست در حالت رکوع چون
بر زانو نهد کشاده نهد یا ضم کند جواب کشاده کند کذا فی الخلاصة
سوال طریق مسنون در رکوع کدام است جواب مرد پشت هموار کند
وسر مقابل سرینها بکند وبرابر دارد نه بلند ونه نگون وزن
شتکاه بیرون بنهد وبسیار خم نکند در حالت رفتن در رکوع
ودر حالت برداشتن سر از رکوع دستها بر ندارد نزدیک علماء ما
رحمهم الله ونزدیک شافعی رحمة الله علیه در این هر دو
محل دستها بردارد کذا فی الکنز سوال مصلی اگر تسبیح رکوع
کند

کند چنانکه با ایستادن نزدیکتر باشد از حالت رکوع روا باشد
یا نی جواب نی کذا فی السراجیة سوال سبحان ربی العظیم چند بار
بگوید جواب چون امام باشد اولی آنست که اندک عدد که مسنون است
در تسبیح رکوع ویا سجود هما بگوید یعنی سه کرة ومنفرد پنج کرة
ویا هفت کرة ویا ده کرة بگوید کذا فی الطحاوی سوال مصلی چون
سر از رکوع بردارد کدام ذکر بگوید جواب امام سمع الله لمن حمده
گوید ومقتدی ربنا لک الحمد بگوید ومنفرد جمع کند میان هر دو
ذکر کذا فی الهدایة سوال منفرد را هر دو ذکر در حالت برداشتن
سر چگونه گفتن ممکن باشد جواب سمع الله لمن حمده در حالت
رفع سر گوید وربنا لک الحمد در حالت قومه گوید کذا فی القنیة
سوال سمع الله لمن حمده بجزم ها بگوید یا حمده بضم ها بگوید جوا
بجزم ها بگوید کذا فی الطحاوی سوال در حالت برداشتن سر مصلی
اگر سمع الله نگفته باشد چون راست ایستاده شود بگوید یا نی
جواب نی کذا فی القنیة سوال اگر مصلی در رکوع آرام نگیرد نمازش
تباه شود مطلقا یا جایز بانقصان باشد یا نی جواب بر قول امام اعظم

بلغ

و امام محمد رضی الله علیهم مطلقا تباه شود و بر قول صاحبیه جائز با نقصان
باشد کذا فی مجمع البحرین سوال دست بر زانو داشتن در رکوع و بعد
رکوع سبك استادن سنت است یا واجب جواب سنت است کذا فی
المقدم الکیدانیة سوال اگر در حالت رکوع بقصد انکه قراءة زیادة کند
سر بر داشت و قراءة زیادة کرد بعده اگر رکوع بجا نیاورد بهم
باول بسنده کند روا باشد یانی جواب نی کذا فی القنیة فصل چهارم
در بیان سجود سوال سجده کردن بمجرد پیشانی نهادن بر زمین
فرضست یا بر بینی نیز جواب ببینی نیز کذا فی القنیة سوال اگر در حالت
سجده هر دو قدم از زمین بر دارد روا باشد یانی جواب نی کذا فی
المحیط سوال اگر هر دو دست یا هر دو زانو بر زمین ننهد سجده معتبر
باشد یانی جواب باشد وعلیه الفتوی کذا فی الخلاصة سوال مصلی
چون از رکوع در سجده رود اول زانو بعد ان هر دو دست پس
ازان روی کذا فی الکنز سوال طریق مسنون در سجده کدام است
در حق مرد و زن جواب مرد بغلها کشاده دارد و شکم از رانها
دور دارد و سر را میان هر دو دست دارد و زن نیز چنین کند

و بقول امام ابو یوسف رحمه الله مطلقا تباه شود

اول کدام عضو بر زمین نهادن سنت است جواب

ولیکن

سوال

ولیکن بغلها کشاده نکند و شکم بر رانها بچسپاند کذا فی مجمع البحرین
سوال مصلی را اگر در حالت سجود محل دو دست یا محل دو زانو
متنجس باشد نمازش تباه شود یانی جواب نی کذا فی الکنز
سوال بر برف سجده کردن درست باشد یانی جواب باشد چون سرش
بران قرار گرفته باشد و اگر نرم باشد نی کذا فی التجنیس سوال
گاه که در مسجد ستری اندازند اگر بسیار باشد و سبب ان
سختی زمین بر پیشانی نرسد نمازش جائز باشد یانی جواب
نی کذا فی الکبری سوال در محل سجده اگر غله باشد و بران سجده
کند روا باشد یانی جواب اگر بر گندم و جو و نخود کند درست باشد
و اگر بر غله دیگر کند که پیشانی بدان قرار نگیرد چنانچه گال و ارزن
و نحوه روا نباشد کذا فی السراجیة و غیره سوال اگر در مسجد
هجوم جماعت باشد بدان سبب بر پشت آدمی پیشانی نهد سجده
جائز باشد یانی جواب باشد اگر سجده بر پشت کسی کند که او نیز
در نماز باشد کذا فی الکبری سوال اگر اصلا جای سجده نباشد
بر ران و بر زانو خود بکند یانی جواب بکند چون علم بالیقین

باشد كذا في المضمرات سوال چون امام سر از سجده بردارد ومقتدي
تسبيح سجده هنوز سه كره نگفته باشد موافقت امام كند ويا سه
كرة تمام كند جواب موافقت امام كند وهو الصحيح كذا في الكبري
سوال اگر سر از سجده مقتدي بردارد كه بسجده نزديكتر
باشد از نشستن روا باشد ياني جواب ني وهو الاصح كذا في الهداية
سوال اگر سجده انتقال درنگ نكند كه يكبار سبحان ربي الاعلى
گفته شود نماز روا باشد ياني جواب بر قول امام اعظم ومحمد
رحمهما الله روا باشد با نقصان وبر قول ابي يوسف وشافعي
تباه شود كذا في المضمرات سوال جلسه ميان دو سجده سنت است
يا واجب جواب سنت است نزديك امام اعظم ومحمد رحمهما الله
سوال اگر در ركوع يا در سجود بغير قصد در خواب رفت
چون بيدار شود سجده باز گرداند ياني جواب ني سوال در صورتي
كه اندك خوب بود كه در سجده رفت سجده مذكور محسوب باشد
ياني جواب ني المسلتات في التجنيس المزيد سوال سجده دوم نيز فرض است
يا واجب جواب فرضست كذا في التحفة سوال چون از قيام در سجده

رود

رود اول دست بر زمين نهد يا زانو جواب اول زانو بعد دست
بعده پيشاني مگر بعذر ضعف سوال چون سر از دوم سجده بردارد
اول زانو از زمين بردارد يا دست جواب اول دست بردارد
بعده زانو بردارد مگر بعذر ضعف كذا في المحيط فصل پنجم در
بيان قعده سوال قعده اولي در فريضه كه آن سه ركعت است
ويا چهار ركعت سنت است يا واجب جواب واجبست هو الاصح
كذا في الظهيرية سوال قعده اخيره فرضست يا واجب جواب فرض است
كذا في الكافي سوال در قعده دست بر زانو دارد يا بر ران جواب
بر ران هو الاصح كذا في الذخيرة سوال در حاله كه باشهد ان لا اله الا الله
برسد انگشت شهادة دست راست كند ياني جواب ني عليه
الفتوى في الكبري سوال التحيات خواندن در هر دو قعده
واجبست يا سنت جواب واجب كذا في المضمرات سوال بعد خواندن
تشهد صلوة واجبست يا سنت جواب سنت كذا في المضمرات سوال
صلوة در آخر نماز چگونه خوانند بيان فرمايند جواب بگويد اللهم
صل علي محمد وعلي آل محمد كما صليت وسلمت وباركت ورحمت

وترحمت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم انك حمید مجید بغیر
اقاویل پیغمبر الله كذا في الذخیرة سوال وارحم محمدا گفتن نیز شاید
یا نی جواب مکروهست بروایت محمد بن عبد الله كذا في المضاع
سوال در قعده بعد صلوة دعا خواندن سنت است یا هر دعایی
که کند رواست مطلقا یا دعایی مخصوص جواب دعا که الفاظ قرآن
باشد یعنی در دعا چیزی خواهد که از مخلوقات نتوان خواست
چنانچه اللهم زوجنی فلانة وچنانچه اللهم ارزقنی مالا
عظیما فاقض دینا اولی است که دعا از پیغامبر مرویست خواند
چنانچه رب اجعلنی مقیم الصلوة الی آخره وچنانچه اللهم انی
اعوذ بك من عذاب جهنم وعذاب القبر ومن الفتنة المحیات
والممات ومن شر المسیح الدجال كذا في الطحاوی سوال اگر دعا
مشابه کلام مخلوق خواند چنانچه اللهم البسنی ثوبا اللهم ارزقنی
خبزا ونحو ذلك خواند نماز تباه شود یا نی جواب اگر در اثنا
نماز خواندن چنانچه مسبوق پس امام بموافقه میخواند نماز
تباه شود واگر آخر نماز بعد تشهد خواند از حرمت نماز

بیرون

بیرون آید كذا في الینابیع سوال مسبوق در آخر نماز بموافقه امام
صلوة ودعا نیز خواند یا مجرد التحیات تا عبده ورسوله خواند
جواب بروایت تشهد تکرار کند تا فارغ شدن امام وكذا في جامع
الصغیر ذکر کرده است که صحیح همانست که متابعت امام کند
در خواندن صلوة ودعا مشابه قرآن كذا في المضمرات فصل ششم
در بیان بیرون آمدن از نماز سوال بیرون آمدن از نماز فرض است
یا بنشستن مقدار تشهد نماز تمام شود جواب بیرون آمدن
از نماز فرض است سوال بیرون آمدن از نماز مخصوص
بسلام است یا بچیزی دیگر نیز جواب بغیر سلام نیز هر قولی و فعلی
که منافی صلوة باشد سوال لفظ سلام واجبست یا سنت جواب سنت
سوال اگر خنده قهقهه کند در آخر نماز از نماز بیرون آید یا نی جواب
اگر عمدا کند بیرون آید واگر بغیر عمد کند ناقض وضو و فساد
صلوة باشد كذا في الشافی سوال سلام مسنون بکدام عبارت است
جواب بقول امام اعظم رضی الله عنه السلام علیکم ورحمة الله وبقول
شافعی رحمة الله علیه سلام علیکم ورحمة الله كذا في المصفی سوال

بفعل مصلی

در آخر سلام وبرکاته زیادة کردن شرعا آمده است یا نی جواب نی کذا في
المحیط ولا یقول في هذا السلام في آخره وبرکاته عندنا سوال سلام هر دو بانک
باواز بلند یکسان کوید یا نی جواب سوی چپ چنان بلند نکند
چنانچه بسوی راست کذا في التجنیس باب بیست یکم در بیان اذان
سوال موذن در مسجدی بانکنماز اغاز کرد وشخص میرفت
همان جا استاده بماند یا اجابت کنان برود جواب اولی انست
که همان جا استاده بماند بهر اجابت سوال شخص در میان علم فقه
یا علم اصول مشغول است موذن بانکنماز اغاز کرد پس همه این مباحثه
باشد ویا اجابت کند جواب اجابت کند اگر در ان مسجد نماز
میکذارد کذا في الکافي سوال چون بتلاوت مشغول است اجابت
کند یا همدران تلاوت باشد جواب اجابت کند مکر انکه ما در مسجد
باشد که در ان مسجد نماز میکذارد کذا في القنیة سوال چون موذنان
بچند مسجد بانکنماز بکویند شنوند هر یک را اجابت کند یا یکی را
جواب یکی را کذا في القنیة سوال موذن در حال اذان کلام طریق باستد جواب مستقبل قبله
است مکر بکفتن حی علی الصلوة روی راست بکرداند وحی علی الفلاح بکفتن م
بچپا

بچپا وپایها مستقبل قبله برقرار دارد مکر انکه بر مناره باشد ان
در چهار استا وچپا روی بیرون کشد با ثبوت پای چون
میسر نباید بکرداند کذا في الهدایة سوال کسی که تنها فرض بکذارد
او نیز باذان واقامت مامور است یا نی جواب مامور است کذا في
مجمع البحرین سوال زنان که نماز درخانه میکذارد ایشان را بانکنماز
واقامت کفتن مستحب است یا نی جواب نی کذا في الکبیری سوال چون کسی
نمازها فائته قضا کذارد برای هر یکی بانکنماز واقامت بکوید یا تنها
جمله یکی جواب چون در یک مجلس بکذارد برای اولی بانکنماز
واقامت بکوید وبرای باقی اقامت بکوید وبانکنماز کفتن مخیر است
واکر در چند مجلس بکذارد برای هر یکی بانکنماز واقامت هر دو
بکوید کذا في مجمع البحرین سوال چند نفر از جماعت در مسجد
در امدند بانک واقامت کفتند بجماعت نماز بکذارد بعده
موذن وامام وباقی جماعت امدند بعده ایشان نیز بانکنماز
واقامت کفتند ونماز بجماعت کذاردند مکروه اولی باشد
یا دوم جواب اول مکروه باشد کذا في الملتقط سوال در صورتی

که موذن بانکنماز و اقامت کفت و امام با تمام یا ببعض جماعت
نماز ادا کرده اند بعده بعضی دیکر در مسجد حاضر شدند ایشان
نماز باذان و اقامت مکروه باشد یا نی جواب باشد مکر انکه
مسجد را جماعت معین نباشد چنانچه مساجد سر بازار
و کوچه و سر آب کذا فی التهذیب سوال فرق درمیان بانکنماز
و اقامت کدام است جواب قد قامت الصلوة در اقامت
زیادة کردن مستحب است کذا فی الکبیری سوال اکر کسی برعکس
این صورت بکوید یعنی کلمات اذان متصل و کلمات اقامت
فصل کند روا باشد یا نی جواب باشد کذا فی الکافی سوال پیش از وقت
بانکنماز کفتن هر نماز شاید یا نی جواب نی مکر انکه بقول ابی یوسف
و شافعی رحمهما الله اکر پیش از صبح بانکنماز کوید برای نماز
فجر درست باشد کذا فی مجمع البحرین سوال میان بانکنماز و اقامت
چه مقدار درنک کند جواب در فجر بعد بانکنماز مقدار درنک کند که در
دو رکعت کذارده شود بعده چهل آیت توان خواند چنانچه در هر رکعتی
بیست کاه آیت خوانده شود و در ظهر بعد از ان چهار رکعت

ركعت

رکعت کذاردن ممکن باشد در هر رکعتی ده کاه آیت خوانده شود
و همچنین در عشا و در میان اذان عصر مقدار درنک کند
که دو رکعت نماز کذاردن توان و در هر رکعتی ده کاه آیت خوانده
شود و یا چهار رکعت در هر رکعتی پنجکانه آیه خواند و در اذان
مغرب درنک نکند کذا فی التجنیس المزید سوال امام و جماعت
همه مر اغاز اقامت استاده شود یا در اثنا آن جواب چون حی
علی الفلاح اغاز کند کذا فی الطحاوی سوال تکبیر اولی بعد فراغ
اقامت کویند یا پیش از فراغ جواب چون قد قامت الصلوة
بکوید و بر قول ابی یوسف رحمة الله علیه بعد از فراغ
کذا فی المضمرات باب بیست دوم در بیان احکام مسجد سوال
مردی در مسجد بود که موذن بانکنماز کفت او نماز ناکرده از
مسجد بیرون امدن مکروه باشد یا نی جواب مکروه باشد مکر انکه
امام یا موذن مسجدی دیکر باشد کذا فی التجنیس سوال در محله
محلی دو مسجد اند برای حاضر شدن نماز کدام اولی تر است
جواب انکه عمارت او قدیم باشد سوال اکر عمارت هر دو قدیم

باشد کدام اولی تر باشد جواب آنکه نزدیک تر باشد از منزل خود
سوال اکر هر دو بیک مقدار برابر باشند بعد بکدام بکذارد
جواب مخیر است سوال اکر در یکی جماعت بیشتر جمع شود همان اولی
تر باشد یا نی جواب باشد اکر غیر فقیه باشد واکر فقیه است
کسبب او جماعت بسیار شود باید که در ان حاضر شود
که جماعت اندک باشد سوال اکر در مسجد جوار هیچ جماعت
نشود شاید که در مسجد دیکری رود که دورتر است یا نی
جواب نی بلک یکنفر باشد هم اولی آنست که بانک نماز بکوید وتنها
بکذارد کذا فی الکبری سوال دو کانه تحیت المسجد واجب است
یا سنت جواب سنت است نزدیک علماء ما وواجبست نزدیک
امام شافعی رحمة الله علیه سوال تحیت المسجد هر بار که در
مسجد درآید سنت است یا در روزی یکبار بسنده بود جواب
در روزی یکبار بسنده بود سوال چون مسلم در مسجد درآید
بمجرد درآمدن تحیت المسجد بکذارد یا بنشیند بعده بکذارد
جواب مجرد درآمدن تحیت المسجد بکذارد لا انکاه بنشیند

وعمل

وعمل عامه علماء برسنیت کذا فی الظهیریه سوال شخصی در مسجد درآمد
پیش از آنکه بیرون آید فریضه وقتیه ادا کرد تحیة وضو ازو
ساقط کردد یا نی جواب کردد سوال اکر ناکذارده بیرون آید بار
درآید وقتیه فرض بکذارد نیز آن ساقط باشد یا نی جواب
نی کذا فی کلها فی الحضر سوال بر بام مسجد که سبب کرما تراویح
میکذارد مستحسن است یا نی جواب نی بلک تراویح بر وی بیتی مکروه
نیز کفته اند کذا فی القنیه وهو الصحیح باب بیست سیوم
در بیان واجبات وسنن ومستحبات ومفسدات ومکروهات
سوال جمله واجبات نماز چند است جواب بیست یک است از آن
هفت عام است چنانچه لفظ تکبیر تحریمه وقعده اولی وتشهد
خواندن در هر دو قعده وآرام کرفتن در رکوع وسجود وکل
فعلی که فرضست در مقام خود بجا آوردن وهر واجبی در محل
خود بجا آوردن وبیرون آمدن بلفظ سلام وچهارده
خاص است تعین کردن در دو رکعت اولی برای قرائت وتعین
فاتحه در هر دو رکعت اولی واقتصار کردن بیکبار وضم

کردن سورة باشد آیت کوتاه یا یک آیة مبن رکعبا فاتحه خواند
وقنوت خواندن در وتر و باواز بلند خواندن در حق امام
در فجر و مغرب و عشاء و مخفی خواندن در ظهر و عصر و خاموش
بودن مقتدی در حال خواندن امام و متابعت امام کردن
هر حالی که برسد و سجده تلاوة بر امام و منفرد و تکبیرات
عیدین و تکبیرات رکوع نماز عیدین و سجده سهو بر امام
و منفرد بترک واجب و ضم سورت با فاتحه در جمله رکعت نفل
رباعیه واجبست کذا فی الکنز **فصل** فی السنن **سوال** جمله سنت
در نماز چند است **جواب** بیست هفت است ازان هفده عام است
که در جمله نمازها و جمله نمازکنندگان را یافته شود چنانچه
دست برداشتن در تکبیر تحریمه و در قنوت و در تکبیرات عیدین
وانگشتان کشاده کردن در حالت برداشتن دست و ثنا
خواندن بعد تکبیر اول و تکبیرات غیر تحریمه و تسبیح رکوع
و سجود سه کرة گفتن و سبک استادن بعد رکوع و جلسه
میان دو سجده و سجده بر هفت اندام کردن و در سجود بر

پیغامبر صلی الله علیه وسلم بعد تشهد فرستادن و دعا برای
خود و برای مادر و پدر خود و جمیع مسلمانان کردن و بعده
سلام گفتن هر دو جانب و خاص ده عدد است مر امام را تکبیرات بلند
گفتن و مقتدی برابر امام تکبیر گفتن و متابعت امام کردن در نماز
جمعها افعال او و اعوذ بالله گفتن امام بعد از ثنا و آواز پست
اختیار کردن برای تعوذ و بسم الله گفتن بعده او آواز پست کردن
دران نیز و سرا آمین گفتن و سمع الله لمن حمده گفتن در حق
امام و ربنا لک الحمد گفتن در حق مقتدی و هر دو لفظ گفتن
در حق منفرد و پای چپ گستردن برای نشستن بر آن و قدم
راست استاده کردن مردان را و زنان را هر دو سرین بر زمین
داشتن و هر دو قدم جانب راست بیرون آوردن کذا فی
الکافی **باب بیست و چهارم** فی المستحبات **سوال** جمله چیزها
که در نماز مستحب است چند است **جواب** بیست سه است **فصل**
چهارده هم ازان عام است زیادة کردن قرائت بر سه آیة وخلل
بر ترتیب یعنی حرفاً حرفاً و سر را با پشت برابر کردن در رکوع

وداشتن زانوا بر زمین پش از دست ودست پش از بینی وبینی
پش از پیشانی وچوب بردارد ازآنچ پش بر زمین داشته باشد
اثر ابس دارد وسر میان دو دست داشتن در حال سجده
وسر انکشتان دست وپای مستقبل قبله داشتن ومقدار
چهار انکشتان وجه کذاشتن میان هر دو قدم در حال قیام
ودور داشتن شکم را از ران وبغلها کشاده کردن وستره
پش نصب کردن در محلی که بداند که کسی پش خواهد کذشت
وچشمها باز داشتن ودهن وقت فاژه بستن ویا پوشیده
ونظر بر محل سجده کماشتن وسرفه دفع کردن بقدر امکان
وبا خشوع استادن وخواندن سورة وایات بترتیب منصوص
وخاصه عدد است برداشتن دست تا کوش مردانرا بخلاف
دست برداشتن مردانرا سنت است وبرابر کتف زنانرا ودست
بستن زیر ناف مردانرا وبر سینه زنانرا وکف دست از
استینها بیرون کشیدن نزدیک تحریمه مردانرا ودرون
داشتن زنانرا وقرات زیادة کردن تا قدر مسنون امامرا

درحضر حضرح در وقت وسیع وتسبیحات رکوع وسجود ومنفردرا
زیاده بر سه کرة کفتن وبغلها کشاده کردن وشکم از ران
دور کردن مردانرا در حال سجده وبر عکس ان مر زنانرا وفاتحه
در اخرین ودر اخر رکعت مغرب خواندن مر مفترض را در دو
این مشهور است وبسم الله خواندن پش از فاتحه در هر رکعتی
مر کسی را که فاتحه ویرا باید خواند ومنتظر بودن فراغ امام
مر مسبوق را کذا فی الکیدانیة والکافی وغیره باب پستپنجم
فی مفسدات نماز سوال اکر کسی سبب درد یا مصیبت یا عشق
باواز بلند در نماز بکرید یا تنحنح چنان کند که دو حرف ظاهر
کردد چون اخ یا اُخ یا در مصحف نظر کند بخواند یا دعا مثال
کلام دنیا باشد چنانچه اللهم زوجنی زوجة جمیلة ویا اللهم
البسنی ثوبا ونحو ذلک یا عطسه زننده را جواب یرحمک الله ربک
کوید غیر امام خود در وقت بستن قران بکشاید یا سلام
بیارد یا رد سلام کوید یا در جواب کسی که بپرسد بکوید
اوهست خدای دیکری بکوید لا اله الا الله محمد رسول الله

یا چیزی در دهن کند بخورد اگرچه اندک باشد یا قدری
آب بخورد نماز وی تباه شود یا بی جواب تباه شود کذا فی
المضمرات والسراجیة **باب بیست ششم** در بیان مکروهات
نماز **سوال** در نماز تکبیر مکرر گفتن و آیات و یا تسبیحات بانگشتان
دست شمردن و دست بر تهیگاه داشتن و تنحنح بغیر عذر کردن
و دست بجامه و یا بتن زدن چنانکه بازی وا نماید و سنگریزها
از محل سجده دور کردن بوجود آنکه سجده و برا ممکن باشد
یا از بهر سجده چند کرة جنبانیدن و انگشتان دست و پای
جنبانیدن یا کشیدن که آواز آید و نگریستن چپ و راست
چنانکه روی بقبله نماند و نشستن بر هر دو سرین بلستاده کردن
هر دو زانو و در حال سجده هر دو دست تا آرنج بر زمین
نهادن و مربع نشستن بغیر عذر و موی سر در میان سر گره
بستن و بروایتی در قفا بستن و یا جامه از پیش یا از پس
در حال سجده برداشتن و جامه که بر سر یا بر کتفها باشد
و دامنهای آن هر دو آویزان گذاشتن فارغه آوردن و چشم

پوشیدن

بزرگتر از مکس غیر سر بریده و مقابل آتش

پوشیدن و امام را در محراب تنها استادن و یا امام تنها بر دکان
استادن یا فرود استادن و جماعت بر دکان و پوشیدن مطلق
جامه که در آن صورت آدمی باشد یا صورت ذی روح باشد
و نماز در محلی گذاردن که بر سر او یا مقابله او و یا برابر او صورت
ذی روح باشد بزرگتر از مکس غیر سر بریده و مقابله آتش
افروخته گذاردن و در نماز در آمدن با وجود تقاضا بول و غایط
و تعجیل در قرائت و خوی انداختن و خشبویی بوی کردن
و کم از سه کرة بجامه و غیره باد کردن و سورة برای نماز معین
کردن و متهم بادرم و نحوه در دهن داشتن چون خواندن
مینواند و طعامی که کمتر از دانه نخود و بروایتی مقدار نخود
نیز که در میان دندانها مانده باشد اندرا فرو بردن و ترک
آوردن سنتی را و قراءة در رکوع تمام کردن و تسبیح رکوع تمام
و تسبیح رکوع و سجود سیوم کرة در حال سر برداشتن گفتن
و خاکی که بر پیشانی در حال سجده رسیده باشد پیش از فراغ
آنرا دور کردن و سر در رکوع از پشت بلند تر یا نشیب

تر کرده و شکم بار ها جفشانیدن مردانرا و امام را بعد خوانده
قدر مستحب قراءت دراز کردن و تکرار کردن آیتی در فرایض
بغیر عذر و امام در ظهر و عصر آیة سجده خواندن و در نوافل
روز بلند خواندن و استینها جانب آرنج پیچیده نماز گزاردن
و جانب آسمان نگریستن این جمله مکروه باشد یا نی جواب
باشد کذا فی المحیط والذخیرة سوال کشتن مار و کژدم کر پیش
مصلی بگذرد بزخمها بسیار مکروه باشد یا نی جواب اگر خوف گزیدن
باشد مکروه نی والا باشد کذا فی الجامع الصغیرة الخانی سوال
اگر پیش نماز گذارنده کسی نشسته باشد و یا کسی دیگر سخن کند
نماز او مکروه باشد یا نی جواب باشد چون روی او سوی
نماز گذارنده باشد و اگر پشت سوی او باشد آن نماز مکروه
نباشد مگر آنکه باواز بلند سخن گوید که در خواندن او را
خلل افتد کذا فی شرح الکنز سوال اگر پیش مصلی تیغ آویخته یا مصحف
و یا شمع یا چراغ افروخته باشد نماز مکروه باشد یا نی جواب
نی سوال اگر نماز بر بساطی بگزارده که در آن صورتها باشد

مکروه

مکروه باشد یا نی جواب نی چون سجده بر آن نکند کذا فی الکنز و
الکافی باب بست هفتم در بیان قضاء الفوایت سوال ترتیب
میان وقتیه و فایته بچند چیز ساقط گردد جواب سه چیز یکی
بفراموشی دوم تنگی وقت و سیوم آنکه نمازها فایته چون از
پنج زیاده شود کذا فی السراجیة سوال ترتیب چون بفراموشی
ساقط شد پس وقتیه را مقدم ادا کرد اگر قضا هنوز
نگزارده باشد تا آنکه وقتیه دیگر در آید باز ترتیب نگاهداشتن
واجب آید یا نی جواب نی بحکم روایت قنیة سوال مردی یاد
میکرد که نماز فجر فوت شد مع ذلک پنج وقت نمازها وقتیه
بگذارد هر پنج نماز وی فاسد شود یا نی جواب شود سوال
اگر ششم نیز بگذارد باز هر شش صحیح گردد یا نی جواب گردد
سوال ترتیبها که ساقط گردد بلدر آمدن وقت ششم یا بگذاردن
نماز ششم یا بیرون آمدن وقت آن جواب بیرون آمدن
وقت آن کذا فی المضمرات سوال مردی را چهار یا پنج فریضه فوت
شده نماز وقتیه میگزارد که اگر بعضی فوایت فوت شوند

اکنون وقتیه را چگونه بگزارد جواب فوائت میگزارد تا آنکه وقت را
عرض بیند چون بداند که وقت ضیق شد وقتیه بگذارد و بر فوائت
وقتیه مقدم دارد کذا فی القنیة سوال چون نمازها فائتة بسیار
باشد و بدان سبب ترتیب ساقط گردد و آنرا قضا بگزارد تا آنکه
پنج وقت نماز یا کمتر از پنج وقت باقی ماند باز ترتیب عود
کند یا نی جواب نی بروایت اصح کذا فی الذخیرة سوال مردی را فوائت
قدیم بسیار است درین وقت یک نماز او را فوت شد آن
جدیده نماز نیز در حق سقوط ترتیب داخل آن فوائت قدیم
گردد یا نی این فائتة جدیده بر وقتیه مقدم داشتن واجب آید یا نی
جواب جدیده بر وقتیه مقدم داشتن واجب باشد کذا فی التجنیس
سوال اگر کسی را وتر فوت شده باشد و آنرا یاد میکرد مع هذا فجر را
ادا میکند فجر وی فاسد باشد یا نی جواب باشد اگر وقت تنگ
نباشد کذا فی الکبیری والکافی سوال اگر فجر فوت شده باشد
در حال خطبه یا در حالی که امام در نماز جمعه باشد یاد دارد بگزارد
یا تاخیر بکند جواب بگذارد کذا فی القنیة سوال مردی را نمازها بسیار فوت

شد

شده باشد تحقیق نداند که چند است از قضاء هر دو روز میگزارد
بعد چندی روز گمان آن باشد که شاید جمله فوائت قضا کرده
باشم بعده باز اگر نیة قضا بگذارد در آخر یک دو رکعة
با فاتحه سورة نیز خواندن بهتر باشد یا مجرد فاتحه جواب سورة
نیز کذا فی فتاوی الحجة سوال مردی نمازها ایام عمر قضا میگزارد
برای احتیاط اگرچه هیچ نماز وی فوت نشده باشد چنین گزاردن
وی را جایز باشد یا نی جواب باشد مگر بعد نماز فجر و عصر کذا فی
العتابیة باب بیست هشتم در بیان صلوة الخوف سوال ترتیب نماز
خوف بیان فرمایند جواب اگر مسافر باشند امام بعضی را مقابله دشمن
بدارد و با بعضی یک رکعة نماز بگذارد بعد سجده ثانیه این طائفه
برود در مقابله دشمن باستد و هیچ سخن نگوید و کاری زیادتی
نکند و این طائفه بیایند با امام مدرک را اقتدا کنند باقی نماز
امام با ایشان بگزارد ایشان باز گردند امام مدرک سلام تنها
گویند آنگاه طائفه اول بیایند نماز تمام کنند فاما بغیر قرائة
از آنکه لاحق اند و بعد امام ایشان نیز باز گردند مقابله

دشمن اشند وطایفه مسبوق اند واکر نماز مغرب است امام با طایفه
اول دو رکعت نماز بکذارد و با دوم یک رکعت واکر مقیم اند امام در نماز
رباعیه دو کان رکعت با هر طایفه بکذارد کذا فی الوقایه سوال بعد
از شروع اکر سوار شده باز کردند کارزار بکنند نماز تمام شود
یا نی جواب شود کذا فی الطحاوی سوال در صورتی که دشمن عیان
نبینند بدیدن غبار یا کرد قتال چنین بکذارند بعده معلوم شود
که دشمن نبود نماز باز کردانند یا نی جواب باز کرداند کذا فی
التحفه سوال چون در وقت نماز خوف دشمن یا دده چنانچه
سخت باشد اکر بعضی از لشکری برای نماز باز کردند حرکت نکنند
شاید که سوار شده باشد باشارة تنها کاه هر جهتی که توجه
کرده باشند بکذارند یا نی جواب شاید که بکذارند کذا فی مجمع البحرین
باب بیست هم فی الجنازة عند الموت سوال چون رحمتی بموت
نزدیک شود چه طریق وی را بخوابانند جواب مختار آنست
که دستان مستقبل قبله کنند سوال تلقین کلمه شهادة بکدام طریق
باید کفت جواب نزدیک وی باید کفت تا شاید که او هم بشنود

بسوی قبله باشند و نماز تمام کنند اکر ایشان را نیز قراءة خوانند از انکه

دبکوید

ودبکوید کذا فی السراجیة سوال تلقین مخصوص در دین محلست
کذا فی مجمع البحرین سوال تلقین سنت است یا واجب جواب واجب
کذا فی الحاشیة الکنز التلقین واجب علی اخوانه وخلانه
سوال چون وفات یابد چه باید کرد جواب دهن باز او ببندند
وچشم واسع او بپوشند کذا فی الکنز سوال چون خواهند که
میت را غسل دهند چه طریق باید داد جواب بر تخته نهند
که مجمر بعود سه بار یا پنج بار یا هفت بار کردانیده باشند
وعورت غلیظ او بپوشند وبروایتی از زیر ناف تا زیر زانو
بپوشند وجامها دیگر از وی دور کنند و وضو بدهند بغیر مضمضه
واستنشاق وابی بر وی بریزند که در ان برک کنار یا اشنان
جوشانیده باشند یا مجرد اب کرم وسر وریش او را بخطمی
بشویند وبر پهلو چپ وی را بخسبانند وپهلوی راست واعضا
دیکر او را بشویند تا چیزی که متصل بتخته است انکاه بر پهلوی
راست بخسبانند همبرین نمط بشویند پس از ان بنشانند و پشت
او را بخود تکیه دهند شکم او را بنرم بمالند واکر چیزی

مخصوص جواب نیز سنت بلکه از اعیان اینجا علت درین

ازو بمالیدن بیرون اید از ان بشویند غسل و وضو او باز نکردانند
وتری اندام وی بجامه خشک کنند و خشبویی مخلوط در سر
وریش او باید زدن وکافور در اعضا که در هنگام سجد
بزمین می نهند بمالند کذا فی الکنز وشرحه سوال سر وریش
میت را شانه کردن وناخن او وموی لب او بریدن شاید
یا نی جواب نی کذا فی الشلبی سوال اگر نصفی تن ادمی یا زیاده با فته
شود غسل ان لازم گردد یا نی اگر زیاده باشد لازم گردد جواب
ودر کمی نی مگر انکه با سر باشد کذا فی السراجیه سوال مر شوهر را
اندام زن خود شستن ومر زن را شوهر خود شستن شاید یا نی
جواب زن را شاید ولیکن شوهر را نی کذا فی السراجیه سوال
فرزندی که از شکم مادر مرده زاده شد حکم غسل وکفن وی ودعا
کذا ردن در حق وی چگونه باشد جواب غسل وکفن می باید داد
ودعا نی کذا فی الکبری سوال زنی وفات یافت ودر شکم او فرزند
زنده می جنبد حکم شریعت در ان چیست جواب شکم او پاره کنند
از طرف چپ وفرزند اورا بیرون ارند کذا فی التجنیس المزید

سوال

[illegible]

سوال اگر خنثی مشکل بمیرد ویرا غسل چه طریق بدهند جواب در
گهواره باید نهاد وبر وی اب بریزند کذا فی الکبری سوال در
سفر اگر زنی میان مردان یا مردی میان زنان بمیرد هیچ یکی از
زنان منکوحه او نباشد طریق غسل چه باشد جواب بر دست
جامه بپیچیده تیمم دهند کذا فی المضمرات باب بیست دوم
در بیان کفن مرده سوال کفن مرده چند پرگاله سنت است
وهر پرگاله یکی چه مقدار مفسران بیان فرمایند جواب سه پرگاله
یکی ازار از سر تا قدم دوم قمیص وان از گردن تا قدم هر دو
طرف دوخته بغیر طرین واستین سیوم لفافه وان بمقدار ازار
سوال ترتیب پوشانیدن بیان فرمایند جواب اول پیراهن
پوشانیدن ولفافه را بگسترانیدن وازار بران بدارند میت
را بران بخسبانند دامن ازار از جانب چپ بر وی پیچند بعد
دامن راست بالا کنند ولفافه بدین ترتیب بپیچند وکفن
دو جای محل به بندند اگر خوف انتشار باشد سوال کفن
زنان چند پرگاله است جواب ازار ولفافه وخمار سوال کفن

کفن ضرورت قدر است هرچه میسر شود نو یا کهنه سوال کفن زنان سنت چند پارچه است مفسران بیان فرمایند جواب پنج پارچه یکی پیراهن چنانچه مردان و دوم ازار و سیوم خمار و چهارم لفافه از سر تا قدم و پنجم پارچه سینه بند سوال کفن زنان کفایت چند پارچه است جواب سه پارچه ازار و لفافه و خمار سوال ترتیب پوشانیدن کفن مر زنان را بیان فرمایند جواب اول پیراهن پوشانند و مویها او را دو گیسوی کنند هر دو طرف اویزان و بالای آن دامن و بالای آن ازار و بالای ازار لفافه بر نمطی که ذکر رفته است پس بندند المسائل فی المضمرات سوال اگر میت ترکه هیچ نگذاشته باشد کفن او بر که لازم آید جواب بر کسی که نفقه او در حالت حیات لازم بود کذا فی الکبری سوال فقیری وفات یافت هیچ وارثی ندارد که او را کفن دهند شخصی در مسجد سوال کرد بهر کفن او آنچه حاصل شود قدری از آن بعد خرید کفن باقی ماند انکس آن باقی چه کند جواب اگر صاحب آن درم بعینه بشناسد برو رد کند و اگر نداند در کفن فقیر دیگر

کرده اندم

آن ازارم

جواب ... کفن ... [illegible]

مثل آن صرف کند و اگر آن چنان کسی نباشد تصدق کند بفقیران و مساکین کذا فی التجنیس المزید سوال کفن لایق کدام است جواب مردان را چنانچه مثل جامه که در روز عید می پوشند و زنان را چنانچه در روز زیارة در خانه پدر و یا خسر و در شادی کار خیر عزیزان رود والله اعلم باب بیست یکم در بیان جنازه سوال بامامة نماز جنازه سزاوارتر که باشد جواب سلطان پس از آن قاضی پس از آن امام حی پس از آن ولی اما بترتیب عصبت کذا فی الشافی سوال اگر سلطان یا قاضی یا امام حی در غیبت ولی نماز جنازه بگذارند بعد ولی حاضر شود باز کرداند یا نی جواب نی کذا فی العتابیه سوال اگر غیر ولی کسی فرود تر از او باشد در ولایت نماز بگذارد بعده ولی حاضر شود نماز جنازه باز کرداند یا نی جواب ولی باز کرداند سوال ولایت نماز مملوک مر مالک را باشد یا پدر را و یا پسر و یرا جواب پدر وی را کذا فی السراجیه سوال بعد گزاردن ولی هیچ کسی را ولایت باز کردانیدن باشد یا نی جواب نی کذا فی الکشف سوال اگر مسلم بغیر نماز دفن کرده شود بر تربت وی نماز بگذارد

تاکدام وقت شاید جواب مادام که تن وی نریزیده باشد والی
بغلبه ظن دانسته شود کذا فی الکافی سوال اگر نماز بر میت پیش
از غسل گذارده شود یا بعد از غسل گذارده شود با کفن پلید
درست باشد یانی جواب نی کذا فی الخزانة والکافی سوال بعد تکبیر
سیوم دعاء معروف کدام است جواب اللهم اغفر لحینا ومیتنا وشاهدنا
وغائبنا وصغیرنا وکبیرنا وذکرنا وانثانا اللهم من احییته منا
فاحیه علی الاسلام ومن توفیته منا فتوفه علی الایمان سوال در صورتی
که میت غیر بالغ یا مجنون باشد در تکبیر ثالث کدام دعاء باید
خواند جواب این دعاء بخواند اللهم اجعله لنا فرطا واجعله
لنا اجرا وذخرا واجعله لنا شافعا ومشفعا کذا فی الکنز سوال
در صورتی که امام پنج تکبیر گوید مقتدی را در آن پنجم متابعت
شاید یانی جواب نی بلکه منتظر ماند تا امام سلام گوید سوال
مسبوق بمجرد رسیدن تکبیر گوید یا منتظر امام باشد تا تکبیر
دیگر بگوید جواب منتظر تکبیر دیگر باشد کذا فی الشافی سوال
کسی که در حال تکبیر اولی حاضر باشد ودر تکبیر اولی با امام

مقارنه

مقارنه نکند او نیز منتظر تکبیر دوم باشد یا عقب اولی بگوید جواب عقب
اولی بگوید کذا فی الهدایة سوال محل استادن بر جنازه مرد و زن کدام است
جواب مقابله سینه بر مرد و زن ومقابله سره عورت را وهو الصحیح
فی الاختیار سوال نماز جنازه گذاردن در مسجد جی شاید یانی
جواب شاید ولیکن مکروه کذا فی مجمع البحرین سوال در صورتی که امام
وبعضی جماعت وجنازه بیرون مسجد باشد وبعضی جماعت
در مسجد باشد درست باشد بی کراهیت یانی جواب باشد
با کراهیة بروایة امام سرخسی کذا فی السراجیة سوال نماز بر
غائب وبر عضو میت بیشتر گزاردن نشاید یانی جواب نی کذا
فی مجمع البحرین سوال کودکی که از شکم مادر زنده بیرون آمد
چنانکه گریه از وی شنیده شود ولیکن فی الحال وفات یافت غسل
وی ونماز بروی لازم گردد یانی جواب گردد کذا فی الکافی سوال کودکی
که از دار حرب اسیر شده بود بعده مرد نماز بروی گذاردن
لازم گردد یانی جواب اگر بغیر مادر و پدر اسیر شود لازم گردد
واگر با یکی از ایشان باشد نی کذا فی الهدایة سوال در محلی که اهل

ممکن نباشد شق کردن شاید یانی جواب اگی نبود سوال در تجنیس
راست نیاید اگر تابوت بکنند شاید یانی جواب اگی نبود ولیکن دران
خاك باید کسترانید وطبق بالین کلاوه باید کرد الروایات فی
السراجیة سوال میت را از طرف قبله در ارند یا از جانب پایان
جواب از جانب قبله در ارند کذا فی الکنز سوال ترتیب چه طریق
بر ارند جواب خرپشت کنند به بلندی چهار انکشت یا یك بلشت
کذا فی الاختیار سوال ترتیب کلاوه کردن در وقت عمارت
محکم کردن باید یانی جواب مکروه است کذا فی الکبری سوال خشت
پخته وچوب لحد بستن شاید یانی جواب مکروه است کذا فی مجمع
البحرین سوال میت را از کور بیرون اوردن شاید یانی جواب نی
مکر انکه زمین مغصوب باشد وخصم بجز بیرون اوردن راضی
نشود کذا فی السراجیة وشرح سوال اکر میت بر پهلوی
چپ افتاده باشد یا روی او سمت قبله نباشد بعد که کسی
یاد دهد که روی بطرف قبله نیست پس لحد باز کردن ومیت را
از ان طرف مستقبل قبله کردن شاید یانی جواب نی مکر انکه پیش از
انداختن خاك کذا فی السراجیة سوال زنی را فرزند نقل کرد

وانرا در شهری دیکر دفن کردن وبعد از دفن کردن مادر زن بی
بقرار وبی آرام شد ومیخواهد که از ان جاه بکشند ودر مقام خود
بیارند روا باشد کشیدن میت را وانتقال ان یانی جواب نی کذا
فی التجنیس سوال میت را مقدار دو فرسنك بردن شاید یانی
جواب شاید کذا فی المضمرات سوال نشستن اقارب میت از بهر مصیبت
سه روز جائز هست یانی جواب هست مر والنرا کذا فی الکبری
سوال بعد از وفات سه روز طعام بتکلیف ساختن بطریق
مهمانی مباحست یانی جواب هست کذا فی التجنیس المزید سوال اهل
مصیبت را نشستن بر در خانه میت وملاقی میت نزدیك جنازه
بمبالغه کردن شاید یانی جواب مکروهست کذا فی التجنیس باب بیست ودوم
در بیان صلوة الکعبة سوال نماز کذاردن درون کعبه درست هست
یانی جواب هست سوال کسی که پشت او سوی پشت امام یا سوی
روی امام باشد نماز او درست باشد یانی جواب از ان اول
درست باشد واز ان دوم نی سوال اکر جماعت کرد کعبه حلقه کنند
وبعضی بدیوار کعبه نزدیکتر باشند از امام نماز ایشان جائز

[illegible]

باشد یانی جواب باشد اکر جانب امام نباشد المسایل فی الکنز کتاب الزکوة
سوال زکوة مال و مویشی بر دیوانه و کودک و بنده لازم کردد یانی جواب
نی کذا فی الکافی سوال کسی که مالک نصاب است و دین در ذمه او
این است مقدار است که بعد ادای ان مقدار نصاب باقی نمی ماند زکوة
برو واجب کردد یانی جواب نی کذا فی الهدایة سوال بر صاحب نصاب
پیش از کذشتن یکسال زکوة لازم کردد یانی جواب نی سوال شخصی خانه
ساکنی دارد بمقدار نصاب یا جامه لباس و یا اسب سواری یا سلاح
استعمال و یا بر دکان برای خدمت یا الات حرفت یا کتب علم زکوة
برو لازم کردد یانی جواب نی کذا فی شرح الکنز سوال غیر زر و نقره
زینتها دیکر که پوشیده باشد یا در طبله داشته باوجود که خرید
ان برای سوداکری نباشد زکوة ان لازم کردد یانی جواب نی
کذا فی المضمرات سوال متاع خانه یا بر دکان که برای سودا نباشد
بعده نیت سودا کند بمجرد انکه نیت سودا کند پیش از فروختن
زکوة بدان لازم کردد یانی جواب نی کذا فی السراجیة سوال اکر مالی
غیر زر و نقره شخص را بمیراث رسید یا کالا دیکر بمقدار نصاب

بهاء

[illegible]

به بهاء خرید و در ان نیة تجارة کرد لا بحق لان حول زکوة در ان لازم
کردد یانی جواب در اخر قسم کردد و در اول نی کذا فی السراجیة سوال
مالک نصاب بعد اللزوم بوجود قدرة زکوة نداد تا انکه مال او تلف شد
اکنون زکوة ازوی ساقط کردد یانی جواب کردد کذا فی المنظومة
سوال مکلف را دین بود در ذمه کسی که بعد سالها ازان قابض شده
و یا کالها بود که بعد سالها ان را فروخت زکوة از جمله سالها
لازم کردد یا سال حال جواب از جمله سالها لازم کردد کذا فی مجمع
البحرین فصل اول در زکوة زر و نقره سوال نصاب زر و نقره چه مقدار
است جواب بیست مثقال شرعی است و مثقال شرعی سی و شش جو
و مثقال دهلی سی حبه ازانکه مثقال دهلی ماشه است و ماشه شش جو
سوال واجب زکوة ازان چه مقدار است جواب پنج درهم شرعی که بوزن
دهلی پنج درم ست و یکماشه و یک حبه کم عشر حبه میشود مفهوم
من شرح الکنز سوال چون در نقره مس مخلوط باشد حکم چیست
جواب اکر نقره غالب است همه نقره باشد و الا حکم بقیمت سوال
از مس غالب و از مس خالص و نحوه چه مقدار نصاب باشد

جواب بقیمة موازنه دویست درم نقره یا بیست مثقال زر
اما بشرط انکه مال تجارة باشد کذا فی الشلبی سوال اگر اموال غیر زر
ونقره یکی را بارث رسیده یا از کسی بخشید یافت ودران نیت تجارة
کرده بمجرد نیت تجارة کرد اما التجارة کردن زکوة لازم کردد یا انگاه
که بدان سودا کند جواب انگاه که اورا بفروشد سوال کسی زر ینه ترا
استعمال دارد وهیچ نیت تجارة دران ندارد در هر سال دران
زکوة لازم کردد یانی جواب کردد چون بقیمت نصاب باشد المسائل
فی السراجیة سوال اگر مال تجارة در اول از سال در قیمت مقدار
نصاب بود درمیان سال نرخ کم شد ومال از نصاب کمتر شد در اخر
سال باز بقیمت نصاب شد شرعاً زکوة ازان لازم کردد یانی جواب
کردد کذا فی الکنز سوال مردیست مالک ده مثقال زر ومقداری
نقره دارد وقیمت ان کم از صد درم است اما در نرخ زر موازنه
ده مثقال زر ومقداری نقره میشود شرعاً دران بجمع زکوة
لازم اید یانی جواب اید کذا فی الاختیار سوال اگر غیر زر ونقره
کالا بموازنه صد درم قیمة دارد وصد درم نقره دارد زکوة برو

لازم

لازم شود یانی جواب شود چون کالا ازان تجارة باشد کذا فی حاشیه
الکنز لمولانا شمس الدین باب سی وسیوم در بیان صدقه سوایم
سوال سایمه کدام مویشی را کویند جواب انکه زیاده از شش ماه در صحرا
بچرد کذا فی حاشیة الکنز سوال نصاب شتران سایمه چه مقدار است
وزکوة چند است جواب در پنجگان شتر یکان کوسفند ودر ده
شتر دو کوسفند ودر پانزده شتر سه کوسفند ودر بیست
پنج م شتر چهار کوسفند تا بیست وپنج شوند ازان بنت مخاض یعنی یکساله
که در دوم سال پای نهاده باشد ودر سی وشش بنت لبون
یعنی دوساله ودر چهل وشش حقه یعنی سه ساله ودر شصت ویک
جزعه یعنی چهار ساله ودر هفتاد وشش دو یکساله ودر نود
یک دو سه ساله تا صد وبیست معافست ودر صد وبیست پنج
باز از سر کیرد کذا فی مجمع البحرین سوال نصاب ماده گاو چند است
وچه مقدار است ودران چه لازم اید وچون زیاده شود زکوة
چگونه بدهد جواب در سی ماده گاو سایمه تبیع یعنی یکساله ودر
چهل مسنه یعنی دوساله ودر زیادة ازان بحساب ان یعنی در یکی ربع

عشر مسنه ودر دو نصف عشر تا شصت که دران دو تبیع ودر هفتاد یک مسنه ویك تبیع ودر هشتاد ماده گاو دو مسنه همچنین در هر ده سر از تبیع مسنه شود سوال زکوة گاو میش چه حکم دارد جواب حکم گاو دارد در جمله چیزها سوال نصاب گوسفندان چه مقدار است ولازم چه لازم آید جواب چهل گوسفند وانرا بعد سال تمام یکسال لازم آید سوال چون از چهل زیادة شوند وتا چند عفو است جواب تا صد و بیست عفو است چون صد و بیست یك شود دو گوسپند لازم گردد جواب اکر این حکم تا چند است وزیادة برین تا چند شود جواب در دو صد ویك سه گوسفند لازم گردد پس از ان در هر صدی یکی لازم آید ودر چهار صد گوسپند چهار گوسپند ویا نصف بچ للمسائل کلها فی الکنز سوال بره میش که از عکوقان باشد در حق زکوة چه حکم دارد جواب حکم گوسفند دارد کذا فی الشافی سوال از اسپان غیر ... واز خران واز استران وبزکان وشتر بچگان وگاوان عمل ... ویا گوسالگان وحلوانها بجز بقدر نصاب بر کسی ملك باشد ... که پیش از شش ماه یا زیادة در خانه علف خورند از ینها زکوة

لازم آید یانی جواب نی کذا فی الکنز سوال بر کسی که زکوة یا صدقه فطر وعشر وخراج ونذر واجب گردد اکر قیمت ان ادا کنند جایز باشد یا نی جواب باشد کذا فی شرح الکنز سوال اکر خراج زمین وعشر وزکوة باغی ستده وبعد امام بایشان مستولی شد از اصحاب زمین واز اصحاب مال زکوة بار دیگر بستانند یانی جواب نی کذا فی الهدایه سوال مردی مال بقدر نصاب دارد زکوة سالها آینده همین زمان مید هد روا باشد یانی جواب باشد سوال مردی یك نصاب موجود دارد واز ان چهار نصاب زکوة ادا کرده بعد که سه نصاب دیگر را مالك شد از جمله نصاب محسوب باشد یانی جواب از جمله محسوب باشد سوال اکر کسی گوید که سال تمام نشده است یا گوید که بر من دین است که فرا گرفته است ان نصاب را یا گوید که من بعاشر دیگر داده ام یا بفقیران داده ام عاشر بقول او بسنده کند یا سوگند یا مکر در زکوة از وی طلب کند جواب بقول او بسنده کند با سوگند مکر در زکوة مویشی که دران اکر گوید که من خود بفقیران داده ام دران تصدیق ندارد مکر بستاند سوال درین چنین هاء قول تاجر که ذمی

باشد نیز چون مسلم یا سولکند او استوار دارند یانی جواب دارند

کذا فی السراجیة سوال مردیرا در ذمه فقیری دویست درهم دین است

پنج درهم ازان به نیت زکوة هم بمدیون من کو تصدق کرد از زکوة واقع

شود یانی جواب نشود مکر ربع عشر از پنج درهم وان ثمن

درهم است المسلتات فی السراجیة سوال اکر کان زر یا نقره یا مس

ونحوه در زمین خراجی یا عشری یافت شود علم ازان چند

حصه بستانند وباقی مر کرا باشد جواب خمس حصه بستانند وباقی

چهار خمس مر کسی را باشد که بیابد سوال اکر کسی در سرای خود کان

زر یا نقره یا نحو ذلک بیابد که برو مهرها ونشان اسلام باشد

یا نشان جاهلیت باشد حکم ان چیست جواب حکم اسلام لقطه دارد

واز جاهلیت خمس ایک وچهار خمس یابنده را باشد اکر در زمین

مباح باشد واللا صاحب خطه را یعنی کسی را که در اول فتح ان زمین

کرفته باشد یا وارث او را باشد سوال اکر مختط له و وارث

او معلوم نباشد قبض مر کرا باشد جواب مر کسی را که سابق باشد

قبض او در اسلام کذا فی الکافی سوال شهد که کمتر از نصاب

درزمین

درزمین عشری باشد یا خراجی حاصل کرده عشر دران لازم کردد

یانی جواب در زمین عشری لازم کردد ودر خراجی نی کذا فی شرح الکنز

سوال زراعتی که بر اب باران شود ویا انکه بر اب جوییی ویا بر اب سیل

بغیر الت سقی ان حاصل کردد عشر ازان بغیر شرط نصاب واجب

کردد یانی جواب کردد کذا فی الجملة سوال انکه باله مسقی کنند ازان چه

قدر واجب کردد جواب نصف عشر سوال زراعتی که در بعض سال

باب سیل تر شود وبعضی سال باله آنرا آب دهند حکم وجوب باشد

جواب حکم مر اورا اکثر راست کذا فی مجمع البحرین سوال عشر از کل خارج

بستانند یا بعد از خراج موونت زراعت جواب از کل خارج

کذا فی الکافی سوال زمین عشری کدام است وزمین خراجی کدام

جواب هر زمین که اهلان بطوع ایمان اورده باشند زمین او عشری است

وهر زمین که اهلان بطوع که فتح ان بقهر وغلبه کرده باشد ویا

اهل غنیمت قسمت شود یا امام هم برو مقرر دارد ان زمین

خراجی باشند مکر مکه مبارک کذا فی السراجیة سوال اکر زمین عشری

مر تغلبی را باشد یعنی قومی از ترسایان که نام او موسومند

از ایشان حاصل اید چه مقدار بستانند جواب ضعف عشر یعنی خمس
سوال اکر تغلبی مسلمان شد یا بدست مسلمانی بفروشد حکم
چیست جواب نیز ضعف عشر واجب اید سوال اکر مسلم یا ذمی زمین
عشری از تغلبی خرید واجب ازان چه قدر اید جواب همان
قدر واجب اید که از تغلبی بستانند کذا فی الهدایة سوال
اکر ذمی زمین عشر از مسلمانی خرید ازوی عشر طلب اید یا خراج
اید جواب خراج اید کذا فی الکنز سوال مسلمانی سرای خود بوستان
ساخت ازان عشر لازم اید یا خراج جواب اکر باب عشری سقی
کردد عشر لازم اید واکر باب خراجی باشد خراج لازم اید
کذا فی الکافی سوال اب عشر کدام است واب خراجی کدام جواب اب
عشری اب باران واب چاهها وچشمها واب دریاها که در
تحت ولایت کسی نیست واب خراجی اب جویها که اهل عجم کافته اند
چاهی که در زمین خراجی کافته شد واب سیحون وجیحون
ودجله وفرات کذا فی الهدایة سوال اکر مال زکوة بر کسی مقدار
نصاب یا زیادة لازم کردد تمام یک کس را دادن جایز

باشد یا نی جواب باشد ولیکن مکروهست کذا فی الهدایة
سوال مال زکوة اکر بشهر خود بمستحقان ندهد ودر شهر
دیکر برد درست باشد یا نی جواب باشد باکراهیت مکر انکه در ان
شهر قرابت قریب وی باشد یا فقراء ازان شهر محتاج تر باشند
از فقراء شهر سکونت وی کذا فی الشافی سوال اکر کسی که او را
قوت یکروزه باشد درخواست کردن از دیکری مر او را شاید
یا نی جواب نی کذا فی الکنز باب چهارم دربیان صدقه فطر سوال
صدقه بر بنده غنی وبر کافر غنی لازم کردد یا نی جواب نی کذا فی
الکنز سوال صدقه فطر از بنده کافر بر مولی لازم شود یا نی
جواب شود کذا فی حاشیة الکنز سوال چه مقدار غنی شرطست برای
وجوب صدقه فطر جواب مقدار نصاب که فاضل باشد از مسکن
وجامه پوشیدن ومتاع خانه واسب سواری او وسلاح استعمال
او وبندکان خدمت او کذا فی الشافی سوال صدقه فطر از که
واجب کردد جواب از نفس خدمت او کذا فی الشافی سوال صدقه
فطر از که واجب کردد جواب از نفس خویش وطفل خود که فقیر

اند وبندگان خدمت خود و مدبر و لم ولک خویش فقط
کذا فی القدوری سوال طفلی که مالک نصاب است صدقه فطر او
وغلامان او کرا ادا کند جواب پدر او اگر پدر نباشد جد او
واگر جد نباشد وصیان ایشان واگر وصیان نباشد وصی
که قاضی او را نصب کند کذا فی المضمرات سوال اطفال مسلمانان
که یتیم باشند صدقه فطر بر جد ایشان چون غنی باشد لازم
گردد یا نی جواب نی بروایت اظهر کذا فی المضمرات سوال اگر فرزند
بالغ باشد بصفت معتوهیه دیوانه شود صدقه فطر او بر پدر (یا مجنونیة م)
او لازم آلازم آید یا نی جواب آید کذا فی الینابیع سوال اگر فرزند
اگر بنده وکنیزک که گریخته باشد یا رهن باشد یا غصب باشد
بر کسی که او منکر است غصب را (ای ابق) صدقه فطر ایشان بر مولی
واجب آید یا نی جواب نی مگر در رهون بروایتی آید چون
مولی را مقدار دین مال باشد زیادة از نصاب (ای اسم جمع) سوال بنده که مدبر
شده وکنیزک ام ولد گشته از ایشان نیز صدقه فطر آید
یا نی جواب آید کذا فی المضمرات سوال صدقه فطر چه قدر آید

نیم

نیم پیمانه گندم یا یک پیمانه جو یا یک پیمانه خرما سوال پیمانه
شرعی مقدار چیست جواب هشت رطل و رطل بیست سیر و سیر
شش نیم درم یعنی یک صد سی درم کذا فی المضمرات سوال وقت ادای
صدقه فطر کدام است جواب بعد طلوع صبح صادق یعنی روز عید
فطر تا ادا نکند سقوط نیست فاما وقت مستحب آنست که از
او تا رسیدن امام بمصلی نماز عید تا فقیران خاطر جمع بنماز
دل بنماز کزارند کذا فی الکبیری سوال در ماه رمضان صدقه
فطر اگر بدهد درست باشد یا نی جواب باشد کذا فی القدوری
سوال اگر صدقه فطر نان گندم یا نان جو کسی را بدهد درست
باشد یا نی جواب باشد اما بعضی وزن اعتبار کرده اند و اصح
آنست که قیمت معتبر است و هو الصحیح کذا فی الذخیرة کتاب
الصوم سوال روزه چه چیز را گویند جواب زن مسلمه
که پاک از حیض و نفاس باشد او را نفس خود باز داشتن
از خوردن و آشامیدن و جماع کردن با نیت قربت از صبح
صادق تا غروب آفتاب سوال شرایط وجوب صوم کدام است

نیت روزه رمضان
اللهم انی لک صمت و بک و علیک آمنت و علیک توکلت و علی رزقک افطرت نویت ان اصوم غدا من شهر رمضان الذی نزل فیه القرآن

سوال جواب اسلام وعقل وبلوغ سوال شرایط وجوب اداء صوم کدام است
جواب صحت از زحمتی که بروزه داشتن زیادة شود ووقت
وطهارت از حیض ونفاس کذا فی المنافع سوال اکر در ماه رمضان
کسی نیت روزه کند مطلقا تعین رمضان نکند یا نیت نذر یا نیت
نفل کند یا قضا کند واو مسافر باشد حکم نیت او چه باشد
جواب واقع باشد از اداء رمضان وهو الصحیح کذا فی الینابیع سوال
اکر زحمتی نیت قضا کند حکم او چیست جواب حکم مسافر بقول
صحیح کذا فی المضمرات سوال در روز شك اکر نیت نفل کند حکم
چیست جواب باکی نیست وهو الصحیح کذا فی المضمرات سوال در روز
شك اکر بنیت واجبی دیکر روزه بدارد حکم آن چیست جواب
اکر آن روز معلوم شد که داخل رمضان باشد از رمضان
باشد واکر از شعبان بود قبل نفل واقع شود والجزاء نیت
کرده بود وهو الصحیح کذا فی الهدایة سوال اکر در هلال رمضان
شك افتاد چه باید کرد جواب مختار آنست که خواص نیت تطوع
کنند وعوام تا نیم روز انتظار کنند کذا فی التهذیب سوال

واقامة م
الخلاصة م
بعض میکویند

اکر

اکر بر کسی قضاء رمضان است او نیت چکونه کند جواب احتیاط
آنست که تعین کند در قضاء روزه واکر در قضا نماز اما اکر در نیت
روزه تعین نکرد هم درست باشد کذا فی الذخیرة سوال اکر از
یك رمضان دو روزه تعین نکرد هم درست باشد کذا فی
الذخیرة سوال اکر ابر یا غبار باشد کواهی چند کسی برای ثبوت
ماه رمضان معتبر است جواب یکنفر عدل عاقل وبالغ اکر چه زن
باشد یا بنده یا محدود قذف کذا فی الینابیع سوال اکر منکر
عدل بر کواهی عدلی دیکر کواهی دهد حکم آن چیست جواب
درست باشد کذا فی المضمرات سوال اکر کسی ماه رمضان بیند
وقاضی بر کواهی وی حکم نکند حکم روزه بروی قضا آید وکفارة
نیاید وهو الصحیح کذا فی الجامع الصغیر الخانی سوال برای قبول کردن
کواهی بر دیدن ماه رمضان دعوی شرطست یا نی جواب
بر قول امام اعظم رحمة الله علیه هست وبر قول صاحبیه
نی ومیل متاخران برین مفهوم است من الظهیریة
سوال اکر در مطلع ابر وغبار باشد ماه شوال وماه ذی الحجه

چنانچه م
قضا کرده باشد حکم آن چیست جواب حکم مسئله اولی دارد کذا فی الخلاصة م
[illegible]

بکواهي چند کس شوط بايد جواب بکواهي دو عدل كذا في المجمع البحرين
سوال اکر در مطلع هيچ غباري و ابري نباشد حکم چيست
جواب بکواهي جمعي بسيار که از يك محله نباشند كذا في الينابيع
سوال در صورتي که در شهر ماه نديدند اما يك نفر عدل از ايشان
بيرون امد بمقامي که ان مقام بلند تر است حکم کواهي او چيست
جواب مقبول باشد بحکم روايت شرح الطحاوي اکرچه غبار
نباشد و بحکم روايت کتب ديکر غير مقبول كذا في الينابيع فهز ان
سوال در شهري ماه رمضان در شب دوشنبه ديدند چون
بيست نهم ماه روزه روزه دوشنبه داشتند جماعتي پيش
قاضي کواهي دادند که فلان جا ماه شب يکشنبه ديده اند امروز
سلخ هست قاضي بران حکم کرد هذا فرمود که بامداد عيد است
چون شب سه شنبه شد در مطلع هيچ غباري نبود مع ذلك
ماه ننمودند ترك تراويح دران شب و افطار روزه و عيد
سه شنبه رواهست يا ني جواب ني كذا في المحيط سوال اکر در شهر
سي روزه داشتند بحکم رويت و در شهري ديکر بيست ن

روزه داشتند بحکم رويت بر اصحاب اين شهر يك روزه
قضا لازم کردد يا ني جواب کردد مکر انکه ميان هر دو شهر فرق
باشد که مطلع متفاوت باشد كذا في السراجية سوال در شهري
دو نفر کواه پيش قاضي برويت هلال رمضان کواهي دادند قاضي
بموجب صحيح دعوي و عدالت شاهدين حکم کرد چون سي
روزه تمام شد بوجود صفا مطلع ماه کسي نديد حکم اين قضيه
چيست جواب بامداد عيد بکنند هو الصحيح في الذخيرة سوال
اکر ماه هلال شوال در روز ديدند حکم چيست جواب از شب
اينده کيرند هو المختار كذا في الكبرى سوال در قريه که قاضي نيست
بلبيدن ماه رمضان يکنفر عدل کواهي دهد و در مطلع علت باشد
بقول او بر مسلمانان روزه لازم کردد يا ني جواب کردد كذا في المحيط
سوال در روزه فرض و روزه نفل چون صايم بغرا موشي طعام
و يا شراب خورد يا جماع کند روزه او بشکند يا ني جواب ني كذا في
الهداية سوال بخطا در دهن يا بيني صايم اب يا طعام رفت
حکم روزه او چه باشد جواب بروي قضا ايد و کفارة ني كذا في

كذا في المضمرات سوال اكر صايم بفراموشي طعام مي خورد وشخص ديكر
اوكسي است كه او را در خوردن مي بيند مر او را رسد كه ياد
دهد يا ني جواب مختار انست كه ترك اخبار مكروه هست مكر آنكه
بسبب خوردن بنسيان او را قوة براي صوم وصلوة حاصل
كردد وبترك ضعف حاصل آيد كذا في الكافي سوال اكر روزه
دار در خواب است وي را احتلام شد روزه وي تباه شود يا ني
جواب ني سوال اكر بسبب نظر كردن سوي زن انزال كردد يا بدست
آلت را تحريك آرد تا انزال شد روزه وي تباه شود يا ني جواب
در اول ني ودر دوم تباه شود كذا في الهداية والكبري
سوال اكر كسي را احتلام افتاد واو پنداشت مكر روزه او تباه
شد بعده طعام نيز خورد حكم روزه ماه رمضان وي
چه باشد جواب قضا وكفارة نيز لازم كردد كذا في الخلاصة
سوال اكر در ماه رمضان صايم بفراموشي طعام خورد
يا آب خورد يا جماع كرد بعده چون ياد آورد كه روزه بود
پنداشت مكر روزه وي شكسته است آنكاه بعمدا نيز

طعام

طعام خورد اكنون حكم روزه وي چه باشد جواب بر وي قضا
لازم آيد وكفارة ني كذا في المضمرات والنصاب سوال بسرمه انداختن
در چشم صايم را روزه تباه شود يا ني جواب ني كذا في الجامع الصغير
خاني ودر مضمرات ميكويند كه در ذخيره مسئله ايست كه عورتي
مرد خود را بغلبه شهوة بزور كرفت ويا او وطي در ماه رمضان
فراهم آمد بعضي كفته اند كه بر هر دو قضا وكفارة واجب آيد
صورتي انست كه مرد بالا باشد وعورت فرود فاما اكر عورت
مرد را فرود نهد وخود بالا شود وبا مرد فراهم آمد در اين
صورت بر مرد كفارة نيست فاما قضاء باشد وبر عورت هم
قضا وهم كفارة لازم باشد فاما فتوي انست كه بر مرد بالا شود
وعورة فرود فاما اكر عورت مرد را فرود نهد وخود بالا
شود ويا مرد فراهم آمد كه بر مرد كفارة باشد نيست بر هر دو الي
سوال اكر روزه دار در آب در آيد ويا آب بر سر وبر اندام خود بريزد
ويا جامه تر كرده بالا خود كند حكم روزه او چه باشد جواب باكي
نيست هو المختار كذا في النصاب سوال اكر در ماه رمضان ببوسه

نزد زن یا بمتش کردن زن انزال شود حکم روزه او چه باشد
جواب بروی قضا اید وکفارة نی کذا فی الهدایة سوال اگر کسی در
ماه رمضان بوسه گیرد چگونه باشد جواب باکی نیست اگر ایمن باشد دشهد
از انزال وجماع والا مکروه باشد کذا فی الوقایة سوال اگر روزه
دار قی کند روزه او بشکند یا نی جواب نی مگر انکه بعمد کند چون
پر دهن باشد یا از دهن باز درون آورد و بکتر از پر دهن
باز در شکم رفتن بقول امام محمد رحمة الله علیه روزه تباه
نشود وهو الصحیح فی الجامع الصغیر او زجندی سوال انچه بدان
غذا ودوا حاصل نشود چون انرا کسی فرو برد چنانچه
پاره اهن یا سنگریزه یا خسته خرما حکم روزه وی چه باشد
جواب بروی قضا لازم اید فقط سوال اگر مگس در دهن کفارة نی م
در اید وفرو رود یا غبار روزه بشکند یا نی جواب نی کذا فی جمع
البحرین سوال اگر از بن دندانها خون اید وان در شکم فرو
رود حکم روزه او چه باشد جواب اگر اب دهن بدان غالب باشد
روزه تباه نشود واگر خون غالب باشد تباه شود و در روزه

ماه

ماه رمضان قضا لازم اید فقط سوال اگر فریشم کر تارها رنگین
بدهن بتابد وازان اب دهن او رنگ گیرد ان لعاب سرخ
ویا زرد ویا سبز شود وانرا فرو برد روزه او بشکند یا نی
جواب بشکند کذا فی الکبیری سوال اگر اب دیده در دهن صایم
رود وازان در حلق رود روزه او تباه شود یا نی جواب نی مگر انکه
بسیار باشد که مزه وی کاه ان تمام دهن بیاید پس انرا فرو برد
انگاه بشکند چنانچه در قطره عرق کذا فی الکبیری سوال صایم گوشت
ویا طعام که در دندانهایش مانده انرا فرو برد روزه او بشکند
یا نی جواب اگر بقدر دانه نخود باشد بشکند وکمتر ازان نی و بشکستن
بدان بعمد کفارة لازم اید مگر انکه بدست بیرون کشید بعد ازان
کند وفرو برد انگاه قضا لازم اید کفارة نی کذا فی الخلاصة
سوال اگر در گوش چیزی چکانید کسی ویا سر را مفید باشد
چنانچه روغن ونحو ازین چیزها روزه بشکند یا نی جواب اگر مفید باشد
بشکند والا نی چنانچه اب ونحوه کذا فی المنافع والمختار فی الکبیری سوال
مسواک تر وخشک مر روزه دار را در اول وقت واخر وقت

جایز هست یا نی جواب هست کذا فی الهدایه سوال کدام عذرها است
که بدان صایم را رخصت افطار است جواب جمله شش است یکی سفر دوم مرض
یعنی حمل داد دوم که بر روزه داشتن زیادة شود سوم عوز فی البستن چهارم زن شیر دهنده که چون
ششم جوع یعنی مضر باشد بشیر دهنده یا بشیر خورنده پنجم تشنگی سخت و گرسنگی
که سبب هلاکه باشد کذا فی التحفه سوال مر روزه دار را آب در دهن
کردن بغیر توضی حکم آن چگونه است جواب بروایتی مکروه هست سوال
اگر صایم در دبر دارو بریزد یا در بینی یا در حلق او آب باران
یا برف در آید روزه او بشکند یا نی جواب بشکند سوال اگر غبار یا دود
در دهن صایم در آید یا در بینه چیزی میچکانند روزه بشکند
یا نی جواب نی سوال اگر بفراموشی در روزه جماع کرد بمجرد شدن جماع
یا آورد دهد در محترز ساخت حکم صوم او چه باشد جواب تباه نشود
للمسایل کلها فی مجمع البحرین سوال لزوم کفارة بچه است جواب بجماع کردن
در احدی السبیلین آدمی در روزه ماه رمضان و خوردن و آشامیدن
بعمدا علانیه یا دوا بعد نیه از شب سوال کفارة صوم چیست جواب
برده آزاد کردن یا شصت مسکین را طعام دادن یا دو ماه متتابع

روزه

روزه داشتن دیگر روزه قضا و در میان دو ماه مذکور هیچ روزه
نقصان نکند سوال اگر نیه روزه نکرده و پیش از زوال متعمدا خورد یا
پیشتر از زوال نیت کرد و بعد از زوال بشکست حکم او چیست جواب بروی
کفارة نیاید کذا فی مجمع البحرین سوال اگر کسی انگشت خود را در دبر
خود در آورد حکم روزه او و جنابت وی چه باشد جواب غسل و قضا
بروی لازم نیاید کذا فی الکبری سوال اگر مسافر را روزه داشتن مضر
نباشد مر او را افضل چیست جواب روزه داشتن کذا فی الکنز سوال اگر کسی
در ماه رمضان مسافر شود مر او را افطار روزه چگونه باشد
جواب بر قول امیر المؤمنین علی و ابن عباس رضی الله عنهما مر او را
روا نیست روزه داشتن کذا فی المضمرات سوال قضاء رمضان چون
چند روزه باشد متصل بدارد یا متفرق جواب مستحب آنست که متصل
بدارد کذا فی الهدایه سوال شیخ فانی یعنی پیری که او را طاقت روزه داشتن
نباشد او در ماه رمضان چه کند جواب از هر روزه نیم پیمانه
گندم صدقه کند صدقه دهد و این را فدیه گویند کذا فی الهدایه
سوال اگر بر کسی نماز یا روزه قضا باشد بعد مردن وی تدبیر سقوط

ان چیست جواب اگر وصیت کرده باشد بهر روزه وبهر نماز فدیه دهند
واگر وصیت نکرده ووارث او تبرّع کند از جهت او فدیه دهند روا باشد
فامابدل روزه روزه داشتن وبدل نماز نماز گزاردن روا نیست کذا في
المضمرات سوال اگر کسي روزه نفل نیت کند وبعد شروع بشکند بروي
قضا لازم گردد یا نی جواب گردد کذا في الشلبي سوال زني را در ماه رمضان
روزي که عادة آغاز حیض او بودي روزه نداشت ودران روز حیض
او را حادث نشد یا مردي را روز نوبت تب بود دران روز روزه
نداشت پس آن روز او را تب نیامد حکم فقیه هر دو ان چه باشد
جواب کفارة لازم شود کذا في الذخیرة سوال مردي سحر میخورد بگمان آنکه
شب است چون جانب مشرق دید صبح دمیده است یا کسي افطار کرد
بگمان آنکه آفتاب غروب شده است بعده تحقیق شد که هنوز
آفتاب هست برایشان چه باشد جواب قضا اید وامساك باقي
روزه کنند کذا في الهدایة سوال اگر پادشاه ماه شوال تنها دید او را
عید کردن بعلم خود وروَیت هلال روا باشد یا نی جواب نی کذا في الکبری
سوال زن را روزه نفل بغیر اذن شوهر وبنده وکنیزك را بغیر اذن

سوال روزه نفل نیت کند بعد شروع افطار کند حیض شد روزه او بشکند و قضا روزه بر وي لازم گردد یا نه جواب او بشکند و قضا بر وي لازم آید کذا في الشافي

مولي

مولي واجیر را بغیر اذن مستاجر شاید یا نی جواب نی مگر آنکه شوهر
او رنجیتي باشد یا غایب یا صایم واجیر را چون بروزه داشتن
در عمل فتور بنا شد روزه بدارد کذا في التهذیب سوال اگر کودك
شیر خوار را شکم روان شود واطبا مر دایه را خوردن دوا در ماه
رمضان رخصت فرمایند مر دایه را شاید که روزه بشکند
بدین سبب یا نی جواب شاید بشرط آنکه اطبا حاذق باشند یعني معجز
باشد ورخصت مفضي سوي هلاکت باشد باب سیم وپنجم در بیان
اعتکاف سوال اعتکاف بر چند نوع است جواب بر سه نوع است واجب
وسنت ونفل واجب آنست که مسلم بر خود واجب کیرد وسنت آنست
که در عشر اخیره ماه رمضان که رسول صلی الله علیه وسلم بدان
مواظبت کرده است ونفل آنست که در مسجد در آید بنیت اعتکاف
واین قسم با صوم وغیر صوم جایز است کذا في المضمرات سوال
اعتکاف در کدام مواضع جایز است جواب در هر مسجدي که دران
جماعتي شود باذان واقامت هو الصحیح کذا في الخلاصة سوال
معتکف را براي کدام چیز از مسجد بیرون آمدن شاید جواب

برای حاجت انسانی و نماز جمعه کذا فی الهدایة سوال برای نماز جمعه چه

وقت بیرون آید جواب در وقتی که بعد رسیدن پیش از نماز چهار رکعة

یا شش رکعة بکذارد و اگر پیشتر ازین رود اعتکاف او تباه شود

فاما مستحب نباشد کذا فی المضمرات سوال اگر معتکف بعد از قضای حاجت

انسانی در خانه ساعتی درنگ کند حکم چیست جواب اعتکافش بر قول

ابی حنیفة تباه شود و بر قول صاحبین تباه نشود تا از نیم روز زیادة

درنگ نکند کذا فی الینابیع سوال اگر معتکف در مسجد بیع تجارة

وشرا کند چگونه باشد جواب باکی نیست اگر جهر تجارة نباشد و کالاء

در مسجد حاضر نکند کذا فی الینابیع سوال اگر غیر معتکف در مسجد

بیع تجارة و شرا کند چگونه باشد جواب مکروه است سوال در باب سخن

گفتن و ناگفتن در حق معتکف علما چه فرموده جواب ناگفتن

مکروهست و گفتن بد الخ نیک بود مستحسن کذا فی الزاد از اکرکر

ان لا تکلم بما کان فیه اثم کتب الحج والاحرام در کنز و

تجرید آورده است که حج اسلام فرض عین است یکبار علی الفور

واین نزدیک امام ابو یوسف است رحمة الله علیه این اصح است

بروایات

بروایات انا امام اعظم رضی الله عنه اما نزدیک امام محمد رحمة الله

بر تراخی است ثمره اختلاف آنست که چون مکلف مالک زاد و راحله باشد در فور و تراخی

نزدیک امام ابو یوسف رحمة الله علیه بر فور ادا کند و قصد کند

تا هم در آن سال بجا آرد تا اگر سال دوم توقف کند مسقط عدالت

این شخص باشد پس لایق قضا و شهادة نباشد و احکام فساق

برو لازم کردد اما نزدیک امام محمد چون بر تراخی باشد

احکام فساق برو لازم نشود اما اوقات حج چنانچه در کلام مجید

گفته است قوله تعالی الحج اشهر معلومات وما هی الا ماه شوال

وذی القعدة وعشر ذی الحج واذا قدم الاحرام علی الاشهر ینعقد

ویجوز لانه شرط ولکن یکره ولا یجوز ان یعمل شیا من اعمال الحج

من طواف او سعی قبل اشهر الحج ووقت العمرة السنة کلها

ویکره ذلک فی یوم النحر وایام التشریق ومعناه اگر پیش از او

قات معلوم احرام بندد درست باشد اما با کراهیت ولیکن عمل

چیزی از اعمال حج چنانچه طواف و رمی وسعی بین الصفا والمروة

پیش از شهر حج کند درست نیست اما وقت عمرة تمام سال است

اما وجوب حج بشرط حریت وبلوغ وعقل وصحت وقدرت بزاد ومرحله یعنی زاده
ازجا مسکن وازچیزی که ازان چاره نباشد ونفقه مرفرزندان را
چندان دهد که خود برود وباز بیاید وبروایتی چهل روز بیش
نفقه زیادت کند زیرانکه بمجرد امدن وبروایتی چهل روز بیش
نفقه زیادت کند زیرانکه ازسفر حج بازماند وکوفت بکاری
مشغول نتوان شد وامن راه می باید وامن راه چنان
باشد که اگر غالب خطر است خطر باشد وزنان را محرم درسفر
شرطست که برابر باشد اما امدیم ازین جمیع شروط حریت
وبلوغ وعقل هرسه شرط واجب اند وصحت وقدرت زاد
ومرحله ومحرم این جمله شروط اداء حج اند سوال مسله
اکرصبی ویا غلام محرم شدند بعد از احرام صبی بالغ شد
ویا بنده ازاد شد وهم بدان احرام حج بجا اوردند از فرض
محسوب باشد یا نی جواب نی مکرر از نفل ولو جدد من الصبی
الاحرام قبل الوقوف ونوی حجة الاسلام جاز والعبد
لو فعل ذلک لا یجوز لان الاحرام الصبی غیر لازم معناه

که درخشکی وتری عام اکر غالب امن است امن باشد

اکرهمین

اکرهمین صبی وبنده ازاحرام باز کشتند واحرام دیکر بستند ان صبی که بالغ شد اوراز
فرض محسوب باشد وان بنده که ازاد شد حج او از فرض محسوب
نباشد نفل کردد وفرض حج سال دیکر بجا ارد سوال مواقیت احرام
یعنی جاء احرام کدام است جواب مر اهل مدینه را از ذوالحلیفه
که ازمدینه بقدر یک فرسخ است واز ذوالحلیفه تا مکه ده
مرحله است ومر اهل عراق را ذات عرق واین نام وادی است
که ازمکه مسافت دو روزه راه است ومر اهل شام را از جحفه
وجحفه را رابغ هم خوانند وان ازمکه پنجاه فرسنگ است چنانکه
درمشارق الانوار اورده است الجحفة ای میقات اهل الشام وهی
خمسون فرسخا من مکة ومر اهل نجد را ازقرن وان دو روز
راه ازمکه است ومر اهل یمن را از یلملم وان سه روز راه از
مکه است اکر ازین موضع کذشت بی احرام او حاجی نباشد وحج
محسوب نکردد مسله وانکسانی که ازین مواقیت یعنی مواضع که نزدیکتر
اند مرمکه را ایشان احرام ازحل کیرند یعنی وراء حرم مکه
ومر اهل مکه را از حرم مر حج را واز حل مر عمره را الحل

الحرام یعنی وراء حرم مکه سوال اگر شخص مسلمان یکبار حج اسلام بجا اورد
بعده نعوذ بالله منها مرتد شد باز اسلام اورد اگر استطاعت دارد
بار دیگر حج بجا ارد فایده پانزده جا است که انجا هر دعا که کنند
بی شك مستجابست یکی بر و بر کعبه دوم دستها بجانب
حجر الاسود کند سوم چون دو رکعت نماز در مقام ابراهیم علیه السلام
بکند چهارم چون بالا صفا شود و مستقبل کعبه گردد پنجم
چون از صفا فرود اید و بر مروه بالا شود ششم چون استلام
از حجر اسود کند هفتم بعد خواندن دعا بین الصفا والمروه
هشتم بعد از طواف رکن که بلان نسا حلال شود نهم بعد
از ذبح قربانی دهم بعد از حلق یا قصر یازدهم عند المیزاب
دوازدهم عند الزمزم سیزدهم بین الرکن والمقام چهاردهم
بوقت انداختن رمی الجمار پانزدهم چون کعبه را وداع
کنند حق سبحانه وتعالی هم روزی گرداند امین رب العالمین
باب ششم در بیان احرام سوال چون کسی خواهد که احرام بندد
دیرا چگونه باید کرد جواب وضو سازد و بهتر انست که غسل کنند و جامه

نادوخته بغیر تریز و تنبه پوشد نو یا کهنه شسته یکی ازار دوم ردا
و بایك جامه ساتر عورت نیز بسنده است واگر خوشبوی باشد
استعمال کند فاما انکه بعد از استعمال عین ان باقی نماند و دکانه
گزارد وبعده بگوید اللهم لبیك لبیك لا شریك لك لبیك
ان الحمد والنعمة لك والملك لك لا شریك لك لبیك کذا فی
مجمع البحرین سوال اگر حایض و یا نفسا خواهد که احرام بندد
در حق وی وضو و غسل حکم ایشان چیست جواب ایشان نیز بجا
ارند از انکه از واجبات است کذا فی الکافی سوال اگر کسی احرام
بندد که درون زمین حرم باشد میقات احرام او کدام است
جواب زمین حل سوال مقدار حرم چه مقدار است جواب از جانب
مشرق شش میل و از جانب دوم دوازده میل و از جانب سوم
سیزده و از جانب چهارم بیست و چهار میل کذا فی الکبری
سوال مر محرم را درپی پوشیدن و پیراهن و قبا و موزه
پوشیدن و کلاه و دستار بر سر کردن و شکار کردن و اشارت
کردن و دلالت کردن بر شکاری جایز هست یا نی جواب

لي كذا في مجمع البحرين سوال اكر غير موزه پاي افزار ديكر نيابد
وجامه نيابد مكر رنكين بزعفران يا بورس چكونه كنند
جواب فرودتر از شتالنك موزه هر دو را ببرد وجامه رنكين
را بشويد اكرچه رنك او دور نشود كذا في القدوري و
شرحه سوال محرم اكر غسل كند يا عود بسوزد روا باشد يا ني
جواب باشد كذا في الشافي سوال چون در مكه درآيند نخست
كدام جا برود جواب در مسجد الحرام سوال چون نظر او بر كعبه
افتد چه كويد جواب تكبير وتهليل كويد وابتدا تكبير بحجر اسود
كند ومقابل آن باشد تكبير كويد ورفع يدين كند چنانچه
در نماز وحجر اسود را ببوسد اكر تواند والا بدست اشارة
كند سوال اكر آفاقي باشد بعده چه كند جواب طواف قدوم هفت
شوط كند كه آغاز آن از حجر اسود باشد از راست متصل
در كعبه سه شوط از آن بطريق رمل آن باهيبت بكردد بعده
چهار ديكر بنرمي چهار آن بكردد كذا في الشافي سوال اكر
دركاه طواف در اول شوط رمل فراموش كرد يعني بامنها

نكشت

نكشت در چهارم قضاء كرد جايز هست يا ني جواب ني اكرچه
در هر سه شوط فراموش كند كذا في المضمرات سوال در هر شوط
از طواف بداية بچه فراموش كند كذا في المضمرات جواب باستلام حجر
اسود اكر ممكن باشد والا تكبير وتهليل كويد سوال ختم طواف بچه
كند جواب همچنين باستلام حجر اسود بعده نزديك مقام ابراهيم
پيغامبر عليه السلام دوكانه بكذارد كه آن واجب است واين
طواف را طواف قدوم كويند بر اهل مكه اين طواف نيست سوال پس
از اين طواف چه بايد كرد جواب سوي صفا بيرون آيد بر كوه
صفا سوار شود در روي سوي كعبه كند تكبير وتهليل كويد
ودرود بر پيغامبر عليه السلام فرستد ودست بردارد
وحاجت خواهد ان شاء الله تعالى بيايد سوال چون از صفا
فرود آيد كجا رود جواب سوي مروة باسكونت ونرمي
روان شود چون در بطن وادي برسد ميان ميلين اخضرين
سعي بتيزي كند تا بمروة برسد آنكاه بالا شود وسوار شود
وآنچه بالاي صفا كفته است همان بكويد بعده فرود آيد هفت شوط

طواف کند آغاز از صفا کند و ختم بمروه و این سعی واجب است
نی رکن بعده بیاید و در مکه ساکن گردد و هرگاه که اتفاق افتد
طواف خانه کعبه کند تا هفتم از ماه ذی الحجه چون هفتم روز شود
امام بر منبر بر آید خطبه متضمن بر تعلیم بیرون آمدن سوی منا
و نماز بعرفات و وقوف و طریق باز گشت بخواند سوال از مکه بکدام
روز بیرون آید و بعد بیرون آمدن چه کند جواب آن روز
ترویه یعنی هشتم از ماه ذی الحجه چون نماز بامداد بگزارد سوی
منا بیرون آید و در آنجا بماند تا روز عرفه چون نماز بامداد
بگزارد سوی عرفات بیرون آید و در عرفات تا وقت نماز
پیشین بماند چون آفتاب از سو بگردد امام با جماعت ظهر
و عصر بیک اذان و دو اقامت بگزارد بعده خطبه خواند در آن
وقوف و مزدلفه تعلیم کند و رمی جمار و نحر و حلق و طواف
زیارة بعده توجه کند سوی موقف اعظم پس باستد نزدیک
جبل رحمة مستقبل قبله و اولی آنست که امام سوار باشد
و مردمان را تعلیم مناسک حج و باید مردمان نزدیک امام
باشند

بایستند و استماع کنند و درین موقف دعا کنند بدل و ساعت
فساعت لبیک لبیک گویند و چون آفتاب فرو رود امام با مردمان
باز گردد و بنرمی سوی مزدلفه بیرون آید چون بمزدلفه برسد
مستحب آنست که نزدیک کوه قزح باستد و نماز مغرب
و عشا بیک اذان و یک اقامت با مردمان بگزارد و میان هر دو
نماز فصل بنفل نکند و اگر بچیزی فصل کند عشا با قامتی دیگر
بگزارد و چون صبح صادق بدمد امام نماز فجر با مردمان هم در وقت
تاریک بگزارد بعده باستد با خلق یکجا دعا کند و این وقوف
واجبست نی رکن و بترک آن بیعذر لزوم دم است و چون
آفتاب بر آید امام با مردمان باز گردد و سوی منا آنجا رمی جمار
کند از بطن وادی هفت کلوخ اندازد با هر کلوخی تکبیر گوید و لبیک
گفتن درینجا ختم شده است همراه اول کلوخ و کیفیت رمی آنست
که سنگریزه را بر پشت ابهام انگشت راست بنهد و باستعانت سبابه
چنان باندازد که مقدار پنج گز بیفتد و بیشتر از آن جواز هست
اما بترک سنت است و از قلیل اکثر مسنون دور تر اندازد و بسنده

نباشد بعده قرباني ذبح كند بعده حلق كند يا قصر الحلق افضل است
بعده هم در روز نحر يا با مدادات در مكه بيايد وطواف زيارة
با هفت شوط بجا آرد و بعد طواف دوگانه بگذارد واين طواف
فرض است وركن است بعده باز گردد در منا آيد و اينجا بماند
چون آفتاب از سر بگردد روز دوم از روز نحر رمي جمار كند
سه موضع اول متصل مسجد خيف هفت سنگريزه با نداززد
با هر يكي تكبير گويد و اينجا اندكي باستد بعده متصل آن دوم
جاء رمي جمار كند نيز هفت سنگريزه با تكبير و اينجا نيز
ايستاده شود بعده رمي جمار كند بجمرهٔ عُقْبَه و در اينجا وقف
نكند ودر هر دو وقف كه در جمرهٔ اولي وثانيه است دستها
بردارند ودعا كنند وبايد كه دعاء ماثور كند اللهم اغفر
لِلحَاج ولمن استغفر له الحاج بعده در روز سيوم از نحر بعد
زوال همچنين هر سه رمي جمار كند والله اعلم بالصواب
كتب الطلاق سوال از الفاظ فارسيه نيز هيچ لفظ صريح
هست يا ني جواب سه لفظ است يكي بهشتم دوم يله كردم ديگر بكذاشتم ای كذاشتم
ديايى

ويای كشاده كردم فاما دست باز داشتم ورها كردم كنايه است واقع بدان
باين است كذا في التجنيس وجامع الفتاوى سوال چنك باز داشتم ودست باز
داشتم ورها كردم اين نيز رجعي است يا بائن جواب واقع شود بديه يكانه طلاق
رجعي وبروايه فتاوي سراجي يله كردم بائن است ودر قوله پای كشاده كردم
بائن باشد اگر نيه بنويه كند ودر قوله من ترا رها كردم بغير نيت مؤثر
نيست وبائن واقع نشود مگر به نيه المسائل كلها في التجنيس سوال اگر كسي طلاق صريح
گفت عقب آن بائن ميگويند الخبر واقع شود يا ني جواب شود سوال در صورتی
كه عقب بائن باز بائن گويد حكم بائن چه باشد جواب واقع نشود مگر معلق
كردانيده باشد بشرطي وان شرط موجود شود كذا في الكبرى سوال اگر مرد بي
مر زن خود را گويد تو طالق زن اين پيش گفت چند او گفت سه بديه بگمانت
چند طلاق واقع شود جواب سه عدد سوال اگر گويد انت طالق وساكت ماند
بعد كشيدن دم گويد ثلثا سه طلاق واقع گردد يا ني جواب گردد المسلتاب
في السراجية سوال مردي زن را گفت تو طالق بعدد ماهي كه در حوض كوثر است
چون در آن حوض هيچ ماهي نباشد برين قول چند طلاق واقع شود جواب
يكي سوال زني از مرد طلاق خواست مرد گفت ترا پنجاه طلاق وزن گفت

[illegible]

مرا سه طلاق بخشیدی مرد گفت ترا بخشیدم طلاق خواست مرد گفت ترا بخشیدم (بپسندم)
طلاق و زن گفت مرا سه طلاق پسند است مرد گفت سه ترا و باقی ابناغ (ابنا)
ترا شرعا بر ابناغان او نیز واقع شود یا نی جواب نی سوال زنی گفت مرا طلاق
دادم سه ترا ده مرا طلاق ده مرد گفت طلقتك یعنی طلاق
داده ام من ترا بعد این سخن برو چند طلاق واقع شود جواب سه عدد
سوال درصورتی که زن گوید مرا سه طلاق ده مرد گفت انت طالق یا گفت قد
طلقتك بر وی چند طلاق واقع شود جواب در انت طالق یکی مگر آنکه نیت سه
کند و در قوله قد طلقتك سه عدد سوال مردی گفت دختر علی را طلاق
اگر من چنین کرده باشم فاما آنکه نکرد و نام پدر زن وی علی است
چون او را بدین کلام منکوحه خود مراد نباشد زن وی مطلقه گردد یا نی
جواب نگردد سوال مردی گفت زن من زینب دختر احمد طلاق و حال اینست که زن
وی نامی دیگر دارد و نام وی زینب نیست شرعا زن وی مطلقه گردد
یا نی جواب نی لان الغایب لا یعرف الا باسم سوال درصورتی که گفت که فاطمه
بنت زید را طلاق و نام زن وی فاطمه است فاما نام پدر فاطمه زید نیست
چه حکم باشد جواب طلاق واقع نشود مگر به نیت المسایل کلها فی التجنیس

سوال

سوال زنی گفت مرا سه طلاق ده مرد گفت گفت گیر یا گفت داده گیر طلاق
واقع شود یا نی جواب درصورتی اول نشود و درصورتی اخر شود چون نیت
ایقاع باشد سوال زید را والی یا ظالمی دیگر بضرب یا بحبس اکراه کرد تا سوگند
بطلاق بخورد شد بعده زید بر خلاف آن کرد شرعا طلاق واقع شود
بر زن زید یا نی جواب نی سوال اگر کسی زن خود را گوید انت طالق امس
والیوم یعنی تو طالقی دی روز و امروز بر وی چند طلاق واقع شود
جواب یکی سوال درصورتی که گوید انت طالق الیوم والامس حکم چیست جواب
دو طلاق واقع شود چون مدخول بها باشد سوال اگر کسی بنج خورده یعنی
بنگ خورده و از آن مستی حاصل آمد در آن حال زن خود را طلاق گفت
حکم آن طلاق چه باشد جواب واقع شود چون وقت خوردن بداند که این مست
کنند است و قیل مطلقا شود و اشارة فتوی برین است سوال اگر بخوردن
اشربه که از حبوب می سازد کسی مست شود و در آن حال طلاق گوید واقع شود
یا نی جواب نزدیک امام اعظم رضی الله عنه نی و بر قول امام محمد است رحمة الله
علیه سوال مردی زن خود را سه طلاق گفت بعد کسی او را پرسید که تو زن خود را
سه طلاق گفتی او گفت آری مرا این قایل را زن بمن گویم بغیر تحلیل بنکاح

مست اگر مست شود و فتوی بر این نیست طلاق مکره

حلال باشد یا نی جواب باشد سوال اگر زن مذکوره چنین جواب او شنید باشد
مرا ورا شاید که خود را بد و تسلیم نماید یا نی جواب نی سوال مردی زن خود را به
نیت طلاق گفت مرا چیزی نباشی یا گفت میان ما و شما نکاح نبود
یا گفت من ترا بزنی نیاورده ام برین صورت طلاق واقع شود یا نی جواب نی سوال
اگر گوید میان ما و تو نکاح نیست یا گوید نیستی تو زن من و بنیة طلاق کند حکم
چیست جواب در اول واقع شود و در دوم نیز بقول امام اعظم رحمة الله علیه
سوال مردی بسفر روان میشود و خشو[ع] دامن او را در گرفت که نمیگذاریم
ترا تا انکه دختر مرا طلاق نگوئی گفت دختر ترا طلاق بعد هنوز زن بیرون
نیامده است که گفت مراد من ازین کلام منکوحه خود نبود بلکه دختر تو که
زن من نیست قول وی را تصدیق کنند یا نی جواب دیانت کنند و در قضاء نی
سوال اگر کسی زن خود را گوید انت طالق بعد گوید مراد من بدین کلام آن بود
که تو رها شدی از بند تصدیق باشد یا نی جواب باشد فیما بین الله تعالی اما در
قضاء نباشد کذا فی التجنیس سوال مردی گفت اگر شش ماه نفقه من بزینب
نرسد زینب نفس خود را طلاق گوید بعد مرد مذکور از سفر پنجاه درهم فرستاد
فاما شش ماه نفقه زینب کفایه نمیشود چون شش ماه تمام شود امر طلاق

بردست زینب باشد یا نی جواب باشد کذا فی الخلاصه سوال مردی دو زن دارد زینب
و حفظه او گفت ای زینب و حفظه گفت لبیک گفت وخطاب برو متوجه شد جواب سوال
در صورتی که مرد گوید که من نیت طلاق زینب را داشتم حکم چیست جواب زینب
نیز مطلقه گردد باعتراف کذا فی الخلاصه سوال مردی گفت که مرا سوگند خانه است
که این کار نکنم بکردن آن کار زن وی مطلقه گردد یا نی جواب گردد سوال مردی گفت اگر دختر
فلان مردی بزنی دهند او را طلاق باشد بعد دختر فلان را در نکاح او دادند طلاق
واقع شود یا نی جواب نی المسایل کلها فی التجنیس للمزید سوال مردی دیگری را گفت برو
که من این زن را بتو بخشیده ام و بدین سخن نیت طلاق کرده طلاق واقع شود
یا نی جواب شود سوال طلاق رجعی در حق غیر مدخول بها رجعی است یا باین جواب باین
کذا فی السراجیه سوال دو کس عدل نزدیک هند گواهی دادند که شوهر تو ترا
طلاق گفته است و شوهر او غایب است شرعا هند تواند که نفس خود را بعد
انقضاء عدة بدیگری بزنی دهد یا نی جواب تواند کذا فی الفتادی الظهیریه سوال زید
حضور وا که مدت دو ماه است که ترا طلاق گفته ام منکوحه
گفت منکوحه مذکوره زید را تصدیق داشت شرعا عدة بر زن زید از وقت
طلاق لازم گردد یا از وقت اقرار بطلاق جواب از وقت
اقرار بطلاق کذا فی الفتوی السراجیه وهو الصحیح والفتوی علیه ان العدة من
وقت الاقرار سوال اگر زید گفت مادام که در ملتانم اگر من این چنین کنم زن من

زنم

مطلق باشد بعد زید از ملتان به دهلی رفت چون باز آمد ان نکار کرد طلاق
واقع شود یا نی جواب نی کذا فی الواقعات الحسامیة سوال زید مر عمر را گفت که مرا یک
حاجتیست است حاجت من روا کن عمر گفت روا کنم زید او را سوگند داد
بطلاق بعد سوگند زید گفت حاجت من انست که زن خود را طلاق گوی
شرعا اگر عمر طلاق نگوید طلاق معلق واقع شود یا نی جواب نی کذا فی الواقعات الحسامیة
رجل قال لاخیه علیک حاجة فاقضها لی فقال اقضیها فحلفه بالطلاق والعتاق
ان تقضیها فقال حاجتی ان تطلق امرأتک فلانة لا یصدقه فیه لانه یحتمل
الصدق والکذب سوال تنازع شد میان زن و شوهر زن میگوید مرا سه طلاق
گفته شوهر میگوید که من متصل ان شاء الله گفته ام شرعا قول قول که باشد جواب
قول زن باشد کذا فی الواقعات الناصفی سوال اگر شوهر گوید که من چنین گفته ام اگر
سه طلاق اگر در سرای در روی زن میگوید که تو سه طلاق گفته و معلق نکرده
راجح قول که باشد جواب قول شوهر کذا فی فتاوی النسفی باب بیست سیم در بیان نکاح
سوال مخاطب و مخطوبه انعقاد نکاح بعبارتی کردند که هردو فهم نمیکنند پس
عبارت نکاح ثابت گردد صحیح باشد یا نی جواب باشد کذا فی الوقایه سوال مردی
مردی را گفت که من دختر خود را برای فلان پسر تو داده ام مخاطب گفت که قبول

کرده ام

کرده ام برای پسر خود و مخاطب مذکور را دو پسر است نکاح منعقد شود یا نی جواب نی
سوال در صورتی که مخاطب مذکور همین قدر گفت که من قبول کردم حکم چیست جواب
نکاح منعقد گردد کذا فی التجنیس سوال مردی زنی را بزنی خواست بدین که پدرت اگر
اختیار باشد یا نکاح مذکور فی الحال پس سبیل قطع منعقد گردد یا نی جواب گردد سوال در
صورتی که چنین گفت که فلانة را بزنی خواستم اگر پدر من رضا دهد حکم چیست جواب
نکاح منعقد نشود کذا فی الکبری سوال اگر یکی از عاقلین کلام دوم نشنید نکاح صحیح
باشد یا نی جواب نی کذا فی الخلاصة سوال ایجاب و قبول از تقریر عاقلین یک گواه
شنید دوم نشنید بعد باز تکرار کردند انکه نشنیده بود او شنید و انکه شنید بود
او نشنید هر دو وقت یکان نفر شنید نکاح مذکور صحیح باشد یا نی جواب نی کذا فی
السراجیة سوال نکاح بحضور مجرد بندگان و کودکان و دیوانگان و زنان منعقد
شود یا نی جواب نی کذا فی الکافی سوال بگواهی نابینان و محدود قذف و فاسقان
و پسران مرد و پسران زن منعقد شود یا نی جواب شود سوال اگر یکی از ایشان
منکر شود بگواهی مذکور اثبات شود یا نی جواب نی مگر انکه پدر پسران
منکر باشد و نیز در گواهی فاسقان اگر قاضی پیش از طعن و پیش از
تذکیه حکم کرد جایز باشد کذا فی الوقایه سوال مردی بحضور دو نفر مست

که در این حال قصه نکاح فهم میکنند دختر خود را بزید بزنی داد زید نیز قبول کرد
چون آن دو نفر هشیار شدند از قضیه مذکوره هیچ یاد نمی آرند شرعا این نکاح
جایز باشد یا نی جواب باشد کذا فی الکافی سوال مردی بحضور گواهان گفت که این
زن منست و این زن گفت که این شوهر منست بدین تقریر نکاح میان ایشان منعقد
گردد یا نی جواب نی سوال در صورتی که در قضیه مذکوره گواهان بر ایشان گفتند که
این را شما نکاح کردانید ید گفتند ارې آن نکاح درست باشد یا نی جواب باشد
کذا فی الکبری سوال مردی گفت که شما گواهان باشید که من این زن در این
خانه بزنی خواستم و زن مذکوره نیز از درون خانه آواز داد که من پذیرفتم
رفتن نکاح مذکور منعقد شود یا نی جواب شود اگر در آن خانه باقی
زنی دیگر نباشد مگر آنکه گواهان آواز او بشناسند کذا فی العتابیه
سوال زنی نقاب کشیده گفت که من نفس خود را بزید دادم و زید نیز قبول
کرد فاما گواهان نمی دانند که این منقبه کیست و نام او نیز پیش ایشان
نگفته این چنین نکاح درست باشد یا نی جواب باشد مگر نزدیک امام
نفیر نباشد کذا فی التجنیس المزید سوال مسلم اگر زنی ذمیه را بحضور
دو نفر در نکاح آورده درست باشد یا نی جواب باشد سوال اگر چه منکر

شود

شود بگواهی ایشان بر مسلم درست باشد یا نی جواب نی سوال هر دختر موطوءه خود بیش
در نکاح آوردن جایز هست یا نی جواب نی سوال مر در اما در منکوحه خود که غیر مدخول
و غیر ممسوسه باشد درست هست یا نی جواب نی کذا فی الوقایه سوال منکوحه جد
و اولاد در نکاح آوردن درست هست یا نی جواب نی کذا فی الکنز و فی سوال
عمه عمه و خاله خال نیز داخل محرمات هستند یا نی جواب هستند مگر آنکه عمه آن مرد
اخیافی باشد و خاله او علاتی باشد یعنی عمه اخیافی آنست که پدر هر دو جدا
جدا باشد و مادر هر دو یکی است و خال علاتی آنست که مادر هر دو جدا جدا
باشد و پدر هر دو یکی است آنگاه عمه آن عمه و خاله آن خاله مر این
مرد را اجنبی چنین باشد کذا فی العتابیه سوال دو زن که فرض کنی یکی از ایشان
مرد باشد و دوم زن باشد میان ایشان نکاح نه پیوندد این چنین دو زن
روا باشد که در نکاح یکمرد یا در عقد یکی یا در وطی یکی بملک رقبه جمع شوند
یا نی جواب نی کذا فی الشافی سوال مردی کنیزکی دارد که آن موطوءه او گشته و خواهر
کنیزک مذکوره در نکاح آورد مادام که یکی از ایشان بر آن مرد حرام نکرد وطی
دوم مر او را جایز باشد یا نی جواب نی کذا فی الوقایه سوال مردی دو خواهر را
بدو عقد تزویج کرد و معلوم نشد که اول کدام بود و آخر کدام تفریق هر دو

نکاح واجب هست از وی یانی جواب هست کذا فی الکنز سوال جمع در میان دو زن
که یکی در نکاح زید بود و دوم دختر وی از زنی دیگر درست هست یانی
جواب درست است کذا فی الوقایة سوال خواجه را تزویج کنیزک خود و بنده را تزویج
مالك خود درست هست یانی جواب نی کذا فی الوقایة سوال اگر خواجه با کنیزك
خود عقد نکاح میکند برای احتیاط بخوف انکه شاید که استرقاق او باطل
باشد میشاید یانی جواب میشاید سوال چون کسی چنین کند و مهر وی
مسمی کندش عاوی را فی الحال یا بعد از عتق طلب ایلد یانی جواب نی کذا
فی الکافی والینابیع سوال مسلم را زنی کتابیه و زنی صابیه که پیغامبری گرویده
باشد و بکتابی از کتب منزل در نکاح اوردن جایز هست یانی جواب
هست کذا فی الوقایة سوال مرد حر را از زیادة از چهار زن و بنده کان را
زیادة از دو زن در نکاح اوردن درست هست یانی جواب نی سوال اگر چهار
زن دارد یکی را طلاق باین گفت یا سه طلاق گفت مادام که عدة او منقضی نشده
زنی دیگر در نکاح اوردن روا هست یانی جواب نی کذا فی الکبری سوال کسی که در
نکاح وی یا عدة وی حره است کنیزك غیری وی را در نکاح اوردن
روا هست یانی جواب نی کذا فی الوقایة سوال زنی که از زنا حامله باشد از شخصی

مراد شخصی را زن مذکوره در نکاح اوردن جایز هست یانی جواب هست و لیکن
وطی او نشاید تا وضع حمل نکند کذا فی الوقایة سوال کنیزك که مالك وی را وطی
کرده باشد و زنی که موطوء بزنا باشد کذا فی الشافی سوال چون مرد مر زنی را
گوید که بکس از من ده درم تا تمتع بگیرم با تو ده روز زن مذکوره نیز قبول کرد
بدین طریق حلّ ثابت گردد یانی جواب نی کذا فی المضمرات سوال مردی مر زنی را
در نکاح اورد تا یکماه یا یکسال این چنین نکاح درست باشد یانی جواب نی کذا
فی مجمع البحرین سوال نکاح شغار یعنی نکاح که چون کسی دختر خود را بزید
دهد و دختر یا خواهر زید برای خود یا پسر خود بزنی خواهد
نکاح شغار و مهر هر دو بمقابله یکدیگر ساقط گردانیدن این چنین نکاح
جایز باشد یانی جواب باشد سوال حکم مهرها ایشان چه باشد جواب هر یکی را مهر
مثل طلب اید کذا فی مجمع البحرین فصل در بیان کفو سوال زنی حره عاقله بالغ
اگر بغیر اجازة ولی نفس خود را بکفو یا بغیر کفو بزنی دهد جایز باشد
یانی جواب باشد کذا فی الکنز سوال ولی اقرب اگر دختری بکر بالغ بغیر اذن وی
بکسی بزنی داد چون او شنید ساکت ماند یا خندید یا بگریست انکاح او
وی بدین چیزها ثابت گردد یانی جواب گردد مگر آنکه گریه او با آواز بلند

باشد کذا فی الوقایه سوال ولی چون دختر بالغه عاقله را بکسی بزنی دهد اگر دختر
مذکوره بصریح قول رضا ندهد فاما ساکت ماند یا بخندد یا بگرید بی صوت
والغنیة م
تسلیم چنین نکاح جایز باشد یا نی جواب نی کذا فی الینابیع سوال زنی که
بکارت او زایل شده باشد بزخم زدن یا بجراحه یا بحیض مانند یا بجهش
یا بزنا پنهانی در باب اذن بنکاح حکم او چون بکر باشد یا چون کامله
جواب حکم بکر باشد کذا فی المضمرات سوال چون منازعت شود میان مرد و زن
مرد بگوید چون نکاح بتو رسید تو ساکت بودی زن بگوید نی
بلکه من رد کردم قول قول که باشد جواب قول زن باشد بغیر سوگند
کذا فی الزاد سوال دختری بعرض بلاغت سن او رسید میگوید که پدر
من درا نکاح مرا بزید بزنی داد من بالغه بوده ام بدان رضا نداده ام و زید
مذکور و پدر دختر مذکوره میگوید نی بلکه تو صغیره بودی معتبر
قول که باشد جواب قول دختر مذکوره باشد کذا فی المضمرات سوال زینب دعوی
میکند که زید شوهر منست زید در جواب دعوی او میگوید که این زن
من نیست زینب مذکوره اگر در واقع زن وی باشد بدین لفظ میانه
کرده شد یا نی جواب نی کذا فی الکبری سوال زید حلیمه را بزنی خواست بحضور

مرد دو گواه پیش از دخول هر دو گواهان وفات یافتند بعد حلیمه مذکوره را رسد
آن نکاح زید منکر شد و شوهر دیگر کرد زید پدر
که با وی دعوی کند یا نی جواب نی کذا فی الکبری سوال زید زینب را در نکاح آورد و
بینهما مجامعت حاصل آمد بعده زینب مذکوره دعوی میکند که در ایام خبر
تزویج ولی بمن رسانید من رد کرده ام و بر قضیه رد بینه اقامت میکند
شرعا در نکاح مذکوره از زینب مسموع باشد یا نی جواب نی کذا فی الکبری
وهو الصحیح انه لا یقبل لان التمکین کالاقرار سوال ولی اقرب مر دختری
بکر بالغه را گفت من میخواهم تا ترا بزنی دهم بزید بن خلدب قاسم
بمهر هزار درم شرعی دختر مذکوره ساکت ماند پس ولی مذکوره بزنی داد
بعده چون دختر مذکوره شنید گفت من بدین تزویج رضا نیدهم
نکاح مذکوره مستقیم ماند یا نی جواب ماند کذا فی المضمرات سوال دختری
بکر بالغه را ولی اقرب بزید بزنی داد بعده یکنفر مسلم غیر عدل خبر
تزویج مذکوره به دختر مذکوره رسانید پس دختر مذکوره ساکت
ماند سکوت او رضا باشد یا نی جواب باشد سوال باشد اگر مخبر مذکور فرستاده
ولی مذکوره باشد والا شرط است عدالت یا آنکه مخبر دو نفر باشد کذا فی الینابیع
سوال ولی مرد دختر بکر بالغه را گفت که من میخواهم که ترا بکسی از بنی فلان

قومی بزنی دهم دختر مذکوره ساکت ماند بدین اجازة بشود که اورا
بکفوی از بنی فلان قومی بزنی دهد یانی جواب بتواند اگر بنی فلان از قدر باشند
که در عدد توان شمرد والانی کذا فی المضمرات سوال ولی اقرب دختری بکر بالغ
را بغیر کفو بزنی داد سکوت او رضاء باشد یانی جواب نی کذا فی الینابیع سوال مرد
مرزنی را بغیر علم واذن او بکفوی بزنی داد چون زن مذکوره خبر تزویج
خویش شنید گفت بارک الله لنا یا گفت باکی نیست این الفاظ اجازة باشد
یانی جواب باشد کذا فی المضمرات سوال ترتیب اولیاء در باب نکاح بیان
فرمایند که ولی اقرب کدام است وابعد کدام جواب اول پسر است بعد
ازان نبیره اگرچه فروتر است بعد ازان پدر است پس ازان پدر پدر است
اگرچه بالاتر باشد پس ازان برادر اعیانی پس ازان برادری
علاتی پس ازان ابناء ایشان همبرین ترتیب است پس ازان عم جد
اعیانی پس ازان عم جد علاتی پس ازان ابناء ایشان وهم برین
ترتیب اول پسر ازایشان مادر پس ازان خواهر اعیانی پس ازان
خواهر علاتی پس ازان فرزند مادر کذا فی الکنز سوال اگر از اولیاء مذکور
هیچکس نباشد مولی اعتاقی یعنی ازاد کنند مرد باشد یا زن پس

ازان

ازان قرابتانی که آنرا ذوی الارحام گویند پس م

ازان کسی که اورا قاضی نصب کرده باشد کذا فی الینابیع سوال مسلم را بر کافر صغیره
و بر کافر کبیره صغیره و کافر را بر مسلم صغیره و بر مسلم صغیره ولایة نکاح باشد یانی
نی جواب بنده را بر فرزند خود ولایة نکاح باشد یانی جواب نی المسلتان کذا فی نی سوال
المضمرات سوال دختریست دو ولی دارد وهر دو برابر اند در نسبت یکی ازیشان
دختر مذکوره بغیر اذن دوم بکسی بزنی داد درست باشد یانی جواب باشد سوال در
صورتی که بزید داد ودوم بعمر را داد حکم چیست جواب انکه سابق باشد صحیح
همااست واگر هردو برابر واقع شود یا مشکل افتد در وقت وقوع هر یکی
هردو باطل باشد کذا فی الینابیع سوال اگر مرتد را فرزندی مسلم باشد یا کافر
ولایة نکاح مر اورا باشد یانی جواب نی کذا فی الشلبی سوال قاضی که در منشور ا
واگر تفویض تزویج صغار نباشد اگر صغیره که مر اورا ولی نباشد تواند
که اورا بزنی دهد یانی جواب نی کذا فی الکبری سوال ولی صغیره را بزنی داد
یا برای صغیره زنی خواست بعد از بلوغ مر ایشانرا اختیار فسخ باشد یا
نی جواب باشد اگر ولی مذکوره بغیر پدر وغیر جد بود وغیر قاضی براوی
علیه کذا فی مجمع البحرین سوال چون عند البلاغة ایشان فسخ اختیار کردند
بغیر از حکم قاضی فسخ ثابت گردد یانی جواب نی کذا فی الکبری سوال اگر در محل

بلاغت از ذکر فسخ بوجود علم بنکاح ساکت ماندند سکوت ایشان بمنزلهٔ
رضا باشد یا نی جواب باشد در حق دختری که بکر باشد اما در حق پسر و دختر
کامل نی کذا فی الوقایة سوال ولی اقرب چون غایب باشد مقدار مسیرهٔ
سفر مر ولی ابعد را ولایت نکاح صغیره باشد یا نی جواب باشد کذا
فی السراجیة سوال غیر ولی و غیر وکیل زینب را بزید بزنی داد در زید مذکور
در مجلس شهود قبول کرد چون زینب شنید نیز قبول کرد یا نعم گفت
یعنی بمهر و نحوه قبول کرد شرعا اینچنین نکاح جایز باشد یا نی جواب
باشد سوال نکاح فضولی هر دو جهة اگر یکی فضولی غیر وکیل دختر مذکوره قبول کرد بعده چون
و زید مذکور شنیدند هر دو اجازت کردند شرعا این نکاح جایز باشد یا نی
جواب باشد کذا فی مجمع البحرین سوال زید دختر خود صغیره را برای پسر
عمر که بالغ بود بغیر امر او بزنی داد عمر مذکور که حاضر بود برای پسر خود
قبول کرد پیش از اجازت پس عمر و زید وفات یافتند نکاح مذکور باطل باشد
یا نی جواب باطل باشد سوال در صورتی که دختر زید مذکور بالغه باشد
و المسئلة بحالها نکاح مذکور باطل گردد یا نی جواب نی کذا فی المجنس المزید
سوال زنی گفت مر زید را که مرا بزنی ده زید مر او را برای خود بحضور شهود

بزنی

بزنی داد زید مر او را برای خود بحضور شهود بزنی خواست درست باشد یا نی
جواب نی کذا فی السراجیة سوال دختری است صغیره که غیر پسر عم ولی اقرب ندارد
و پسر عم را روا باشد که بحکم ولایت خویش دختر مذکوره برای نفس خویش بزنی
خواهد یا نی جواب باشد کذا فی الکبری سوال اگر بنده کسی برای خویش خود بغیر
اذن مولی بزنی خواست یا کنیزک که نفس خود را بغیر اذن مولی بکسی بزنی
داده باجازت موقوف باشد یا نی بلی جواب شد ولی دختری اقرار میکند بنکاح
دختر مذکوره بمحضر اقرار او نکاح ثابت گردد یا نی جواب نی کذا فی السراجیة
سوال مصلحی دختر صغیره خود بزید داد بگمان صالح چون دختر مذکوره
او را مدمن شراب یابد باعتراض او نکاح باطل گردد یا نی جواب گردد کذا فی
المضمرات سوال دختر صالحه خود را بفاسقی بزنی داد مر اولیا او را حق اعتراض
باشد یا نی جواب هست باشد کذا فی المضمرات سوال کسی که خود مسلمان شده
باشد کفو باشد مر کسی را که پدر وی مسلمان شده باشد یا نی جواب نی سوال کسی
که دو پشت وی مسلمان شده باشد کفو
که پدر وی مسلمان شد باشد کفو باشد مر کسی را که پدر و جد وی
مسلمان باشد یا نی جواب نی سوال کسی که دو پشت او مسلمان باشد کفو باشد
مر کسی را که بسیار پشت مسلمان شده باشد یا نی جواب باشد المسائل کلها

في الوقاية سوال زني است كه مادر او حره اصلي است و پدر او آزاد شده است مردي
كه آزاد شده باشد مر اين زن را كفو باشد يا ني جواب ني كذا في التجنيس سوال مردي است
كه دو پشت در حريت بود او كفو بود مر كسي را كه بسيار بسيار آزاد باشد
يا ني جواب باشد كذا في السراجية سوال معتق عجمي كفو باشد مر معتقه هاشمي
را يا ني جواب باشد كذا في السراجية سوال زني نفس خود را بمردي بني
داده و ندانسته كه او بنده است يا آزاد پس معلوم كند كه بنده ماذون است
در نكاح مران زن را اختيار فسخ باشد يا ني جواب ني بلكه مر اوليا او را
باشد سوال در صورتي كه اوليا او نيز علم بنكاح او داشته باشند
ايشان بوده مر ايشان را بعد علم حق اعتراض باشد يا ني جواب ني سوال در
صورتي كه بشرط كفاءت بزني دادند بعد عدم كفو ظاهر شد حق
اعتراض باشد يا ني جواب باشد كذا في التهذيب سوال فقيري كه عاجز است
از مهر معجل و از نفقه كفو باشد مر فقيره را يا ني جواب ني كذا في الوقاية
سوال حائك وكناس و دباغ كفو باشد مر عطار را و مر بزاز را و مر
صراف را يا ني جواب ني كذا في الوقاية سوال اگر دختر حائك نفس خود را
مر حجامي را بزني داد مر اوليا او را حق اعتراض باشد يا ني

جواب

جواب ني كذا في الذخيرة سوال زني نفس خود را بكفوي بزني داد بكمتر از مهر
مثل مر ولي او را رسد كه مهر او مقدار مهر مثل كنانند يا تفريق كنانند
يا ني جواب رسد كذا في مجمع البحرين سوال اگر ولي غير ذي رحم محرم باشد
چنانچه پسر عم مر او را دعوي رسد بسبب عدم كفايت يا ني جواب رسد كذا في
السراجية سوال مردي خواهر خود را بغير كفو داد باجازة خواهر مذكوره
برادري ديگر را حق اعتراض باشد يا ني جواب ني كذا في السراجية سوال
مردي باجازه چنانچه دانشمند و بادشاه اگر از جهة اصالة كفو نباشد
باعتبار علم و شغل كفايت باعلوي ثابت گردد يا ني جواب ني وهو الصحيح كذا
في الينابيع سوال كافري ذمي دختر ذمي در نكاح آورد كه پدر او دختر
در حرفت يا در جاه خود را چند مرتبه بالا تر از و ميدانند شرعا حق اعتراض
باعتبار عدم كفاءت مر او را رسد يا ني جواب ني مگر آنكه فرقي فاحش باشد
چنانچه اگر دختر ملك را كناس يا دباغ فريبد آنگاه رسد كذا في
المحيط سوال مردي دختر بكر را بزيد كه حاضر است بزني داد پيش از آنكه
كه خبر تزويج بدختر مذكوره برسد آن عمرو مذكور گفت كه من
قسم كرده ام آنكه چي را كه انعقاد كرده ام ميان فلان و فلان نكاح

مذکور بدین فسخ منتقض شود یا نی جواب شود اگر از جهة دختر مذکوره
وکیل بود و اگر بفضولی انعقاد کرده نی کذا فی السراجیة سوال زنی گفت
مر زید را که مرا بزنی ده زید مر او را برای خود بحضور شهود
بزنی خواست درست باشد یا نی جواب نی کذا فی السراجیة سوال دختر
صغیره که جز پسر عم ولی اقرب ندارد پسر عم را روا باشد بحکم
ولایة خویش دختر مذکوره برای نفس خویش بزنی خواهد یا
باشد کذا فی الکبری سوال اگر بنده کسی برای خود بغیر اذن مولی
بزنی خواست یا کنیزک خود را بغیر اذن مولی بزنی خواست بکسی
بزنی داد این چنین نکاح باطل باشد یا موقوف باشد باجازة مولی
جواب موقوف باشد باجازة مولی کذا فی الشافی سوال مردی بحضور شهود
گفت من دختر خود را بزید بزنی داده ام زید اگرچه دران مجلس حاضر نبوده
از جهة وی کسی دران مجلس قبول نکرد بعده از حاضران مجلس کسی خبر
ان نکاح مذکور بزید رسانید زید مذکور نیز بحضور شهود قبول
کرد نکاح مذکور منعقد گردد یا نی جواب نی کذا فی الوقایة سوال چنانچه
نکاح بنده و کنیزک موقوف است باجازة مالک نکاح مکاتب و مدبر و ام

ولد

ولد نیز موقوف است باجازة مالک ایشان یا نی جواب موقوفست سوال
چون باذن مولی نکاح مذکوره منعقد شود حکم مهر ایشان چه باشد
جواب مهر بر ایشان لازم شود اما بسبب مهر بنده فروخته شود و بر مکاتب
و بر مدبر سعایة پس نباید المسلتان فی الشافی سوال کنیزکی را مولی بکسی داد
بزنی بر مولی مذکور سپردن کنیزک بمنزل شوهر لازم گردد یا نی
جواب نی سوال نفقه و منزل سکونت مر کنیزک مذکوره را بر شوهر
مذکوره بغیر تبوئة یعنی بغیر سپردن کنیزک در منزل شوهر
لازم گردد یا نی جواب نی کذا فی الوقایة سوال کنیزک باذن مولی در نکاح
بنده بود یا حری بعد ازاد گشت در فسخ نکاح مخیر باشد یا نی جواب باشد
سوال در صورتی که کنیزک بغیر اذن مولی عقد نکاح خود با کسی کرد
پس از ان ازاد گشت حکم عقد او و خیار او چه باشد جواب عقد
او نافذ و خیار او ساقط کذا فی الکنز سوال مهر کنیزک مذکوره
مر کرا باشد جواب اگر عتق بعد از وطی حاصل شد مهر او مر مولی
را باشد و اگر پیش از وطی ازادی حاصل شود منکوحه مذکوره را
باشد کذا فی الکنز سوال مردی کنیزک پسر خود در نکاح اورد

چون از و فرزندش شود کنیزک مذکوره ام الولد او شود یا نی جواب نی سوال
حکم فرزند او چه باشد جواب فرزند ازاد بحکم قرابت کذا فی الوقایة سوال
مردی کنیزک پسر خود را وطی کرد کنیزک مذکوره فرزند آورد
چون او دعوی استیلاد کند حکم نسب و حکم بندگی او چه باشد
جواب نسب او از پدر معلوم و کنیزک مذکوره ام ولد او گردد
و قیمت کنیزک مذکوره بر و لازم گردد برای پسر سوال اگر جد
صحیح از کنیزک نبیره دعوی استیلاد کند دعوی او چه
باشد جواب حکم دعوی او چون حکم پدر باشد در حال عدم پدر
جواب المسائل فی الکبری سوال کنیزک مر زید را گفت مرا بخواه که من آزادم
زید او را در نکاح آورد بعده معلوم گشت که کنیزک است هیچ
لازم گردد بر کنیزک مذکوره یا نی جواب اگر بغیر اذن مولی او فریفته است
قیمت اولاد مر زید را ضامن گردد بعد از عتق و اگر باذن مولی
جواب مر زید را فریفته است مولی ضامن گردد بمجرد زادن فرزند سوال
در صورتی که اجنبی مر زید را گفت که این زن در نکاح بیار این
حره است زید مذکور باعتماد قول او زن مذکوره را در نکاح

اورد

اورد بعده روشن گشت که منکوحه مذکوره کنیزک است این
چنین که زید بقول او فریفته شد قیمت اولاد زید که از این کنیزک
شود ضامن باشد یا نی جواب باشد کذا فی السراجیة سوال بنده زید
حره را بغیر اذن مولی در نکاح آورد بعده تجیز کرد پس طلاق
بعد زید مذکور او را اذن کرد بعده زید باذن مطلقه بغیر تحلیل
بزنی بخواهد مر او را حلال باشد یا نی جواب باشد کذا فی مجمع البحرین سوال
مردی دختر خویش را بمکاتب خویش بزنی داد بعد مزوج مذکور
وفات یافت نکاح مذکور باطل گردد یا نی جواب نی مگر آنکه از اداء مال
کتابت عاجز آید و بدان اعتبار که نسب او رد شود کذا فی مجمع
البحرین سوال کافری زنی کافره بغیر شهود در نکاح آورد و دیانه معتقد
کافری در نکاح آورد بعده هر دو مسلمان شدند همبران نکاح
که در دین ایشان شده بود جایز باشد یا نی جواب باشد اگر این چنین نکاح
در دین ایشان جایز باشد والا کذا فی الکنز سوال در صورتی که محرم
در نکاح وی باشد والمسئلة بحالها حکم چیست جواب تفریق واجب
آید سوال عقد نکاح بغیر ذکر مهر جایز هست یا نی جواب جایز هست

ازده م

سوال اگر کسی کمتر ده درهم که اقل مهر است تعین کرد بتراضی منکوحه شرعا در زمان نکاح مذکور چه مقدار لازم گردد جواب ده درهم شرعی سوال اگر منکوحه مذکوره پیش از وطی مطلقه گشت مر او را چه مقدار از مهر طلب اینکه جواب نصفی از ده درهم و اگر مسمی زیاده باشد نصفی از آن کذا فی الکبری سوال اگر در حال انعقاد عاقدین بین راضی گشتند که مهر نباشد یا بمجرد عقد کردند ذکر مهر نکردند حکم مهر او چه باشد جواب مهر مثل لازم گردد و طلاق پیش از وطی متعه لازم گردد سوال آن سه جامه است پیراهن و دامنی و چادر بر حسب حال مرد در صورتی که بعد عقد مهر معین کنند یا زیادة کنند بر معین بطلاق پیش از وطی منتصف گردد یا نی جواب نی کذا فی الشافی سوال چنانچه مهر بوطی کامل گردد بخلوت صحیح که خالی باشد از حیض و نفاس و جنت که مفر باشد و وطی او را مردرا باشد باز زن را باشد و احرام و روزه ماه رمضان بدان نیز مهر کامل گردد یا نی جواب گردد سوال بخلوت صحیح عدة نیز بر وی واجب گردد یا نی جواب گردد کذا فی الینابیع سوال مرد و زن اگر تنها در مسجد خالی باشد یا در صحرا یا در راه روان پس در باشند با ایشان دیگری نباشد

از نکاح کرده است لازم شود کذا فی مجموع خانیه ملا ... م

یا بایا

البلاء بام باشد که آنرا حجاب نباشد این چنین خلوت را شرعا نیز خلوت صحیحه موجب کمال مهر و موجب عدة توان گفت یا نی جواب نی کذا فی المضمرات سوال کسی اگر چه او بریده باشد و خایها او بریده باشد کسی عنین باشد اگر با زن در محلی خالی از غیر باشد این چنین خلوة نیز موجب کامل مهر و لازم عدة باشد یا نی جواب باشد کذا فی الکبری سوال روزه قضا و روزه کفارة و روزه نذر نیز مانع هست مر صحت خلوة را یا نی جواب نی کذا فی المضمرات سوال اگر مردی زنی را بنکاح آورد بمهر هزار درهم بشرط آنکه بر وی زنی دیگر نکند یا آنکه شرط کرد که او را از این شهر بیرون نبرد بعد زنی دیگر بر وی کرد در صورت دوم او را از شهر بیرون آورد شرعا مر زن مذکوره را مهر مسمی طلب اینکه یا مهر مثل جواب مهر مثل هزار درهم و مهر مذکوره بتمام بزینب تسلیم کرد بعده زینب مذکوره از آن هزار درهم و مهر مذکوره بتمام از آن هزار درهم باز مر زید را بخشید بعده زید مذکور مر زینب را پیش از وطی طلاق گفت مر او را رسد که بر زینب مذکوره بنصف مهر رجوع کند یا نی جواب کند کذا فی الکنز سوال در صورتی که زینب نیمی از این هزار قبض کرد و نیمی دیگر مر زید را بخشید بعد مطلقه گشت پیش از وطی زید را رسد که بر وی بنصف

مهر رجوع کند یا نی جواب نی کذا فی مجمع البحرین سوال مردی مهر زن دو بند
کرد ایند یکی از ایشان ازاد بیك شد حکم مهر او چه باشد جواب مهر او همان
یك بند باشد کذا فی الکبری سوال مردی مهر منکوحه خود معین کرد یا نشده
معین نکرد گفت این خمر سرکه است یا گفت این بنده است بعده معلوم شد
که آن خمر بی خمر است وان بنده ازاد است شرعا مر منکوحه مذکوره را چه
طلب ایدت جواب مهر مثل کذا فی الکنز سوال ذمی ذمیه را در نکاح اورد بغیر
مهر پس منکوحه مذکوره موطوءه گشت ویا پیش از وطی مطلقه
گشت یا شوهر بمرد مر او را هیچ از مهر ایک یا نی جواب نی مکو انکه در اعتقاد
ایشان نیز بغیر مهر نباشد کذا فی الوقایة سوال ذمی ذمیه را در نکاح
اورد بمقداری خمر معین یا بخوك معین بعده هر دو یا یکی از ایشان
مسلمان شد مر منکوحه را چه طلب ایکن جواب همان خمر و همان خوك
سوال در صورتیکه بر خمر غیر معین و خوك غیر معین مناکح کرده باشند
حکم چیست جواب قیمت خمر و مهر مثل در خوك کذا فی الکافی .

لا اله الا الله محمد رسول الله الله باقی و العبد فانی



